

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیماهی ماه دوازدهم

در
سی جزء قرآن

محمود اباضری

سرشناسه	: اباذری، محمود، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: سیمای ماه دوازدهم در سی جزء قرآن / محمود اباذری.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۱ص:؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Koranic aspects :
موضوع	: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Hadiths :
موضوع	: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Mahdism -- Qur'anic teaching :
رده بندی کنگره	: BP۴۱۰۴۱۳ الف ۲۵م /
رده بندی دیویی	: ۱۵۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۳۵۹۸۰

سیمای ماه دوازدهم

(در سی جزء قرآن)



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

- مؤلف: محمود اباذری
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- ویراستار: فاطمه اکبری
- طراح جلد: سید ابوالحسن فاطمی
- صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی
- نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۵
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۲-۹
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهدا/کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/تلفن/۱-۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵ /نمبر:

۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ: ۹۸/تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱ /نمبر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

تقديم به:

سيد الأوصياء، مظهر العجائب، اسد الله الغالب، قسيم الجنة و النار، نفس الرسول، زوج البتول، باب مدينه العلم، النبأ العظيم، ابو الائمة الطاهرين، مولى الموحدين، امير المؤمنين، يعسوب الدين، حبل الله المتين، قرآن ناطق، ابو الحسن على بن ابى طالب عليه السلام أنه فرمود: «اگر بخواهم می توانم بار چهل شتر را از شرح «بسم الله» فراهم سازم.»^۱

۱. «رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَنْهُ أَنَّهُ شَرَحَ لَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةً مِنْ حِينِ أَقْبَلَ ظَلَامُهَا حَتَّى اسْفَرَ صَبَاحُهَا فِي شَرْحِ الْبَاءِ مِنْ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَمْ يَتَقَدَّمْ إِلَى السَّيْنِ وَقَالَ لَوْ شِئْتُ لَأَوْفَرْتُ أَرْبَعِينَ بَعِيرًا مِنْ شَرْحِ بِسْمِ اللَّهِ» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۸۶).

پیشگفتار

قرآن و عترت رسول خدا ﷺ، دو امانت گرانبهائی است که در میان امت به ودیعت گذاشته شده است؛ چنانچه رسول خدا در حدیث ثقلین، پس از معرفی این دو امانت گرانبها فرمودند: «فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا؛ پس بنگرید درباره این دو؛ چگونه جانشینی برایم خواهید بود»^۱.

«هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)!»^۲ برای اینکه سرنوشت ما همانند قوم ناسپاس بنی اسرائیل نباشد، لازم و ضروری است تا نهایت توجه به این دو امانت و آگاهی و شناخت و عمل خالصانه به سفارش‌های آن‌ها را داشته باشیم تا پس از ندای ﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ آن‌ها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! ﴿پاسخ قابل قبولی داشته باشیم.

یکی از زیباترین و مهم‌ترین موضوعات در عرصه شناخت، موضوع «امام مهدی ﷺ از دیدگاه قرآن» است. کتاب پیش‌رو بر آن است تا با یک نگاه کاربردی و با بهره‌گیری از روایات تفسیری و تبیینی اهل بیت (علیهم‌السلام)، تعدادی از آیات قرآن که ناظر به موضوع مهدویت است را انتخاب کند و با بیان چند نکته کاربردی در راه شناخت وظیفه در دوران غیبت حجت خدا قدمی بردارد؛ بنابراین، در آغاز از هر جزء یک آیه انتخاب شد، سپس برای تکمیل موضوعات قرآنی مهدوی، ﴿أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ﴾ ده آیه دیگر نیز افزوده شد تا در این مجموعه چهل آیه مهدوی گرد آمده باشد.

زیبنده است در برنامه‌های جزءخوانی در ایام ماه مبارک رمضان، هر روز یک آیه مهدوی به‌طور اختصار بیان شود تا مجلسمان به نور و عطر ثقلین، منور و معطر و معرفتمان درباره این دو موضوع افزون گردد.

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۳۴، باب ۲۲، ح ۴۵.

۲. «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بُرْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي» (اعراف (۷)، ۱۵۰).

۳. صافات (۳۷)، ۲۴.

پیشگفتار.....۷

اگر موعود امت‌ها و امید مظلومان برای نجات بشریت، اصلاح عالم، تحقق عدالت جهانی، فراهم کردن زمینه سعادت دنیا و عقبایشان، به وسیله خارج کردن قرآن از مهجوریت و قرار دادن آن در متن زندگی، به آن اهداف بلند دست می‌یابد، و ما نیز هر جمعه ندبه‌کنان چنین می‌گوییم که: «أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؛ کجاست آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدودش؟»، پس منتظران او نیز باید با محور قرار دادن قرآن در همه زندگی، شایستگی خود را برای یاری امامشان ثابت کنند.

به این ترتیب، در این مجموعه در آغاز هر جزء، نمونه‌ای از موضوعات قرآنی بیان شده تا انس ما با این نسخه شفاف‌بخش و روشن‌گر هر حقیقت و نقشه و معبر راه رستگاری، روز به روز بیشتر و بهتر گردد.

به امید آنکه با عمل به سفارش سیدالأوصیاء، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) موجبات رضایت خاتم الأوصیاء بقية الله الاعظم (علیه السلام) را فراهم نماییم، آنجا که فرمودند: قرآن را فرا گیرید که بهترین گفته‌هاست و در آن بیاندیشید که بهار قلب‌ها است، از نور آن شفا بجوید که شفای دل‌های بیمار است، آن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید که سودبخش‌ترین سرگذشت‌ها است.^۱

پس، برآن باشیم تا با عمل به دستورات «رَبِّعُ الْقُلُوبِ» زمینه ظهور «رَبِّعِ الْأَنَامِ» را فراهم کنیم.^۲

محمود اباذری

قم، ۲۵ ذی الحجة، سالروز ماجرای مباحله

مطابق با ۱۷ مهر ماه ۱۳۹۴

۱. «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِّعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ»؛ (نهج البلاغه، خ ۱۱۰).

۲. هرگونه پیشنهاد یا انتقاد خود درباره این کتاب را می‌توانید به وسیله پست الکترونیکی ذیل ارائه نمایید.

Abazar۱۲@chmail.ir , Abazari۱۴@gmail.com

فهرست مطالب:

۱۱	مقدمه
۱۶	جزء اول
۱۷	ایمان به حجت غایب و قطعیت ظهور
۲۰	جزء دوم
۲۱	کابینه دولت موعود
۲۵	سنت ابتلاء و آزمایش
۲۸	غریبال یاران
۳۲	جزء سوم
۳۳	کوثر «حکمت»
۳۶	جزء چهارم
۳۷	امدادهای غیبی
۴۰	مرزبانی از حق بویژه امامت و مهدویت
۴۳	جزء پنجم
۴۴	فرمان اطاعت از زمامداران معصوم الهی
۴۸	جزء ششم
۴۹	یارانی بی نظیر
۵۲	جزء هفتم
۵۳	نابودی ریشه ظلم و ظالمین
۵۶	جزء هشتم
۵۷	ضرب الاجل توبه و جبران آنچه از دست رفته
۵۹	جزء نهم
۶۰	بارش خیر و برکت
۶۳	جهاد در راه خدا و فراهم شدن زمینه یکتاپرستی و سعادت بشر
۶۶	جزء دهم
۶۷	اسلام دین واحد جهانی خواهد شد
۷۲	جزء یازدهم
۷۳	شایسته سالاری در امر هدایت
۷۶	جزء دوازدهم
۷۷	سلام بر بقیه الله
۸۰	جزء سیزدهم

۹.....	فهرست مطالب
۸۱.....	یوسف حضرت فاطمه
۸۴.....	استمرار هدایت الهی تا قیامت
۸۷	جزء چهاردهم
۸۸.....	پایان مهلت ابلیس
۹۱	جزء پانزدهم
۹۲.....	در چه کاروانی با کدام قافله سالار در مسیر زندگی خود، به پیش می روی؟!.....
۹۶.....	دلیل غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> و آثار وجودی او.....
۱۰۲	جزء شانزدهم
۱۰۳.....	جوجه را آخر پاییز می شمارند.....
۱۰۷	جزء هفدهم
۱۰۸.....	مدیریت جهانی عالم به وسیله شایسته ترین انسان ها.....
۱۱۱.....	عطر پاکی در سراسر عالم.....
۱۱۴	جزء هجدهم
۱۱۵.....	تحقق هدف خلقت با حاکمیت جهانی توحید ناب.....
۱۱۸	جزء نوزدهم
۱۱۹.....	ندای آسمانی.....
۱۲۲	جزء بیستم
۱۲۳.....	مضطرب.....
۱۲۶.....	رجعت.....
۱۳۰.....	سنت زیبای نجات مستضعفان و نابودی مستکبران.....
۱۳۴	جزء بیست و یکم
۱۳۵.....	نعمت پنهان.....
۱۳۹	جزء بیست و دوم
۱۴۰.....	قرار آسمان و زمین.....
۱۴۳	جزء بیست و سوم
۱۴۴.....	دلیل غیبت حجت خدا.....
۱۴۷	جزء بیست و چهارم
۱۴۸.....	وضعیت جهان پس از ظهور و حدیثی شکفت انگیز.....
۱۵۲	جزء بیست و پنجم
۱۵۴.....	نزول حضرت عیسی مسیح <small>علیه السلام</small>
۱۵۶	جزء بیست و ششم
۱۵۸.....	نشانه های قیامت.....

۱۰ سیمای ماه دوازدهم

جزء بیست و هفتم ۱۶۱

متنظران! به هوش باشید ۱۶۳

جایگاه انتظار و پاداش عظیم متنظران ۱۶۶

جزء بیست و هشتم ۱۷۰

اشتیاق و آرزوی یاری حضرت قائم علیه السلام ۱۷۲

جزء بیست و نهم ۱۷۵

چرا مضطرّ و بی قرار امامان نشده ایم؟! ۱۷۷

جزء سی ام ۱۸۱

صاحب و میزبان شب قدر ۱۸۴

نمایه موضوعی آیات مطرح شده ۱۸۸

فهرست برخی از منابع آیات مهدویت برای مطالعه بیشتر ۱۸۸

کتاب نامه ۱۸۹

مقدمه

خداوند متعال می‌فرماید: «(خدا) حکمت را به هر کس بخواهد، (و شایسته بداند) می‌دهد» برای اینکه اهمیت موضوع را بهتر دریابیم، چنین ادامه می‌دهد که: «و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است» و در مرحله سوم برای بیان بزرگی این نعمت، اضافه می‌کند که «جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند»^۱.

به‌طور طبیعی این سؤال مطرح می‌شود که این خیر کثیر و این نعمت عظیم چیست که فقط صاحبان عقل و خرد خالص قدر آن را می‌دانند و به آن دست می‌یابند؟

امام صادق می‌فرماید: «{مراد از حکمت} پیروی از خدا و شناخت امام است»^۲. به دلیل جایگاه والای معرفت امام است که مرحوم کلینی در بخش کتاب الحجّه از کتاب کافی، بابتی را تحت عنوان «بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ» مطرح می‌کند و در این باره چهارده روایت نقل می‌نماید، مرحوم علامه مجلسی نیز در جلد ۲۳ بحار الانوار عنوان دقیق‌تری با تعبیر «باب وجوب معرفة الإمام» بیان می‌کند و به چهل روایت اشاره می‌نماید. امام باقر (علیه السلام) در حدیث ششم این باب می‌فرماید:

کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگش مرگ جاهلی است و مردم هیچ عذری ندارند تا اینکه امامشان را بشناسند و کسی که بمیرد در حالی که امامش را شناخته است، پیش افتادن این امر (فرج) یا به تأخیر افتادنش به او ضرری نمی‌رساند و کسی که

۱. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ (بقره ۱)، (۲۶۹).

۲. عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز و جل: «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فقال طاعة الله و معرفة الامام؛ (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ذیل آیه شریفه ۲۶۹ سوره بقره).

۱۲ سیمای ماه دوازدهم

بمیرد در حالی که امامش را شناخته است، همانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه‌اش بوده باشد.^۱

از مطمئن‌ترین راه‌های شناخت حجت خداوند، مراجعه به قرآن است، بنابراین برای دستیابی به یک شناخت دقیق و عمیق درباره «امام مهدی علیه السلام» از دیدگاه قرآن باید خود قرآن شناخته شود. لذا فرمود:

بگو این قرآن برای کسانی که ایمان بیاورند، هدایت و شفا است و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در حقیقت گوششان دچار سنگینی شده و همین قرآن مایه کوری آنان است.^۲

و در جای دیگر فرمود: «و ما آنچه از قرآن فرستیم، شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است، لیکن کافران را به جز زیان چیزی نخواهد افزود».^۳

اگر شناخت ما از قرآن ناقص باشد، قطعاً بهره لازم را از قرآن نخواهیم برد و در استفاده از آن به مشکل دچار خواهیم شد.

چشمه‌ای را با آب گوارا در نظر بگیرید که به اقیانوسی بیکران از همان جنس متصل باشد، ظاهر آن برای ساده‌اندیشان، محدود و تمام شدنی است، اما حقیقت برای ژرف اندیشان چیز دیگری است.

قرآن چشمه‌ساری از حقایق و معارف پایان‌ناپذیر است که عقبه آن، در عالم غیب و در «لوح محفوظ» است. به این ویژگی قرآن با تعبیر «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» اشاره شده است، آنجا که فرمود: «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه

۱. «عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا يُعَدُّ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۸).

۲. «...قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى...» (فصلت (۴۱)، ۴۴).

۳. «وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء (۷)، ۸۲).

هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است!^۱ در تبیین این حقیقت در حدیث گران‌بهای ثقلین در وصف قرآن چنین آمده است: «كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنْ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ...؛ کتاب خدا، ریشمانی کشیده شده از آسمان به سوی زمین است.»^۲ یعنی سر دیگر این حقیقت در آسمان و عالم دیگری است در نتیجه، معارف قرآن به آنچه که ما می‌بینیم و می‌فهمیم پایان نمی‌یابد و هر آنچه را که بشر در عرصه هدایت و کمال در هر عصر و زمانی بدان نیاز دارد، دربر می‌گیرد.

در بیانی روشن‌تر آن‌گاه که در کنار دریا ایستاده‌اید، با دریایی از عظمت و شگفتی روبه‌رو هستید و به میزان توان و علاقه خود از آن بهره می‌برید و با نگاه کردن، شنا نمودن، قایق‌سواری و... از این نعمت الهی استفاده می‌کنید؛ اما آنچه که مهم است، این است که همه دریا این نیست.

دریا اعماقی نیز دارد که فقط غواصان توانمند به آن راه دارند و به وسیله آن‌ها می‌توان به گوشه‌هایی از عظمت اعماق آن، پی برد.

قرآن، نیز همانند دریا ظاهر و باطنی دارد. ظاهرش دریایی است از معارف که هر کس فراخور توان، توجه و تدبیرش در قرآن و البته با توجه به اصول و قواعد فهم قرآن، می‌تواند از آن بهره‌بردار و علم تفسیر نیز به این بخش توجه دارد.

شایان ذکر است که شیوه بیان قرآن در این مرحله، این است که به بیان اصول و کلیات بسنده می‌کند و راه آگاهی از جزئیات را به مبین الهی خود ارجاع می‌دهد؛ همان‌طور که اصل وجوب نماز، روزه، حج و مانند آن‌ها در قرآن آمده ولی همه امت اسلام، جزئیات آن‌ها را به وسیله سنت پی‌گیری می‌کنند.

موضوع مهدویت نیز به همین شکل است. اصل حاکمیت جهانی اسلام، مدیریت جهانی عالم به وسیله «عبادی الصالحون»، نجات مظلومان عالم و نابودی مستکبران،

۱. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»؛ (نحل ۱۶)، ۸۹.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۳۶، باب ۲۲، ح ۵۰.

در قرآن آمده است، ولی جزئیات آن را باید در بیان معصومان (علیهم السلام) جستجو کرد، به همین دلیل خداوند فرموده است که قرآن ﴿تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ بیانگر همه چیز است.^۱ و در آیه کریمه دیگری فرمود: ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی و شاید اندیشه کنند!﴾^۲.

همان‌طور که اشاره شد، قرآن ظاهری با معارف ناب دارد. اما واقعیت مهم‌تر این است که همه معارف قرآن به این ظاهر ختم نمی‌شود و همانند دریا که باطن و اعماقی پنهان از دید ما داشت، قرآن نیز باطن و اعماقی از معارف پایان‌ناپذیر دارد که به اقتضای آن موضوع، از دید ما پنهان شده است، خداوند در قرآن می‌فرماید:

«سوگند به جایگاه ستارگان. و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید که آن، قرآن کریمی است که در کتاب محفوظ و پنهانی جای دارد».^۳ که فقط غواصان الهی از آن خبر دارند و در ادامه می‌فرماید: «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند]».^۴

این پاکان همان کسانی هستند که خداوند در سوره احزاب آنها را گرامی داشته است:

«خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».^۵

اکنون با توجه به آنچه گذشت، راز حدیث ثقلین مشخص می‌شود که فرمود: «من

۱. نحل (۱۶)، ۸۹.

۲. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (همان، ۴۴).

۳. «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَفُرْقَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ»؛ (واقعۀ ۱۶)، ۷۵ تا (۷۸).

۴. «لَا يَسْتُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ (همان، ۷۹).

۵. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ (احزاب (۳۳)، ۳۳).

دو چیز گرانبها را میان شما به امانت می‌گذارم» و اینکه چرا نمی‌توان گفت: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ؟! و اگر در ادامه حدیث فرمود: «و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند و پیوسته تا سر حوض کوثر با هم هستند» سر آن نیز در همین نکته پنهان است.^۱

نتیجه

۱. در قرآن به ویژه درباره موضوعاتی که از سوی دشمنان نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای وجود دارد، اصول و کلیات بیان می‌شود و برای پی بردن به جزئیات، راهی را که قرآن در آیات متعدد از جمله آیه ۴۴ سوره نحل، سفارش نموده؛ یعنی رجوع به «مبینان الهی قرآن» باید طی کرد.

۲. قرآن افزون بر ظاهر، باطنی نیز دارد که در کسب معرفت و شناخت از دیدگاه آن، باید به هر دو عرصه توجه کرد و به وسیله بیانات امامان معصوم (علیهم‌السلام)، همان غواصان الهی قرآن، از لایه‌های درونی و به اصطلاح بطون و نهان این کتاب آسمانی آگاه شد، به‌ویژه اینکه بسیاری از معارف مهدویت در بطن و تأویل آیات مطرح شده و به‌وسیله رسول خدا ﷺ و اهل بیت طاهرش (علیهم‌السلام)، از آن پرده برداشته شده و در اختیار ما قرار گرفته است.

اکنون بنابر آنچه گذشت، نمونه‌هایی از آیات مهدویت به منتظران موعود تقدیم می‌گردد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا»؛ (ابوعیسی ترمذی، سنن ترمذی (یک جلدی) کتاب المناقب، باب ۳۲، مناقب اهل بیت النبی، ح ۳۷۹۷، ص ۹۹۲).

جزء اول

این جزء سوره حمد و سوره بقره تا آیه ۱۴۲ را دربر می‌گیرد. در اولین سوره یا همان فاتحة الكتاب، راه و رسم حمد و ستایش الهی و راز و نیاز با او را به بندگانش می‌آموزد و بخشی از آن حمد و ثنای الهی و بخش دیگر، درخواست‌های بنده از آفریدگار خود می‌باشد به‌ویژه، قرار گرفتن در راه هدایت و حرکت کردن به دنبال قافله سالار این راه.

سوره بقره که طولانی‌ترین سوره قرآن و از سوره‌های مدنی است، به موضوعات مختلفی اشاره می‌کند. ابتدا چند آیه درباره پرهیزگاران، سپس دو آیه درباره کافران و به دنبال آن سیزده آیه پیرامون منافقان دارد و در ادامه از توحید، تحدی، و اعجاز قرآن سخن به میان می‌آید و از آیه ۳۰ به بعد، موضوع خلقت انسان، ماجرای سجده فرشتگان و هبوط حضرت آدم و حوا مطرح می‌شود.

سپس از آیه ۴۰ به بعد با بیان سرگذشت بنی اسرائیل، درس‌های مهم اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را به مسلمانان گوشزد می‌کند؛ از جمله:

وفای به عهد و پیمان الهی و پایبندی به حق (۴۰ به بعد)، فراموش نکردن نعمت های الهی و عبرت گرفتن از خطاهای گذشته (۴۹ به بعد)، حب دنیا و خیانت در دین (۷۸ تا ۸۱)، منتظران خاتم الانبیاء ﷺ و کفر ورزیدن به او؛ علل و عوامل (۸۹)

جزء اول..... ۱۷

تا (۱۰۱)، هدف‌های شوم اهل کتاب و خوش‌خیالی برخی از ساده لوحان (۱۰۵ به بعد).
برخی از آیات مهدویت در این جزء^۱

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۱	بقره	۳	ایمان به حجت غایب و حتمیت ظهور
۲	=	۷۳ و ۵۶	رجعت در اقوام گذشته ^۲
۳	=	۱۱۴	خواری و ذلت دشمنان با قیام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴	=	۱۱۵	وجه الله بودن حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و پر نمودن شرق و غرب عالم از عدل و داد

آیه منتخب

ایمان به حجت غایب و قطعیت ظهور

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛ این کتاب که در آن هیچ شکی نیست، راهنمای پرهیزکاران است؛ کسانی که به غیب ایمان می‌آورند﴾^۳.

راوی می‌گوید: از امام صادق درباره آیه ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ سؤال کردم، ایشان فرمودند: پرهیزگاران، پیروان حضرت علی هستند و (مراد از) «غیب»، حجت غائب است و شاهد آن قول خداوند است که می‌فرماید: «بگو: غیب تنها برای خدا است! شما در انتظار باشید، من هم با

۱. جهت آشنایی بیشتر با این دسته از آیات می‌توانید به منابعی که در پایان کتاب معرفی خواهد شد، مراجعه کنید.

۲. این آیات صغرای قیاس و برهان وقوع رجعت در آخرالزمان قرار می‌گیرد. به آیه ۸۳ از سوره نمل در جزء ۲۰ از همین مجموعه مراجعه شود.

۳. بقره (۲)، ۲ و ۳.

شما در انتظارم!»^۱.

در روایت دیگری از ایشان آمده است: «ایمان به غیب، یعنی اقرار به قیام قائم که حق است»^۲.

نکته‌ها

الف) ایمان به غیب، مانند آستانه و درگاهی است که با ورود به آن، انسان از مرتبه حیوانی که به درک محسوسات محدود می‌شود، بیرون می‌آید و به مرتبه والای انسانیت وارد می‌شود و درمی‌یابد که وجود بزرگتر و فراگیرتر از دایره محسوسات است.^۳

ب) غیب مطلق، خداوند متعال است؛ او را با چشم سر نمی‌توان دید؛ نه در دنیا و نه در آخرت. مهم‌ترین ویژگی «متقین» این است که با تمام وجود، به آفریدگار هستی و آنچه او از آن خبر داده است، باور دارند. هم‌چنان که در آیه ۱۶۲ سوره «نساء» به آن تصریح شده است.

ج) بر اساس روایات، یکی از مهم‌ترین مصداق‌های «غیب»، ایمان به «حجّت غایب» و یقین به «ظهور» اوست.

د) متقین مانند کسانی نیستند که می‌گویند: اگر امام وجود دارد، پس کجاست؟ و چرا او را نمی‌بینیم؟ بلکه با دلایل عقلی، قرآنی و روایی به یقین رسیده‌اند که خداوند هرگز هستی را بدون حجّت رها نمی‌کند و همان‌طور که بسیاری از انبیای الهی و

۱. «عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ فَقَالَ الْمُتَّقُونَ شَيْعَةَ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبَةُ. وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»؛ (یونس، ۱۰)، ۲۰؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۱ (۳۳)، ص ۳۴۰، ح ۲۰.

۲. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» قَالَ: مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ»؛ (همان، ح ۱۹).

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

جزء اول..... ۱۹

اوصیای آن‌ها بر اساس حکمت الهی، مدتی از قوم خود غایب می‌شدند، اکنون نیز حجت خداوند غایب است و سرانجام روزی **ظهور** خواهد کرد.^۱

هـ) از مهم‌ترین آسیب‌ها و خطراتی که منتظران را در دوران غیبت تهدید می‌کند، شک و تردید درباره وجود و ظهور امام زمان علیه السلام است که ممکن است از دو موضوع سرچشمه گرفته باشد:

۱. طولانی شدن غیب؛ ۲. شبهه افکنی دشمنان.

متقین به خداوند و وعده‌های او ایمان دارند و از آنجا که مژده و نوید ظهور حضرت را خود خداوند داده است، هرگز دچار شک و تردید نمی‌شوند و همچنان چشم به راه مقدم نورانی وی باقی می‌مانند.

آن‌ها این چنین با محبوب خود نجوا می‌کنند:

پس اگر روزگار (غیبت) به طول انجامد و و زمان به درازا بکشد،
بر یقین و محبت و اعتماد به شما و چشم به راه بودنم نسبت
به ظهورت و بر مرزبانیم (نسبت به این اعتقاد) با جان و مال و
هر آنچه که خداوند به من عطا نموده است، افزوده خواهد شد.^۲

۱. به سفارش امام زمان علیه السلام کتاب *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* به وسیله مرحوم شیخ صدوق، با همین انگیزه تألیف شد و باب اول تا پانزدهم از جلد اول این کتاب درباره غیبت انبیاء گذشته است. چنانچه در مقدمه کتاب، بحث مهمی را درباره خلیفه‌الله و ضرورت وجود او و همچنین در پایان کتاب بحث زیبایی را درباره دوران فترت رسل مطرح می‌نماید و تأکید می‌کند که فاصله بین حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دوران فترت رسول بود نه فترت حجت.

۲. «فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا، وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا، وَ عَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَ مُعْتَمِدًا، وَ لِيُظْهِرَكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظَرًا، وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا، فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا خَوْلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ» (علامه مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۹۹، ص ۹۹؛ *مفاتیح‌الجنان*، فرازی از زیارت حضرت در «زیارت سرداب مقدس»).

جزء دوم

این جزء از آیه ۱۴۲ سوره بقره آغاز می‌شود و به آیه ۲۵۲ این سوره پایان می‌یابد. خداوند در این آیات ابتدا از تغییر قبله سخن می‌گوید و سپس به موضوعات مختلفی می‌پردازد؛ از جمله:

نعمت بزرگ وحی و نبوت و شکر این نعمت (۱۵۰ تا ۱۵۲)، صبر و نماز (۱۵۳)، شهادت در راه خدا (۱۵۴)، کتمان حقایق و جرم سنگین آن (۱۵۹ تا ۱۶۳)، آیات و نشانه های الهی در خلقت (۱۶۴)، سرانجام ذلت بار پیروی از غیر خداوند (۱۶۵ تا ۱۶۷)، هشدار نسبت به سیاست گام به گام شیطان (۱۶۸ تا ۱۶۹)، تقلید کورکورانه (۱۷۰ تا ۱۷۱)، روزی حلال و شکر آن (۱۷۲)، قصاص و راز آن (۱۷۸ و ۱۷۹)، وصیت (۱۸۰ تا ۱۸۲)، لیلۃ المبیت (۲۰۷)، راز گرفتاری‌ها (۲۱۴)، سفارش به ایتمام (۲۲۰)، ملاک ردّ و قبول در ازدواج (۲۲۱)، محافظت از نماز (۲۳۸ تا ۲۳۹).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۵	بقره	۱۴۸	اصحاب خاص
۶	=	۱۵۵ تا ۱۵۷	آزمون‌های پیش از ظهور
۷	=	۲۱۰	امدادهای غیبی هنگام ظهور
۸	=	۲۴۳	رجعت در اقوام گذشته
۹	=	۲۴۹	غربال یاران

آیه منتخب (۱)

کابینه دولت موعود

﴿وَ لِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَآتِ بِكُمْ مِنَ اللّٰهِ جَمِيعًا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ﴾^۱ هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است. در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند زیرا او بر هر کاری تواناست.^۲

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «کسانی که از بسترشان ناپدید می‌شوند، ۳۱۳ مرد به تعداد اهل (جنگ) بدر هستند. پس در مکه حاضر خواهند شد و این قول خداوند است که می‌فرماید: «اِنَّ مَا تَكُونُوا...» و آنان اصحاب حضرت قائم هستند».^۳

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «قطعاً این آیه درباره ناپدیدشدگان از اصحاب قائم نازل شده است که می‌فرماید: «اِنَّ مَا تَكُونُوا يَآتِ...» همانا آن‌ها شبانه از بسترهایشان ناپدید می‌شوند و صبح در مکه خواهند بود و بعضی از آنان در ابرها حرکت می‌کنند و با اسمش و اسم پدرش و ویژگی و نسبش شناخته می‌شوند. مفضل می‌گوید: به حضرت عرض کردم: فدایتان شوم کدامشان از نظر ایمان با عظمت‌تر هستند؟ امام (علیه السلام) فرمود: آنکه روز در ابرها حرکت می‌کند».^۳

۱. بقره (۲)، ۱۴۸.

۲. «عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَآتِ بِكُمْ مِنَ اللَّهِ جَمِيعًا وَ هُمْ اَصْحَابُ الْقَائِمِ» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴، باب ۵۷ ما روی فی علامات... ح ۲۱).

۳. «عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمُفْتَقِدِينَ مِنْ اَصْحَابِ الْقَائِمِ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَآتِ بِكُمْ مِنَ اللَّهِ جَمِيعًا اِنَّهُمْ لَيَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ بَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي

نکته‌ها

(الف) در ادامه آیات مربوط به تغییر قبله، به دلیل شیطنت و شبهه‌افکنی یهودیان، خداوند در این آیه می‌فرماید: موضوع قبله چیزی نیست که این قدر مورد گفتگو واقع شود. هر امتی قبله‌ای دارد؛ مهم این است که در کارهای خیر از یکدیگر سبقت بگیرد؛ سپس برای تهدید دشمنان و امید بخشی به مؤمنان می‌فرماید: «خداوند شما را هر کجا باشید (در روز قیامت)، جمع خواهد نمود و او چنین قدرتی را دارد».

(ب) روایت‌های زیادی به حقیقت نهفته در بطن و نهان این آیه توجه داده است و آن جمع شدن برق‌آسای اصحاب ویژه امام مهدی علیه السلام در آغاز ظهور است که به قدرت الهی در کمترین زمان در مکه جمع خواهند شد.

(ج) آنچه از روایات متعدد در این باره به دست می‌آید، این است که این افراد که به تعداد اهل بدر هستند، از یاران ویژه و فرماندهان ارشد سپاه حضرت و به عبارت دیگر «کابینه» ایشان به شمار می‌آیند و دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند؛ برخی از ویژگی آنان عبارت است از:

قدرت چهل مرد را دارند،^۱ همه چیز حتی درندگان و مرغان هوا، مطیع آنان است.^۲ باطن بین هستند و کافران و منافقان را از چهره آن‌ها می‌شناسند،^۳ وظیفه خود را در کف دست خود می‌بینند،^۴ روی آب حرکت می‌کنند^۵ و...

(د) در آغاز ظهور، اولین کسی که با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کند، حضرت جبرئیل

السَّحَابُ يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ حَلِيتِهِ وَ نَسَبِهِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَكْبَرُ؟ إِيْمَانًا قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا؛ (همان، ص ۶۷۳، باب ۵۸ فی نوادر الكتاب، ح ۲۴).

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳، باب ۵۸ فی نوادر الكتاب، ح ۲۷.

۲. همان، ح ۲۶.

۳. بهاء‌الدین نیلی نجفی، منتخب الانوار المضيئه، ص ۱۹۵، الفصل الثاني عشر.

۴. ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۹، باب ۲۱، ح ۸.

۵. همان.

است، سپس همین یاران ویژه با ایشان بیعت می‌نمایند.^۱
(هـ) درباره این مسأله که آیا همه آنان تا زمان ظهور زنده هستند یا اینکه افرادی از آنان که از دنیا رفته‌اند و با ظهور حضرت، رجعت خواهند نمود، بیان صریحی دیده نشده؛ اما از ظاهر روایات،^۲ چنین به دست می‌آید که برخی از آنها از دنیا رفته‌اند و با ظهور حضرت به اذن الهی رجعت خواهند نمود. افزون بر اینکه هیچ دلیلی نیز بر عمر طولانی این افراد نداریم.

(و) بنابر برخی روایات در میان آنان پنجاه زن وجود دارد؛ اکنون دو سؤال مطرح می‌شود که:

۱. آیا این زنان، جزء ۳۱۳ نفر هستند؟
۲. نقش آنها چیست؟ آیا آنها نیز همانند مردان، فرماندهی و مدیریت امور را در دست خواهند داشت؟

در پاسخ سؤال اول باید گفت: تعبیر روایت این است که «فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً» در بین آنان پنجاه زن هستند، نفرمود: «منهم خمسون امرأة» از آنها پنجاه زن هستند تا دلالت کند که بخشی از ۳۱۳ نفر زن هستند.

افزون بر آن، حکمت عدم ریاست و امامت زنان امری نیست که با گذشت زمان تغییر نماید؛ چرا که بر اساس فطرت و ساختار جسمی و روحی آنان، از سوی خدای حکیم این مسئولیت از دوش آنها برداشته شده و مسئولیت مهم‌تر و حساس‌تری بر عهده آنان قرار داده شده است و آن، تربیت انسان است. نقش مادر در این باره منحصر به فرد است تا آنجا که فرزند یزید با دودمان خود متفاوت بود؛ زیرا مادری شایسته داشت و قطعاً این ۳۱۳ نفر نیز از اصحاب خاص امام زمان علیه السلام، در پرتو تربیت مادرانی شایسته و پاکدامن به این عظمت دست یافته‌اند.

۱. همان. ص ۳۱۴، باب ۲۰، ح ۶.

۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۶، فصل سیره الامام المهدي علیه السلام.

نکته مهم این است که واگذاری مسئولیت خانواده و امور سیاسی و اجتماعی به مردان هرگز به معنای برتری و فضیلت آن‌ها بر زنان نیست، بلکه بر اساس حکمت الهی به هر کدام از زن و مرد متناسب با ساختار جسمی و روحیشان، مسئولیت‌هایی واگذار شده است، اما مسأله فضیلت و برتری را ایمان و تقوا تعیین می‌کند، چرا که ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست^۱ و اما درباره سؤال دوم باید گفت در یک قیام و انقلاب جهانی، مأموریت‌هایی یافت می‌شود که لازم است زنان آن را بر عهده بگیرند، مانند: آنچه در گذشته اتفاق افتاده است؛ مثل مأموریت حساس انتقال عایشه از کوفه به مدینه که به وسیله بیست نفر از زنان انجام شد.^۲

بنابر روایات، این زنان به مداوای مجروحان و پرستاری بیماران می‌پرداختند، همان گونه که در صدر اسلام در برخی از جنگ‌ها، مثل جنگ احد همراه رسول خدا به این امور می‌پرداختند.^۳

ز) یکی از شرایط ظهور، کامل شدن تعداد یاران خاص می‌باشد اما این، تنها شرط ظهور نیست بلکه ظهور شرایط دیگری نیز دارد که با فراهم شدن همه آن‌ها، به اذن الهی فرمان ظهور صادر خواهد شد.

گرچه ظاهر برخی از روایات^۴ این است که با کامل شدن این تعداد، ظهور واقع خواهد شد؛ اما مهم این است که این افراد، شخصیت‌های بی‌مانندی هستند که از نظر ویژگی‌های ایمانی، بصیرت، مدیر و مدبر بودن و اوصافی مانند این، در مرتبه‌های

۱. حجرات (۴۹)، ۱۳.

۲. ضامن‌المدنی، وقعة الجمل، ص ۱۴۹.

۳. «عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: يُكْرَهُ مَعَ الْقَائِمِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً قُلْتُ: وَمَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجُرْحَى، وَ يَقْمَنَ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ (محمد صبری، دلائل الامامة، ص ۴۸۴، ح ۴۷۹ / ۸۳).

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي وَاللَّهِ أُحِبُّكَ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكَ يَا سَيِّدِي مَا أَكْثَرَ شِيعَتِكَ فَقَالَ لَهُ أَذْكَرُهُمْ فَقَالَ كَثِيرٌ فَقَالَ تُحْصِيهِمْ فَقَالَ هُمْ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَمَا لَوْ كَمَلْتُ الْعِدَّةَ الْمُؤَصَّوْفَةَ ثَلَاثِينَ مِائَةً وَ بَضْعَةَ عَشْرٍ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ...»؛ (ابراهيم نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۳، باب ۱۲، ح ۴).

بسیار بالایی قرار دارند؛ شخصیت‌هایی مانند: مالک اشتر، اصحاب امام حسین (علیهم‌السلام) امام خمینی (ره) و... سالیان سال باید بگذرد تا عالم چنین شخصیت‌هایی به خود ببیند. (ح) یاران حضرت، به این تعداد پایان نمی‌یابد، بلکه حلقهٔ بعدی، ده هزار نفر می‌باشند که با کامل شدن این عده، ایشان از مکه خارج خواهند شد، سپس بر تعداد یارانش افزوده خواهد شد و هیچ محدودیتی برای پیوستن به ایشان وجود ندارد مگر آنچه از سوی خود انسان باشد و او را از یاری امام باز دارد؛ اموری مانند: حب ریاست، دنیاطلبی، جهل، سستی و ترس از مال و جان خود و ...

(ط) تلاش برای تربیت چنین یارانی، می‌تواند در تعجیل ظهور بسیار مؤثر باشد که در این باره، زنان نقش بی‌مانندی دارند و می‌توانند در جهت تربیت «مهدی یاوران» نقش خود را ایفا نمایند.

لازم است ملاک و معیارها در پذیرش و انتخاب همسر آینده و رسم و رسومات موجود برای تشکیل خانواده، به این سمت هدایت شود و خانواده‌هایی به وجود بیایند که زمینه و بستر تربیت «عبادِ الصالحون» در آن فراهم شود.

آیهٔ منتخب (۲)

سنت ابتلاء و آزمایش

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛ قَطْعاً هَمَّةً شَمَا رَا بَا چِيزِی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم!» این‌ها، همان‌ها

۱. « عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ النَّقْفِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (علیه‌السلام) يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّغَبِ... فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ الْأَلْفِ رَجُلٍ خَرَجَ..»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).

هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آن‌ها هستند هدایت‌یافتگان! ﴿۱﴾
 امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

همانا در پیش روی حضرت قائم، برای مؤمنین از سوی خداوند نشانه‌هایی خواهد بود. محمد بن مسلم عرض کرد: فدای شما شوم. آن نشانه‌ها چیست؟

فرمودند: آن قول خداوند است که فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ» یعنی پیش از قیام حضرت قائم شما مؤمنین را خواهیم آزمود «بَشِيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ آنان را به چیزی از ترس از سوی پادشاهان از فرزندان فلان در آخر حکومتشان و گرسنگی با بالارفتن قیمت‌ها (تورم) «وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ» و کساد شدن تجارت و کمی سود و از دست دادن جان‌ها یعنی مرگی سریع و فراگیر (به‌گونه‌ای که مردم از دفنشان عاجز مانند) و نقصی در میوه‌ها یعنی کاهش برداشت محصول آزمایش می‌کند، «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» در این هنگام صبرکنندگان را به تعجیل قیام حضرت قائم بشارت دهید.

سپس حضرت فرمودند: «ای محمد! این تأویل آیه است و خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ در حالی که تفسیر آن‌ها را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند.»^۲

۱. بقره (۲)، ۱۵۵ تا ۱۵۷.

۲. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ قُدَامَ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ. قُلْتُ: وَمَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ. قَالَ: يَبْلُوهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ نَبِيِّ فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ. وَ الْجُوعِ بَعْلَاءِ أَسْعَارِهِمْ. وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ؛ قَالَ: كَسَادُ التِّجَارَاتِ وَ قِلَّةُ الْفُضْلِ. وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَنْفُسِ؛ قَالَ: مَوْتٌ دَرِيْعٍ. وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ؛ قَالَ: قِلَّةُ رُبْعٍ مَا يَزْرَعُ

نکته‌ها

الف) در بسیاری از روایات برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نشانه‌هایی بیان شده است^۱ که می‌توان آن‌ها را به نشانه‌های دور و نزدیک، طبیعی و غیر طبیعی، حتمی و غیر حتمی تقسیم نمود.

ب) کارکرد این علائم و سر بیان آن‌ها از سوی امامان معصوم علیهم السلام را می‌توان این‌چنین خلاصه کرد:

۱. معیار و نشانه‌ای برای شناخت موعود راستین از مدعیان دروغین. همان‌گونه که فجر صادق، آیت و نشانه طلوع خورشید است؛ علائم حتمی نقش عمده‌ای در این‌باره دارند.
۲. راهی برای تشخیص مدعیان دروغین و شناخت سکه‌های تقلبی از سکه اصل. فجر کاذب، آیت مدعیان دروغین در دوران تاریک غیبت است. حضرت مهدی علیه السلام، در بخشی از آخرین توقیع خود در پایان دوران غیبت صغرا، به علی بن محمد سمری، چهارمین نائب خویش، می‌فرماید:
و در بین شیعیانم کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده (ادعای نیابت خاص) می‌کنند، بدانید هر کس قبل از ندای آسمانی و خروج سفیانی ادعای مشاهده (نیابت خاص) نماید، او بسیار دروغگو و افترا زننده است.^۲
۳. فراموش نشدن امام و ادامه زمینه‌سازی ظهور.
۴. تقویت امید و رهایی از ناامیدی با تحقق نشانه‌های ظهور که به تدریج در طول دوران غیبت دیده شده و دیده می‌شوند؛ مانند نشانه: فرو رفتن علم در شهر نجف و

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَجْوِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا تَأْوِيلُهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹، باب ۵۷، ح ۳).

۱. نعمانی، الغیبه، باب ۱۴ و ۱۸؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، باب ۵۷؛ بحار، ج ۵۲، باب ۲۵.
۲. «وَسَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶، باب ۴۵، ح ۴۴).

ظهور و بروز آن از شهر قم و انتشار علوم از قم به دورترین نقاط عالم.^۱
 ۵. تشخیص قیام‌های باطل از قیام‌های حق با توجه به معیارهایی که از سوی امامان معصوم (علیهم‌السلام) ارائه شده است.^۲

ج) گویا دوران غیبت، دوران نیروسازی برای برنامه جهانی اصلاح عالم است که باید انسان‌ها در کوره حوادث و مشکلاتی مانند قحطی، ناامنی، از دست دادن مال و جان و مانند این امور قرار گیرند تا مشخص شود چه کسانی همچنان راست قامت و ثابت قدم بر حق باقی خواهند ماند و راضی به رضای خدای حکیم خود راه مستقیم عبودیت و بندگی او را ادامه خواهند داد و چه کسانی از غربال آزمون غیبت خارج خواهند شد.

د) از سوی خداوند به کسانی که بر سختی‌های دوران غیبت صبر می‌کنند، مژده داده شده که «عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» و اینان کسانی هستند که شایستگی یاری امام را خواهند داشت.

آیه منتخب (۳)

غریبال یاران

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا

۱. «عَنِ الصَّادِقِ أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْرُزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرُزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِنَلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قَمٌ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخْدَرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَمٌ وَ أَهْلُهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ وَ يَسِيرُ سَبِيًّا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنْكَارِهِمْ حُجَّةً» (علامه مجلسی، بحار، ج ۵۷، ص ۲۱۲، باب ۳۶ الممدوح من البلدان، ح ۲۳).

۲. «...فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صَدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَيَّ سُلْطَانٌ مُّجْتَمِعٌ لِيَنْقِضَهُ...» (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۱).

جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و هنگامی که طالوت سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند پس کسانی که از آن بنوشند، از من نیستند و آن‌ها که جز یک پیمانه با دست خود بیشتر از آن نخورند، از من هستند. جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش سالم به در آمدند) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود ناراحت شدند و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم.» اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است.^۱

امام صادق (علیه السلام) اصحاب طالوت به نهر (آبی) که خداوند می‌فرماید: «مُتَّبِعِيكُمْ بِنَهْرٍ» آزمایش شدند و اصحاب حضرت قائم نیز به مثل آن آزمایش خواهند شد.^۲

همچنین در حدیث دیگری از ایشان آمده است: حضرت قائم در کمتر از «فته» قیام نمی‌کند و «فته» کمتر از ده هزار نفر نیست.^۳

نکته‌ها

الف) یکی از سنت‌های مهم الهی در این جهان، سنت ابتلاء و آزمایش است (عنکبوت: ۱) تا آنجا که گاهی، ماهی دریا و صید بیابان مأمور امتحان بشر می‌شوند. (اعراف: ۱۶۳ و مائده: ۹۴).

۱. بقره (۲)، ۲۴۹.

۲. «عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتُلُوا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - مُتَّبِعِيكُمْ بِنَهْرٍ وَ إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يُبْتَلَوْنَ بِمِثْلِ ذَلِكَ»؛ (ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۶، باب ۲۰، ح ۱۳).

۳. «عن حماد بن عثمان قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) لا يخرج القائم (عليه السلام) في أقل من الفتنه - ولا يكون الفتنه أقل من عشرة آلاف»؛ (محمد عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ۱۳۴. حدیث دیگری نیز در این باره وجود دارد: علامه مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳).

ب) یکی از سخت‌ترین ابتلائات، امتحان غیبتِ امام زمان (علیه السلام) است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«چاره‌ای نیست برای مردم از اینکه خالص شوند و (خوبان از بدان) جدا شوند و غربال شوند و مردم زیادی از غربال (امتحان غیبت) خارج می‌شوند»^۱.

ج) از مهم‌ترین ویژگی‌های یاران امام زمان (علیه السلام) اطاعت و فرمانبرداری از ایشان است و برای رسیدن به این مرحله امتحانات سختی را باید پشت سر گذاشت تا مشخص گردد چه کسانی لیاقت یاری حضرت را دارند؟

انسان می‌تواند با مدیریت غرائز و کنترل امیال و خواسته‌های نفسانی و سلمان گونه عمل کردن و ترجیح خواسته امام زمان بر خواسته خود^۲ بلکه پیشی گرفتن از یکدیگر در پی‌گیری نمودن خواسته‌های امام زمان^۳ به‌ویژه در زمانی که مسابقه رفاه و تجمل و چشم هم‌چشمی‌ها دین و ایمان را نابود ساخته است، لیاقت خود را برای یاری حضرتش ثابت نماید.

چنانچه حضرت رسول ﷺ فرمودند: «خوشا به حال کسی که قائم ما اهل بیت را درک کند (زمان ظهورش باشد)، در حالی که که در دوران غیبت و پیش از ظهورش به او اقتدا کرده باشد»^۴.

د) سختی آزمون اطاعت از امام را به خوبی در ماجرای حضرت خضر (علیه السلام) و

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغْرَبُوا وَ يُسْتَخْرَجَ فِي الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»؛ (محمد کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، کتاب الحجّة، باب التمیص و الامتحان، ح ۲) احادیث دیگر این باب نیز بسیار مهم است.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (علیه السلام): ... أ تَدْرِي مَا كَثْرَةُ ذِكْرِي لَهُ قُلْتُ لَا قَالَ لَثَلَاثَ خِلَالَ إِحْدَاهَا إِثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ الثَّانِيَةَ حُبُّ الْفُقَرَاءِ وَ اخْتِبَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعُدْرَةِ وَ الثَّالِثَةَ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۳۲۷).

۳. «... اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، الذَّابِّينَ عَنْهُ، الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ، الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ، الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ...» (مفاتیح الجنان، فرازهایی از دعای عهد).

۴. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، ح ۲).

حضرت موسیٰ (علیه السلام) می‌توان مشاهده کرد و دست‌آورد سفر معرفتی حضرت موسیٰ (علیه السلام) را در جمله پایانی حضرت خضر (علیه السلام) می‌توان صید نمود، آنجا که فرمود: «و من آن کارها) را خودسرانه انجام ندادم، این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آن‌ها شکیبایی به خرج دهی!».^۱ یعنی در برابر مأمور الهی باید تسلیم و فرمانبردار بود؛ زیرا او بر حق است و حق با اوست.^۲

هـ) بر اساس روایات، حضرت قائم (علیه السلام) هنگام ظهور به کعبه تکیه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر مرد (اصحاب خاص) نزد او جمع می‌شوند و اولین سخنی که می‌فرماید، این آیه از قرآن کریم است که: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ». سپس می‌فرماید: «منم بقیة الله در روی زمین و خلیفه خدا و حجتش بر شما. پس هیچ سلام کننده‌ای به او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»، پس وقتی «عقد» یعنی ده هزار نفر مرد نزد ایشان جمع شدند، (از مکه) خارج می‌شود».^۳

۱. «و ما فعلتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا»؛ (کهف (۱۸)، ۸۲).

۲. «... فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ لَا يُزَالُهُمْ وَلَا يُزَالُونَهُ»؛ (ابراهیم نعمانی، العیبه، ص ۷۲، باب ۴، ح ۸).

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ النَّقْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ يَقُولُ: «... فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يُنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ»؛ (کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).

جزء سوم

جزء سوم قرآن از آیه ۲۵۳ سوره بقره آغاز و با آیه ۹۱ سوره آل عمران پایان می‌یابد.

موضوعات این جزء عبارت است از:

سفارش به انفاق پیش از آنکه دیر شود (۲۵۴) آیه‌الکرسی و دو آیه بعد از آن (۲۵۵ تا ۲۵۷) احتجاج زیبای حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود (۲۵۸)، ماجرای شگفت‌انگیز غزیر نبی علیه السلام (۲۵۹)، احیاء پرندگان به وسیله حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام (۲۶۰)، رباخواری و اعلام جنگ با خدا (۲۷۵ تا ۲۸۱)، آداب قرض دادن در بزرگ‌ترین آیه قرآن (۲۸۲ تا ۲۸۴) و سرانجام آیه «أَمَّنَ الرَّسُولُ» و سفارش روایات به تلاوت آن پس از انجام فریضه.

سوره آل عمران نیز از سوره های مدنی است که در ابتدا به موضوع توحید، وحی، نبوت و سرانجام بد کافران و فرجام نیک پرهیزکاران توجه می‌کند و با سفارش به مؤمنان درباره پرهیز از دوستی با کافران و همچنین توجه به سرای آخرت ادامه می‌یابد.

خداوند از آیه ۳۵ به بعد، ماجرای ولادت حضرت مریم علیها السلام را یادآور می‌شود تا مادر یکی از پیامبران بزرگ الهی، حضرت عیسی مسیح علیه السلام باشد و پایه های توحیدی موحدان با دیدن این آیت بزرگ الهی و مظهر قدرت حق محکم گردد؛ اما افسوس و صد افسوس که مردم قدر ندانستند و عده‌ای در پی قتل او برآمدند و حکمت الهی بر

جزء سوم..... ۳۳

این تعلق گرفت که به آسمان ها برده شود و ذخیره‌ای برای نبرد نهایی حق و باطل بماند.

در آیه ۶۱ ماجرای شگفت‌انگیز مباحثه مطرح می‌شود و مقام رفیع اصحاب کساء جلوه می‌کند و تا پایان این جزء سفارش‌هایی برای اتمام حجت اهل کتاب ارائه می‌گردد.

برخی از آیات مهدویت در این جزء

موضوع	آیه	سوره	ردیف
رجعت در اقوام گذشته	۲۵۹	بقره	۱۰
ارزش و جایگاه معرفت و شناخت امام	۲۶۹	=	۱۱
نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>	۴۶	آل عمران	۱۲
=	۵۵	=	۱۳
دوران رجعت	۸۱	=	۱۴
جهانی شدن دین اسلام با ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۸۳	=	۱۵

آیه منتخب

کوثر «حکمت»

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (خدا) حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند ﴿.

امام صادق علیه السلام درباره این بخش از آیه که خداوند می‌فرماید: «وَ مَنْ يُؤْتَ

الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فرمودند: (مراد،) اطاعت خداوند و شناخت امام است.^۱
 همچنین فرمودند: (مراد از حکمت) شناخت امام و دوری از گناهان کبیره است.^۲

نکته ها

الف) تعبیر «مَنْ يَشَاءُ» به طور عمده در قرآن به قابلیت قابل و نوع انتخاب، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های انسان ناظر است.

یعنی فیض الهی برای همه ساری و جاری است، افراد باتوجه به میزان خواست و تلاش و ایجاد زمینه‌های دریافت فیوضات الهی از آن بهره‌مند می‌شوند و اگر انسانی به هدایت‌های الهی توجه نکند، در واقع گمراهی را انتخاب نموده است و به تعبیر قرآن «إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ»^۳ درباره او صدق می‌کند.

ب) در این آیه از «حکمت» به عنوان خیر کثیر و به تعبیر دیگر، «کوثر»، سخن به میان آمده است و تا آنجا اهمیت دارد که فقط صاحبان عقل و خرد ناب آن را درمی‌یابند و به دنبالش خواهند بود. (وَمَا يَدْرِكُهُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ).

ج) از مهم‌ترین مصداق‌های حکمت که ریشه و مصادیق دیگر آن هم به شمار می‌آید، مسأله شناخت امام است. اگر کسی به این نعمت دست یافت، به خیر کثیر و کوثر دست یافته است و خیر و برکت و سعادت دو جهان را از آن خود کرده است و اگر از این نعمت بزرگ محروم بود، حیات و مرگ او مانند حیات و مرگ مردم زمان جاهلیت است که هیچ بهره‌ای از حقیقت نداشتند.

البته باید توجه داشت که شناخت امام دارای درجات و مراتب بسیار زیادی است

۱. «عن أبي بصير عن أبي عبد الله في قول الله عز و جل: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فقال: طاعة الله و معرفة الامام» (عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۸۷).

۲. «عن أبي عبد الله قال سمعته يقول و مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ - فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا . قَالَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ» (محمد کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، باب الکبائر، ح ۲۰).

۳. رعد(۱۳)، ۲۷؛ نحل(۱۶)، ۹۳؛ فاطر(۳۵)، ۸.

که باید زمینه‌های علمی و عملی^۱ برای دریافت درجه‌های بالاتر را ایجاد کرد و اولین درجه معرفت و شناخت امام این است که بدانیم او همتای نبی خداست، البته پیامبر نیست و وارث اوست، پیروی از او پیروی از خدا و رسول خداست و تسلیم او بودن در همه امور و ارجاع آن‌ها به او و عمل به گفتار او واجب است، همچنین باید بدانیم پس از رسول خدا ﷺ (به ترتیب) علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، و فرزندش حضرت حجت (علیه السلام)، امام و حجت خدا می‌باشند.^۲

۵) معرفت و شناخت امام، محبت و دوستی و به دنبال آن اطاعت و پیروی محض از آنان را در پی دارد و سرانجام سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت: (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا).

۱. زمینه‌های علمی: مطالعه کتاب‌های مفید و معتبر، شرکت در دوره‌های آموزشی مهدویت که به وسیله مراکز معتبر مهدوی زیر نظر حوزه علمیه برگزار می‌شود، مراجعه به سایت‌های مفید و معتبر مانند: سایت www.mahdi313.org و....

زمینه‌های عملی: دوری از گناه، به دست آوردن روزی حلال، انجام واجبات و رعایت اخلاق و آداب اسلامی و....

۲. «عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ... وَ أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ مِنْ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحُجَّةُ مِنْ وَ لَدِ الْحَسَنِ»؛ (خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۲۶۳، باب ما جاء عن جعفر بن محمد).

جزء چهارم

چهارمین جزء قرآن با آیه ۹۲ سوره آل عمران آغاز می‌شود و با آیه ۲۳ سوره نساء پایان می‌یابد.

از جمله موضوعات مطرح شده، در این جزء عبارتند از:

چگونه جزء «ابرار» قرار گیریم؟ (۹۲)، هشدار گرایش و پیروی مؤمنان از اهل کتاب (۹۸ تا ۱۰۲)، تأکید بر وحدت و پرهیز از تفرقه (۱۰۳ تا ۱۰۵)، ترسیم صحنه‌ای عجیب از قیامت (۱۰۶ تا ۱۰۸)، راز برتری امت اسلام و خواری اهل کتاب (۱۱۰ تا ۱۱۲)، جنگ بدر و شگفتی‌های آن (۱۲۱ تا ۱۲۹)، شقاوت رباخواران و سعادت انفاق‌کنندگان (۱۳۰ تا ۱۳۴)، پذیرش توبه‌کنندگان (۱۳۵ به بعد)، جنگ احد و راز شکست پس از پیروزی و درس‌های مهم این واقعه (۱۳۷ تا ۱۷۹)، بخل و سرانجام شوم آن و اهمیت انفاق (۱۸۰ تا ۱۸۶)، پی بردن به معاد با تفکر در خلقت (۱۹۰ به بعد)، برنده و بازنده در این عالم (۱۹۶ به بعد) و سرانجام چهار سفارش حیاتی در آخرین آیه این سوره.

سوره نساء از جمله سوره‌های مدنی است که مباحث مهمی درباره خانواده، جامعه و مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه را در بر دارد.

این جزء در ابتدا درباره آغاز حیات انسان با آفرینش حضرت آدم و حوا، زیاد شدن نسل انسان و تشکیل خانواده و مسائل مربوط به آن از جمله ازدواج، ارث و احکام آن و همچنین انحرافات خانوادگی و راه درمان آن سخن می‌گوید، سپس با اشاره به توبه

و بازگشت از خطا و سرانجام احکام ازدواج، پایان می‌پذیرد.
برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۱۵	آل عمران	۱۲۵	فرشتگان، بخشی از سپاهیان حضرت مهدی (ع)
۱۶	=	۱۴۲	آزمون دوران غیبت
۱۷	=	۲۰۰	مرزبانی از حق به ویژه امامت و مهدویت

آیه منتخب (۱)

امدادهای غیبی

﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! ﴿

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«همانا فرشتگانی که در روی زمین در روز (جنگ) بدر حضرت محمد (ص) را یاری نمودند، هنوز بالا نرفته‌اند و بالا نخواهند رفت تا اینکه صاحب این امر را یاری نمایند و آن‌ها پنج هزار فرشته هستند».^۲

امام صادق (ع) نیز چنین می‌فرماید:

گویا به حضرت قائم می‌نگرم در نجف کوفه... که پرچم رسول (ص) خدا با اوست، جبرئیل آن را برایش می‌آورد و با آن

۱. آل عمران (۳)، ۱۲۵.

۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا (ص) يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَ لَا يَصْعَدُونَ حَتَّى يُنْصَرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ»؛ (محمد عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷).

پرچم، نه هزار و سیصد و سیزده فرشته فرود می‌آیند،^۱ فرشتگانی که با حضرت نوح (علیه السلام) در کشتی بودند و فرشتگانی که با حضرت ابراهیم (علیه السلام) بودند، آنگاه که در آتش انداخته شد و آن‌هایی که با حضرت موسی (علیه السلام) بودند، آنگاه که دریا برایش شکافته شد و آن‌هایی که با حضرت عیسی (علیه السلام) بودند، آنگاه که به آسمان برده شد و چهار هزار فرشته نشانه‌دار که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند و سیصد و سیزده فرشته‌ای که در بدر با ایشان بودند...و (همه) آن‌ها منتظر قیام حضرت قائم (عجل الله فرجه) هستند.^۲

نکته‌ها

(الف) ظهور بر اساس سنت الهی مشروط به خواست و آمادگی مردم است؛^۳ اما آنگاه که این آمادگی همانند یاران حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در جنگ بدر، با صداقت و راستی ایجاد شد، نصرت الهی و امدادهای غیبی نیز از زمین و آسمان مؤمنان را دربر خواهد گرفت.

(ب) بنابر بسیاری از روایات، بخشی از سپاهیان حضرت مهدی (عجل الله فرجه) تمام

۱. ظاهر روایت اول و چند روایت دیگر این است که همه این فرشتگان در این عالم منتظر ظهور هستند، در حالی که روایت دوم بیانگر این است که آنان از آسمان فرود می‌آیند. شاید وجه جمع آن این باشد که هنگام ظهور به اذن الهی به آسمان خواهند رفت و طی مراسمی به همراهی جبرئیل، آن پرچم یعنی «رایت رسول خدا» که ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست خواهند آورد. (ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، باب ۱۹، ح ۲).

۲. «عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ... مَعَهُ رَابِعَةُ رَسُولِ اللَّهِ... يَأْتِيهِ بِهَا جِبْرَائِيلُ... يَهْبِطُ بِهَا تِسْعَةَ أَلْفِ مَلَكٍ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكًا... هُمُ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حَيْثُ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى لَمَّا فُلِقَ لَهُ الْبَحْرُ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى لَمَّا رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ مُسَوِّمِينَ كَانُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكًا كَانُوا مَعَهُ يَوْمَ بَدْرٍ... وَ هُمْ يَنْتَظِرُونَ خُرُوجَ الْقَائِمِ»؛ (ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹، باب ۱۹، ح ۴).

۳. رعد (۱۳)، ۱۱؛ انفال (۸)، ۵۳؛ حدید (۵۷) ۲۵؛ محمد (۴۷) ۷؛ فصلت (۴۱)، ۳۰ و ...

۴. ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۳، باب ۱۳، فی صفة جنوده و خيله، ح ۴۳.

فرشتگانی هستند که برای یاری مؤمنان روی زمین آمده‌اند، همه آنان منتظر ظهورند و برای یاری حضرت آماده هستند.

ج غفلت از نصرت الهی و امدادهای غیبی ممکن است به خودباختگی در برابر قدرت ظاهری دشمن بیانجامد و ما را از صلابت و استقامت در راه حق و ادامهٔ زمینه‌سازی ظهور باز دارد، به همین دلیل است که قرآن می‌فرماید: «و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».^۲

د از مصداق‌های دیگر نصرت الهی و امدادهای غیبی^۳ می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

- پرچم ویژهٔ رسول خدا ﷺ که تا کنون فقط دو بار برافراشته شده، یکی در جنگ بدر و دیگری در جنگ جمل و مرحلهٔ سوم آن در هنگام ظهور خواهد بود. این پرچم ویژگی‌های خاصی دارد، از جمله اینکه در دل دشمن رعب و وحشت بسیار زیادی ایجاد می‌کند که سبب شکست آن‌ها شده و کار را برای مؤمنان هموار می‌سازد.^۴
- عصا و سنگ مخصوص حضرت موسی؛ آب و غدای سپاهیان حضرت مهدی عج در هنگام اتراق به اذن الهی از این سنگ تأمین خواهد شد.^۵ و هر آنچه که حضرت فرمان دهد، به اذن الهی به وسیلهٔ این عصا انجام خواهد شد.^۶

۱. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ (آل عمران (۳)، ۱۳۹).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ (محمد (۴۷)، ۷).

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳، باب ۵۸، ح ۲۶ به بعد؛ ابراهیم نعمانی، الغیبه، باب ۱۳ بخش آیات و فعله و بخش فی صفة جنوده و باب ۱۹ و باب ۲۰.

۴. ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، باب ۱۹، ح ۱.

۵. همان، ص ۲۳۸، باب ۱۳، بخش آیات و فعله، ح ۲۸.

۶. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، باب ۵۸، ح ۲۸.

۴۰..... سیمای ماه دوازدهم

- انگشتر حضرت سلیمان با همان ویژگی‌ها،^۱ سلاح‌های ویژه،^۲ همراهی جمادات با سپاهیان امام زمان علیه السلام در نابودی دشمنان،^۳ پیراهن حضرت یوسف علیه السلام با همان ویژگی^۴ و...

آیه منتخب (۲)

مرزبانی از حق بویژه امامت ومهدویت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!﴾^۵

داوود رقی از امام صادق علیه السلام پرسید: معنای سلام بر رسول خدا چیست؟ حضرت

فرمود:

آن‌گاه که خداوند متعال رسولش و جانشین رسولش و دخترش و دو فرزندش و همه ائمه و پیروانشان را آفرید، از آنان پیمان گرفت «أَنْ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ» و به آنان وعده داد که زمین را تسلیم آنان گرداند... «سلام» بر رسول خدا صلی الله علیه و آله یادآور آن پیمان و آن وعده است، به امید آنکه در این وعده شتاب شود.^۶

۱. ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۸، باب ۱۳، ح ۲۸.

۲. همان، ح ۴۵؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۱۹.

۳. همان، ص ۶۷۰، ح ۱۶.

۴. همان، ص ۶۷۴، ح ۲۹.

۵. آل عمران (۳)، ۲۰۰.

۶. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِئِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْنَى السَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّهُ وَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَتَهُ وَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَلَقَ شَبِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ أَنْ يَصْبِرُوا وَ يُصَابِرُوا وَ يُرَابِطُوا وَ أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ وَعَدَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ لَهُمُ الْأَرْضَ... وَ إِنَّمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ تَذَكُّرَةٌ لِنَفْسِ الْمِيثَاقِ وَ

امام صادق علیه السلام هم چنین می‌فرماید:

«يَصْبِرُوا» یعنی بر آنچه در ماست (ولایت)، پایدار باشید، «يُصَابِرُوا» با یکدیگر در رویارویی علیه دشمن با ولایتان پایدار بمانید، «يُرَابِطُوا» بر ثبات قدم و ماندنتان با امام محافظت نمایید^۱.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نیز آمده است:

«اصبروا» بر واجبات پایدار باشید، «و صابروا» با همدیگر در برابر دشمن استقامت بورزید، «و رابطوا» با امام منتظران، ملازمت و همراهی داشته باشید^۲.

نکته‌ها:

الف) درون مایه این آیه شریف آن‌چنان مهم است که از آغاز خلقت درباره آن، عهد و پیمان گرفته شده است و سلام بر رسول خدا یادآور آن پیمان و تجدید آن عهد و درخواست تعجیل در وعده الهی بر اساس ظهور نور عدالت و بندگی خالصانه بر سراسر گیتی است.

ب) یک انسان هم تکالیف و مسؤولیت‌های فردی دارد: «اصبروا» و هم تکالیف و مسؤولیت‌های اجتماعی: «و صابروا و رابطوا».

ج) امروز دشمن با تمام وجود به مبارزه با حق به‌ویژه ولایت، امامت و مهدویت پرداخته است و با دروغ و نیرنگ، ایجاد شک و تردید، ترویج خرافات، حمایت از مدعیان و ارائه چهره‌های غیر واقعی از امام مهدی علیه السلام، آن هم با زبان هنر و سینمای هالیوود در پی ویرانی، گمراهی و سرانجام نابودی حق است.

تَجْدِيدُ لَهُ عَلَى اللَّهِ لَعَلَّهُ أَنْ يُعَجِّلَهُ جَلًّا وَعَزًّا وَيُعَجِّلَ السَّلَامَ لَكُمْ بِجَمِيعِ مَا فِيهِ»؛ (محمد کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۵۱، کتاب الحجّة، ابواب التاريخ، باب مولد النبي، ح ۳۹).

۱. «عن الصادق: «اصبروا» على الذي فينا، قلت: «و صابروا» قال: عدوكم مع وليكم «و رابطوا قال: المقام مع إمامكم «و اتقوا الله لعلكم تفلحون» قلت، تنزيل! قال: نعم»؛ (عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۲۶).

۲. «عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر علیه السلام في قوله عز وجل - اصبروا و صابروا و رابطوا فقال اصبروا على أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا إمامكم المنتظر»؛ (ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۹، باب ۱۱، ح ۱۳).

۴۲..... سیمای ماه دوازدهم

بنابراین، منتظران باید با بصیرتِ تمام و تلاش ادامه‌دار و تقویت معرفت و شناخت دربارهٔ امام، مرزبانی خود را از مرزهای اعتقادی به‌ویژه امامت و مهدویت به خوبی انجام دهند و پیوسته این آیات را جلوی چشم خود قرار دهند:

- «و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!»^۱.
- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد»^۲.
- «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!»^۳.

۱. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران (۳)، ۱۳۹).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد (۴۷)، ۷).

۳. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت (۴۱)، ۳۰).

جزء پنجم

آیه ۲۴ سوره نساء، آغاز و آیه ۱۴۷ این سوره پایان جزء پنجم قرآن است.

از جمله موضوعات این جزء عبارتند از:

ازدواج موقت (۲۴ تا ۲۸)، پرهیز از مال حرام و قتل نفس و چشم و هم چشمی‌ها (۲۹ و ۳۲)، شاهد شاهدان (۴۱ و ۴۲)، انحراف اهل کتاب بر اثر دنیاطلبی (۴۴ تا ۵۵)، سرانجام کفر و ایمان (۵۶ و ۵۷)، امانت و مهم‌ترین ضامن هدایت امت (۵۸) به بعد، توسل و شفاعت (۶۴)، نتیجه اطاعت از خدا و رسول (۶۵ به بعد)، بی‌بصیرتی در برابر جریان نفاق (۸۸ به بعد)، ضرورت تحقیق و بررسی (۹۴)، ارزش و جایگاه هجرت (۹۷ به بعد)، نماز مسافر و نماز خوف (۱۰۱ تا ۱۰۳)، وعده‌های راستین الهی و وعده‌های پوشالی شیطان (۱۱۶ تا ۱۲۶)، حق‌مدار بودن در زندگی (۱۳۵)، حرمت نشستن در مجلس گناه حرام (۱۴۰ به بعد)، شگرد منافقان و لزوم هشجاری مؤمنان (۱۴۱ به بعد).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۱۸	نساء	۴۷	فرو رفتن لشکر سفیانی در منطقه بیداء
۱۹	=	۵۹	زامداران معصوم در طول حیات بشر
۲۰	=	۶۹	همراهی با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>

آیه منتخب

فرمان اطاعت از زمامداران معصوم الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

جابر بن عبد الله انصاری گوید:

هنگامی که آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ نازل گردید، خدمت حضرت رسول ﷺ عرض کردم: ما خدا و رسول را شناختیم و اکنون می‌خواهیم بدانیم این اولوالأمر که طاعت آنان با طاعت خدا و رسول قرین شده، کدام افراد هستند؟ فرمود: «این افراد خلفای من هستند.

ای جابر! اینان پیشوایان مسلمین می‌باشند که پس از من خواهند آمد، اول آن‌ها علی بن ابی طالب است، ...پس از این‌ها همنام و صاحب کنیه من که حجت پروردگار و نشانه او در زمین است... از شیعیان و پیروان و دوستان خود غیبت خواهد کرد، و جز افرادی که در ایمان امتحان داده باشند، کسی در امامت او باقی نخواهد ماند؛ به خداوندی که مرا به‌راستی برانگیخته،

شیعیان از غیبت او استفاده خواهند کرد و از تابش انوار او مستفیض خواهند شد، همان‌طور که از خورشید بهره می‌برند حتی اگر در زیر ابر باشد»^۱.

امام صادق در پاسخ این سؤال که چرا نام اهل بیت در قرآن نیست فرمودند: (خلاصه روایت) بر رسول خدا حکم نماز نازل شد، اما در قرآن به این مطلب که چه نمازی سه رکعتی یا چهار رکعتی است تصریح نشد و این رسول الله بود (طبق فرمان الهی در آیه ۴۴ سوره نحل) که نماز را تفسیر کرد و همین‌طور زکات بر رسول خدا نازل شد، اما این مطلب که از هرچهل درهم یک درهم آن زکات است در قرآن نام برده نشده است و رسول خدا آن را برای مردم تفسیر نمود و حج نیز نازل شد، اما در قرآن نگفت هفت شوط طواف کنید و رسول خدا آن را تفسیر نمود. در مورد امامت و ولایت هم همین‌طور است؛ اصل امامت در آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ بیان شد و حضرت رسول مصادیق و جزئیات «أُولِی الْأَمْرِ» را در حدیث غدیر، ثقلین، منزلت و... بیان نموده است.^۳

۱. جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّصَارِيُّ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ ﷺ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أُولُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي... ثُمَّ سَمِعِي وَ كَيْبِي حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ إِي وَ الَّذِي بَعَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ» (شيخ صدوق، كمال‌الدين و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۳، ح ۳).

۲. نساء (۴)، ۵۹.

۳. «عَنْ أَبِي بصير قال: سألت أبا عبد الله... فقلتُ له إنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يُسَمَّ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دَرَاهِمًا دَرَاهِمًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحَجُّ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحَجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أَسْبُوعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

نکته ها

الف) اطاعت از خداوند فقط در پرتو اطاعت از رسولش و جانشینان الهی رسول امکان پذیر است «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۱.

ب) در قرآن در موارد متعدد از اطاعت مطلق از دیگران نهی شده است،^۲ اما در این آیه از ما خواسته شده است به طور مطلق از «أُولَى الْأَمْرِ» اطاعت نماییم و این نیست مگر به خاطر عصمت آنان. «آنان بر حقند و حق پیوسته با آنان است، نه حق از آن‌ها جدا می‌شود و نه آن‌ها از حق جدا می‌شوند»^۳. بنابراین، اطاعت از آن‌ها هرگز در تضاد با اوامر خدا و رسول نخواهد بود.

از سوی دیگر، تبیین رسول دربارهٔ مصادیق «أُولَى الْأَمْرِ» جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که معنای لغوی این واژه مراد نیست و مراد از آن، فقط کسانی هستند که به وسیلهٔ همان خدایی که رسول را تعیین نموده، تعیین شده‌اند و حکم آن‌ها ابلاغ شده است.

«ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند»^۴.

ج) ثبات قدم بر ولایت دوازدهمین «أُولَى الْأَمْرِ» و اطاعت از او و الگو قرار دادن وی از مهم‌ترین آزمون‌های دوران غیبت به شمار می‌آید: «يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ

ص هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ قَالَ ص أَوْصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي...» (محمد کلینی، کافی، ج ۱، کتاب الحججه، باب ما نص الله و رسوله... ص ۲۸۶، ح ۱؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ذیل آیه ۵۹ سوره نساء).

۱. نساء (۴)، ۸۰.

۲. عنکبوت (۲۹)، ۸؛ شعراء (۲۶)، ۱۵۱؛ کهف (۱۸)، ۲۸؛ فرقان (۲۵)، ۵۲؛ احزاب (۳۳)، ۱؛ قلم (۶۸)، ۸ و ۱۰؛ انسان (۷۶)، ۲۴؛ علق (۹۶)، ۱۹؛ انعام (۶)، ۱۱۶.

۳. ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۷۲، باب ۴، ح ۸.

۴. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (مائده (۵)، ۶۷).

أُولِيَّائِهِ غَيْبَةً لَّا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»
بنابراین فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، به شرطی که در دوران غیبتش، او را مقتدا و الگویی خود قرار داده باشد»^۱.

د) در دوران غیبت، می‌توان از پرتو انوار هدایت امام به‌رمند شد؛ همانند بهره‌مندی از خورشید پشت ابر «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ».

ه) چگونه می‌توان از نور امام بهره‌مند شد؟

با قلبی پاک و پیروی از امام می‌توان در دوران غیبت و ظهور از نور او بهره‌مند

شد.

امام باقر (علیه السلام) به ابا خالد کابلی فرمود:

به خدا قسم ای ابا خالد! نور امام در دل مؤمنان از خورشید فروزان، نورانی‌تر است و آنان به خدا قسم دل مؤمنان را روشن می‌کنند و خداوند نورشان را از کسانی که بخواهد (لیاقتش را نداشته باشند) باز می‌دارد، در نتیجه دل آن‌ها تاریک خواهد ماند. به خدا قسم، ای ابا خالد! هیچ بنده‌ای ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نخواهد پذیرفت مگر اینکه خداوند قلبش را پاک و طاهر گرداند و او قلب بنده‌ای را طاهر نمی‌گرداند تا اینکه تسلیم ما باشد؛ پس وقتی این چنین بود، خداوند او را از حساب شدید و وحشت روز قیامت در امان خواهد داشت.^۲

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵.

۲. «... وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمْ وَ اللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَحْجِبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَّا يُجِئْنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَّا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلْمًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ أَمْنَهُ مِنْ فِرَاعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ»؛ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۴، باب ان الائمه نور الله عزوجل).

جزء ششم

ششمین جزء کتاب خدا و معجزه جاویدان الهی با آیه ۱۴۸ سوره نساء شروع و با آیه ۸۱ سوره مائده پایان می‌یابد.

در بخش پایانی سوره نساء این مباحث به چشم می‌خورد:

تلاش دشمنان برای ایجاد تفرقه (۱۵۰ به بعد)، برخورد نامناسب یهودیان با حضرت عیسی (علیه السلام) و صعود وی به آسمان‌ها (۱۵۷ و ۱۵۸).

سوره مائده یا همان سوره ولایت با ۱۲۰ آیه و از آخرین سوره‌های مدنی است که مباحث بسیار مهمی را درباره ولایت و امامت دربر دارد. برخی از موضوعات مهم این سوره تا پایان جزء ششم عبارت است از:

وفای به پیمان (۱)، اکمال دین و اتمام نعمت و ناامیدی کفار (۳)، وضو و غسل و تیمم (۶)، آنچه نباید فراموش کرد و قیام به قسط (۷ و ۸)، عهد و پیمان الهی و عاقبت عهدشکنی (۱۲ به بعد)، خطر بزرگ انحراف از توحید (۱۷ به بعد)، عبرت از خطاهای اهل کتاب (۱۹ به بعد)، ماجرای هابیل و قابیل (۲۷ تا ۳۴)، وسیله تقرب به درگاه الهی (۳۵)، نتیجه دوری از خدا (۳۶ و ۳۷)، حکم دزدی (۳۸ به بعد)، آیه ولایت (۵۵)، آیه غدیر (۶۷).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۲۱	نساء	۱۵۹	نزول حضرت عیسیٰ <small>علیه السلام</small>
۲۲	مائده	۳	نا امیدی همه کفار عالم با ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳	=	۵۴	مهدی یاوران

آیه منتخب

یارانی بی نظیر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.^۱

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

همانا صاحب این امر، یارانش برایش حفظ شده‌اند اگر همه مردم (از دین خدا) بروند، خداوند یارانش را برایش خواهد آورد و آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند در وصفشان می‌فرماید: «و اگر اینان نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.» (یعنی تعبیر «قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» در وصف یاران

۵۰..... سیمای ماه دوازدهم

صاحب این امر است) و آنها همان کسانی هستند که خداوند می فرماید: «خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.^۱

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که این آیه درباره حضرت قائم و اصحابش نازل شده است.^۲

نکته‌ها

الف) مهم‌ترین دغدغه مؤمن، ثبات قدم بر راه حق و حسن عاقبت است: **«مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ»**.

در روایت‌های بسیاری از جمله در باب ۱۷ و باب ۲۱ کتاب *الغیبه* مرحوم نعمانی هشدارهای لازم در این باره آمده است، برای نمونه در حدیث اول باب ۲۱ این کتاب امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام می کند، کسی که به نظر خویش از اهل این کار بود، از امر حضرت قائم بیرون می رود».^۴ پس بسیار شایسته و بایسته است که منتظران حضرتش پیوسته بر این دعای قرآنی مداومت داشته باشند: «پروردگارا! دل‌هایمان را پس از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای!»^۵

ب) در راه زندگی انواع آسیب‌ها، دین و ایمان انسان را تهدید می کند؛ از جمله:

۱. «عن سلیمان بن هارون العجلی، قال: سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) يقول: «إن صاحب هذا الأمر محفوظ له [أصحابه]، لو ذهب الناس جميعاً أتى الله [له] بأصحابه، و هم الذين قال الله عز و جل: فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ و هم الذين قال الله عز و جل فيهم: فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ و يُحِبُّونَهُ أَدْلَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ (هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۴، ذیل آیه).

۲. عروسی حویزی، نور التقلین، ج ۱، ص ۶۴۱.

۳. یوسف (۱۲)، ۱۰۱؛ روم (۳۵)، ۱۰.

۴. ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۷.

۵. «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ (آل عمران (۳)، ۸).

- مدعیان دورغین؛
- جابه‌جایی حبّ و بغض‌ها و دشمنی با دوستان و دوستی با دشمنان حق؛
- تعلقات دنیا و بازماندن از یاری حق با جان و مال؛
- سعی در جلب رضایت دیگران به جای جلب رضایت خداوند و... .
- امام حسین (علیه السلام) روز دوم محرم در کربلا فرمود: «رستگار نباشند امتی که رضایت و خشنودی خالق را دادند و خشنودی مخلوق را خریدند» (در پی جلب رضایت ابن زیاد و یزید هستند).^۱
- (ج) ویژگی یاران امام زمان (علیه السلام):
- عشق به خدا (يُحِبُّونَهُ)؛
- تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی و خشونت در برابر دشمنان خدا (أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)؛
- اهل جهاد در راه خدا (يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)؛
- ثابت قدمی در راه حق و توجه نکردن به سرزنش سرزنش‌کنندگان (وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ).
- (د) دین خدا به یاری ما نیازی ندارد، بلکه توفیق یاری دین خدا از بزرگترین توفیقات و نعمت‌های الهی است که باید مراقب باشیم شایستگی آن را از دست ندهیم: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ».

۱. «فَلَمَّا وَرَدَ كِتَابُهُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَقَرَأَهُ رَمَاهُ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ: «لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ اشْتَرَوْا مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۴۴، ص ۳۸۳).

جزء هفتم

این جزء با آیه ۸۲ سوره مائده آغاز می‌شود و تا ابتدای آیه ۱۱۱ سوره انعام ادامه می‌یابد.

موضوعات مهم در آیات پایانی سوره مائده به شرح ذیل است:

بدترین دشمنان اسلام (۸۲)، احکام قسم (۸۹)، راز حرمت شراب و قمار (۹۰) به بعد، آزمونی شگفت‌انگیز (۹۴ تا ۹۶)، سؤال بی‌جا (۱۰۱)، خودشناسی (۱۰۵)، آداب و احکام وصیت (۱۰۶) به بعد، نزول مائده آسمانی و دین توحیدی حضرت عیسی (علیه السلام) (۱۱۲) به بعد.

سوره انعام با ۱۶۵ آیه از سوره‌های مکی است که می‌توان از آن به عنوان سوره توحید و مبارزه با شرک یاد کرد، مهم‌ترین موضوعات آن عبارت است از: نشانه‌های روشن توحید و سرانجام سربلندی از آن (ابتدای سوره به بعد)، اسرار گرفتاری‌ها و مشکلات (۴۲ به بعد)، آغوش باز اسلام برای پذیرش مؤمنان و رحمت واسعة الهی (۵۴)، رابطه خدانشناسی با وحی و نبوت (۹۱)، مدعیان دروغین (۹۳)، رفتن همانند آمدن (۹۴)، توهین نکردن به مقدسات دیگران (۱۰۸)، سرانجام وارونگی قلب (۱۱۰).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۲۴	انعام	۴۵	ریشه کن شدن ظلم و ستم در دوران ظهور حضرت مهدی (عج)

آیه منتخب

نابودی ریشه ظلم و ظالمین

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ. فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید و) آنچه را به آن‌ها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آن‌ها گشودیم تا (کاملاً) خوشحال شدند (و به آن دل بستند) ناگهان آن‌ها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام همگی ناامید شدند (و درهای امید به روی آن‌ها بسته شد).^۱

و (به این ترتیب) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش ویژه خداوند، پروردگار جهانیان است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

قول خداوند که فرمود: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ» یعنی آنگاه که ولایت امام علی علیه السلام را رها کردند، در حالی که به آن مأمور بودند، «فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ» درهای دنیا به روی آنان باز شد، «حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» مراد، قیام حضرت قائم است.^۲

نکته‌ها

الف) اگر راهی را که خدای حکیم برای ما معین کرده است طی کنیم، سعادت دنیا و آخرت را به دست خواهیم آورد و گرنه ذلت دنیا و عذاب آخرت را خواهیم چشید:

۱. انعام (۶)، ۴۴ - ۴۵.

۲. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۴۱۹.

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ».

چنانچه وضعیتی که امت اسلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ تا به امروز به خود دیده است، نتیجه طی مسیر «سقیفه» به جای «غدیر» است و این وضعیت درست نخواهد شد مگر اینکه به این راه بازگردند.

ب) یکی از سنت‌های الهی، مجازات استدراجی است.

این مجازات به این روش است که خداوند گناهکاران و طغیانگران جسور و زورمند را فوراً مجازات نمی‌کند، بلکه درهای نعمت را به روی آن‌ها می‌گشاید، هر چه بیشتر در راه طغیان گام بر می‌دارند، نعمت خود را بیشتر می‌کند و این از دو حال خارج نیست، یا این نعمت‌ها تنبه و بیداری آن‌ها را به دنبال دارد، که در این صورت برنامه «هدایت الهی» عملی شده و یا اینکه بر غرور و بی‌خبری آن‌ها می‌افزاید که در این صورت مجازات آن‌ها به هنگام رسیدن به آخرین مرحله دردناکتر است.^۱

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «اگر پیوسته از سوی خداوند به سوی تو نعمت می‌آید، در حالی که تو اهل معصیت هستی، بترس».^۲

ج) برخورد امام مهدی (عج) با ظلم و ظالمان خواهد بود و آن هم در جهت رهایی بشریت از ظلم آنان است. همانند طبیب حاذقی که تیغ تیز جراحی او برای قطع غده‌های چرکین در جهت درمان بیمار است.

د) منتظران با یادآوری پیوسته این وعده الهی، خود را از ناامیدی در امان می‌دارند و برای آن روز آماده می‌شوند و این چنین با مولای خود نجوا می‌کنند:

مولا جان! کی می‌شود تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم؟^۳ در حالی که پرچم یاری را برافراشته‌ای و مردم آن را ببینند، آیا می‌شود

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۳.

۲. «يَا اَيْنَ اَدَمَ اِذَا رَاَيْتَ رَبِّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ اَنْتَ تَعْصِيهِ فَاَحْذَرُهُ»، (نهج البلاغه، حکمت ۲۵).

۳. «کی می‌شود در حالی که تو ما را می‌بینی، ما هم تو را ببینیم؟»، این جمله کنایه از ظهور است، یعنی کی می‌شود شاهد ظهورت باشیم؟

روزی را ببینیم که دور تو را گرفته باشیم و تو امامت امت را بر عهده داشته باشی و زمین را از عدالت پر نموده و به دشمنانت ذلت و عذاب چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را نابود کنی و ریشه مستکبران را قطع و اساس ستمگران را بر کنی؟ و در این حال بگوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱.

۱. «مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرَى أ تَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأَ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَذْلًا، وَ أَدَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَ جَحَدَةَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ اجْتَنَسْتَ أُصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نُقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (مفاتیح الجنان، فرازهایی از دعای ندبه، علامه مجلسی، بحار، ج ۹۹، ص ۱۰۹).

جزء هشتم

این جزء با آیه ۱۱۱ سوره انعام آغاز می‌شود و تا آیه ۸۸ سوره اعراف ادامه می‌یابد. در آیات پایانی سوره انعام این موضوعات دیده می‌شود: عاقبت چشم و هم چشمی (۱۱۶)، خوردنی حرام و خروج از راه حق (۱۱۸ به بعد)، زنده کیست؟ (۱۲۲)، تعیین حجت خدا با کیست؟ (۱۲۴)، نقش اعمال آدمی در خارج شدن از راه (۱۲۸ و ۱۲۹)، دکان احکام تراشی (۱۳۶ به بعد)، جبر گرایسی راهی برای توجیه خیره سری‌ها (۱۴۸ به بعد)، همیشگی نبودن فرصت انتخاب (۱۵۸)، چرا توحید در ربوبیت؟ (۱۶۴).

سوره اعراف نیز از جمله سوره‌های مکی است که بیشتر مسائل اعتقادی در آن وجود دارد و ۲۰۶ آیه دارد که مهم‌ترین موضوعات آن تا پایان جزء هشتم عبارتند از: وحی و نبوت و هشدار نسبت به بی توجهی به آن (۱ تا ۱۰)، مشکل ابلیس و فرجام آن (۱۱ تا ۱۸)، شگرد دشمن قسم خورده ما و مکر و حيله‌هایش (۲۰ به بعد)، لجبازی پس از اشتباه و توجیه آن، یا توبه و اصلاح (۲۳ به بعد)، عطش جهنمیان و التماس به... (۵۰)، حیات دوباره گیاهان و آیت معاد (۵۷).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۲۵	انعام	۱۵۸	قیام حضرت مهدی <small>عج</small> ، ضرب الاجلی برای مستکبران

آیه منتخب

ضرب الاجل توبه و جبران آنچه از دست رفته

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلْ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا (حکم) خداوند به سوی آن‌ها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام ن داده‌اند، سودی به حال آن‌ها نخواهد داشت! بگو: «اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید، انتظار بکشید، ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!»^۱

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

مراد از آیات، ائمه و منظور از آیتی که مورد انتظار است، حضرت قائم می‌باشد. پس آن روز کسی که پیش از قیام حضرت ایمان نیاورده باشد، ایمان آوردن او دیگر سودی ندارد؛ هرچند به امامان دیگر از اجداد حضرت ایمان آورده باشد.^۲

نکته‌ها

الف) فرصت توبه و جبران گذشته همیشگی نیست؛ باید فرصت را غنیمت شمرد و پیش از آنکه دیر شود، بازگشت؛ چنانچه در حدیث آمده است: بگو: «روز پیروزی،

۱. انعام (۶)، ۱۵۸.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ: الْآيَاتُ هُمُ الْإِئِمَّةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۳۶، باب ۳۳، ح ۸).

(روز نزول عذابی که کافران را ریشه کن می‌سازد) ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت و به آن‌ها هیچ مهلت داده نمی‌شود!«^۱

ب) امام زمان (علیه السلام) برای هدایت، سعادت و نجات همه بشریت می‌آید، حتی هدایت مستکبران! آری، او همانند حضرت موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) که خداوند با آنان فرمود: «به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است! اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!»^۲ با معاندان و ظالمان، اتمام حجت می‌کند و ضرب‌الاجل قرار می‌دهد و آنگاه که به فرمان الهی دست به شمشیر ببرد، دیگر ایمان کافران و معاندان سودی نخواهد داشت.

همانند فرعون، هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم!» (اما به او خطاب شد: الان؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی!)^۳

ج) افرادی از پیشوایان کفر و ظالمان امت‌های گذشته، برای روشن شدن حق و عبرت دیگران، رجعت داده می‌شوند در حالی که ایمان آوردن آن‌ها سودی به حالشان نخواهد داشت؛ زیرا در حال حیات، ایمان نیاوردند و فرصت را از دست دادند. در زیارت آل‌یس این‌گونه می‌خوانیم: «(و گواهی می‌دهم) که رجعت شما (اهل بیت) حق است، هیچ شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت!»^۴

۱. «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (سجده (۳۲)، ۲۹؛ نساء (۴)، ۱۸).

۲. طه (۲۰)، ۴۳ و ۴۴.

۳. یونس (۱۵)، ۹۰ و ۹۱.

۴. «وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴).

جزء نهم

نهمین جزء قرآن، با آیه ۸۸ سوره اعراف آغاز و با چهلمین آیه سوره انفال پایان می‌یابد.

مهم‌ترین موضوعات ادامه آیات سوره اعراف عبارتند از:

راز گرفتاری‌ها (۹۴ و ۹۵)، راه باز شدن درهای رحمت الهی (۹۶)، غفلت از عذاب الهی (۹۷ تا ۱۰۲)، راه رستگاری (۱۵۷ و ۱۵۸)، عهد بندگی (۱۷۲ تا ۱۷۳)، عاقبت به شرّ شدن (۱۷۵ تا ۱۷۸)، دلیل جهنمی شدن مردم (۱۷۹)، ثابت قدمان در راه حق (۱۸۱)، راه نجات از وسوسه‌های شیطان (۲۰۰ به بعد) تلاوت قرآن و دعا و آداب و چگونگی آن (۲۰۴ تا ۲۰۶).

سوره انفال دارای ۷۵ آیه و از سوره‌های مدنی است و مباحث مهم مالی و مسائل سیاسی و اجتماعی را در بر دارد. نمونه‌ای از موضوعات آن تا پایان جزء چنین است:

مؤمنان راستین (۲ تا ۴)، ماجرای هجرت و اولین درگیری مسلحانه با سپاه کفر یعنی جنگ بدر (۵ تا ۲۶) اثر تقوا (۲۹).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

موضوع	آیه	سوره	ردیف
باز شدن درهای رحمت الهی در دوران حکومت واحد جهانی اسلام	۹۶	اعراف	۲۶
وارثان عالم	۱۲۸	=	۲۷
رجعت کنندگان	۱۵۹	=	۲۸
نامعلوم بودن زمان ظهور همانند قیامت	۱۸۷	=	۲۹
پاک شدن عالم از فتنه در دوران حکومت جهانی امام مهدی <small>عج</small>	۳۹	انفال	۳۰

آیه منتخب (۱)

بارش خیر و برکت

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

در زمان حضرت مهدی امتم به گونه‌ای (از نعمت‌ها) بهره‌مند می‌شوند که هرگز این چنین بهره‌مند نشده‌اند، آسمان پیوسته بر آن‌ها می‌بارد و زمین همه رویدنی‌های خود را می‌رویانند.^۲

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

او (حضرت مهدی) خواسته‌ها را پیرو هدایت الهی قرار می‌دهد، هنگامی که مردم هدایت را تحت الشعاع خواسته‌های خویش

۱. اعراف (۷)، ۹۶.

۲. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمُهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِنْهَا قَطُّ يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ» (علی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۸، باب ۲۳).

قرار دهند، و آن هنگام که مردم قرآن را به رأی و خواسته‌های خود تفسیر کنند، او آراء و نظرات را از قرآن می‌گیرد و پیرو آن می‌سازد... زمین میوه‌های دلش (طلا و نقره‌ها و معادنش) را برای او خارج خواهد ساخت، کلیدهایش را تسلیم وی خواهد کرد.^۱

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

هنگامی که حضرت قائم قیام نماید، به عدالت داوری می‌کند و در دورانش، ستم رخت بر می‌بندد و به واسطه او راه‌ها امن می‌شود و زمین برکاتش را خارج می‌سازد... پس کسی از شما در آن روز جایی را برای صدقات و نیکی‌هایش نمی‌یابد؛ چراکه بی‌نیازی همه را فرا گرفته است.^۲

نکته‌ها

(الف) «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید».^۳

از آنجا که همه کائنات درباره خالق و آفریدگار خود شعور دارند، معصیت و نافرمانی او را بر نمی‌تابد و به آن واکنش نشان خواهند داد، به همین دلیل است که می‌فرماید: «و فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به‌سوی

۱. «يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَ يُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... وَ تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقَالِيدَ كَيْدِهَا وَ تُتْلَىٰ إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدِهَا»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بُرْكَاتِهَا... فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمَوْضِعِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِسُمْوَلِ الْغَنَىٰ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (علی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۶، باب ذکر علامات قیام القائم و...).

۳. «تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ (اسراء (۱۷)، ۴۴).

حق) بازگردند!«^۱.

ب) سنت و قانون الهی در این عالم، برای مؤمنان و کافران متفاوت است، بنابر این فرمود: « بگذار آن‌ها (کافران) بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولی به زودی خواهند فهمید!«^۲.

و فرمود:

اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (در گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند، خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند و برای خانه‌هایشان درها و تخت‌هایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند و انواع زیورها ولی تمام این‌ها بهره زندگی دنیا است و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است!^۳

اما گاهی مؤمنان را در همین دنیا به دلیل غفلت و معصیتشان گرفتار می‌سازد تا فریفته دنیا نشوند و «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۴ از خطای خود بازگردند و از عذاب ابدی در امان بمانند. بنابراین، گناهان گاهی سبب محرومیت از روزی و مشکلات مالی می‌شود^۵ و گاهی شایستگی انجام کار خیر از جمله نماز شب را سلب می‌نماید.^۶

ج) هرگاه آسمان از بارش و زمین از رویش دریغ کرد و هرگاه دیدیم خیر و برکت

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ (روم) (۳۰)، (۴۱).

۲. «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ (حجر) (۱۵)، (۳).

۳. «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوقِتَهُمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ. وَلِيُوقِتَهُمْ أَتْرَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ.»

و زُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (زخرف) (۴۳)، (۳۳ تا ۳۵).

۴. روم (۳۰)، ۴۱؛ سجده (۳۲)، ۲۱؛ اعراف (۷)، ۹۴.

۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷۱، باب الذنوب، ح ۱۱، ۲۳ و ۲۴.

۶. همان، ح ۱۶.

و آرامش رو به کاستی گرفته، بدانیم در پیوندمان با خالق آسمان و زمین خللی ایجاد شده است، مشکل را در جای دیگری جستجو نکنیم که بر شدت آن خواهیم افزود، بلکه با توبه و بازگشت و اصلاح گذشته خود و تقویت عبودیت و بندگی و ترحم به ایتم و درماندگان، درهای رحمت الهی را به روی خود بگشاییم.

(۵) تحقق کامل گشایش برکت‌های آسمانی و زمینی در دوران ظهور خواهد بود؛ زیرا به فرموده خداوند «تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت»^۱ بنابراین، با نابودی ظلم و ستم و روشن شدن عالم با نور عدالت و عبودیت خالصانه خداوند، خیر و برکت از زمین و آسمان مردم را دربر خواهد گرفت و غنای درون و برون شامل حال آنان خواهد شد، آن‌چنان‌که وقتی منادی حضرت ندا می‌دهد چه کسی نیاز به مال دارد؟ هیچ‌کس به‌پا نمی‌خیزد، جز یک نفر که او هم پشیمان می‌شود و می‌گوید: من هم که نیازی نداشتم، چرا حرص زدم و خود را از این جهت سرزنش می‌کند.^۲

آیه منتخب (۲)

جهاد در راه خدا و فراهم شدن زمینه یکتاپرستی و سعادت بشر
 «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۳ و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه [شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و

۱. «بُعْدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، (نور) (۲۴)، (۵۵).

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ... وَ يَخْلُقُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنِيٍّ وَ يَسْعَهُمْ عَذْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ يَقُولُ أَنَا فَيَقُولُ أَنْتِ السَّدَانُ بَعْثِي الْخَازِنُ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا فَيَقُولُ لَهُ أَحْتُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدَمٌ فَيَقُولُ كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيُرْدُهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ»، (علی)

اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ۲، ص ۴۸۳.

۳. انفال (۸)، ۳۹.

دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آن‌ها (از راه شرک و فساد بازگردند و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آن‌ها را می‌پذیرد) خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست ﴿۱﴾.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

از پدرم (درباره این آیه) سؤال شد، فرمود: «هنوز این آیه محقق نشده است و اگر قائم ما قیام نماید، کسی که آن زمان باشد تحقق آن را خواهد دید و دین حضرت محمد ﷺ تا آن‌جا که شب رسیده، خواهد رسید (تمام عالم را فرا می‌گیرد) آن‌چنان که در روی زمین هیچ شرکی باقی نخواهد ماند»^۱.

نکته‌ها

الف) هرکس سدّ راه هدایت و سعادت بشر شود، مانند این است که جلوی تابش خورشید را بگیرد و مانعی در راه آب به درختان ایجاد کند و از علم‌آموزی دانش‌پژوهان جلوگیری نماید، بنابراین هدف از جهاد، رفع موانع رستگاری انسان است و به حکم عقل و نقل امری واجب است.

به عبارت دیگر قرآن و حجت‌های الهی نقش طیب را دارند، گرچه به ظاهر نسخهٔ پزشک تلخ و دردآور باشد؛ ولی سرانجام، عافیت را در پی خواهد داشت.

ب) بزرگترین مانع پیشرفت بشر در راه تکامل، شرک و غفلت از خداست. در دوران ظهور با حاکمیت مطلق توحید، زیباترین و کامل‌ترین وضعیت رشد و تعالی بشر رقم خواهد خورد، آن‌چنان که بنابر سخن خداوند در قرآن کریم، «تنها مرا

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سُئِلَ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَأَنَّهُمْ كَأَفَّةٌ حَتَّىٰ لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَبَرَىٰ مِنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّىٰ لَا يَكُونَ شَرِكٌ عَلَىٰ ظَهْرِ الْأَرْضِ»؛ (محمد عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶).

جزء نهم ۶۵

می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت»^۱.
و خیر و برکت مادی و معنوی همه عالم را فرا خواهد گرفت؛ زیرا «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم»^۲.
ج هدف دین رشد و تربیت و سعادت انسان است، بنابراین اگر کسی راه خطا را پیموده و حتی اگر از روی جهل، بزرگترین جرم را مرتکب شده؛ یعنی به جنگ با ولیّ خدا برخاسته است، اگر پیش از آنکه دیر شود، صادقانه بازگردد و توبه کند و خطای خود را جبران نماید، پذیرفته خواهد شد: «فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

۱. «...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (نور(۲۴)، ۵۵).

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛ (اعراف(۷)، ۹۶).

جزء دهم

آیات ۴۱ سوره انفال تا آیه ۹۲ سوره توبه، گستره جزء دهم می‌باشد.

مهم‌ترین مباحث آیه ۴۱ به بعد سوره انفال عبارتند از:

خمس و احکام آن (۴۱)، قدرناشناسی نعمت و نتیجه آن (۵۳)، هراس دشمن با آمادگی همه جانبه مؤمنان (۶۰)، قدرت ایمان (۶۵ و ۶۶)، مؤمنان راستین و مؤمن نماها (۷۲ تا ۷۵).

سوره توبه یا رسواگر منافقان از آخرین سوره‌هایی است که نازل شده و مباحث مهمی را در بر دارد؛ از جمله:

قابل اعتماد نبودن دشمنان (۷ تا ۱۰)، درجه عظیم مجاهدان و وضعیت عاقبت‌طلبان (۱۴ تا ۲۲)، دلیل شکست در جنگ حنین (۲۵ تا ۲۷)، باور به رزاقیت خداوند (۲۸ و ۲۹)، ناکامی تلاش گسترده دشمنان و جهانی شدن دین اسلام (۳۲ و ۳۳)، عاقبت تکاثر (۳۴ و ۳۵)، ماه‌های دوازده‌گانه و چهار ماه حرام (۳۶ و ۳۷)، چسبیدن به زمین؟! (۳۸ و ۳۹)، غار ثور و برخورد تیر دشمنان با سنگ! (۴۰) آزمون بزرگ جنگ تبوک (۴۱ به بعد)، مورد مصرف صدقات (۶۰).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۳۱	توبه	۱۶	ابتلائات پیش از ظهور
۳۲	=	۳۲ و ۳۳	ناکامی دشمنان در جلوگیری از تحقق ظهور و جهانی شدن اسلام

آیه منتخب

اسلام دین واحد جهانی خواهد شد

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛﴾^۱
 آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند.^۱
 امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند، هنگام قیام حضرت قائم دین حق را بر همه دین‌ها غالب می‌گرداند».^۲

از امام حسین (علیه السلام) نیز در این باره نقل شده است:

از ما (اهل بیت) دوازده مهدی خواهد بود، اولین آنان امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و آخرین آنان نهمین فرزندم می‌باشد. او امامی است که حق را به پای می‌دارد، خداوند به واسطه او زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند و دین حق را به دست او بر همه دین‌ها غالب می‌گرداند، گرچه مشرکان از آن ناخشنود باشند. برای او غیبتی است که برخی در این زمان از دین بر می‌گردند و برخی بر دین ثابت قدم می‌مانند، پس مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به آن‌ها گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید این وعده کی محقق می‌شود، بدانید کسی که در این دوران بر اذیت‌ها و تکذیب‌ها صبر کند، همانند رزمنده در راه خدا در رکاب رسول خداست.^۳

۱. توبه (۹)، ۳۲ و ۳۳؛ فتح (۴۸)، ۲۸؛ صف (۶۱)، ۸ و ۹.

۲. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي قَالَ... قُلْتُ: لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ قَالَ: «يُظَاهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»؛ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۳۲، کتاب الحجّة، باب فيه نکت، ح ۹۱).

۳. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظَاهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

نکته‌ها

الف) دشمنان حق، پیوسته در پی از بین بردن حق تلاش و کوشش می‌کنند: (یُریدُونَ...).

ب) از شیوه‌های مهم تلاش دشمن در جهت نابودی حق، شیوه جنگ نرم و تمسک به نیرنگ و فریب و دَجَل و دروغ است. او فضایی فتنه‌آلود ایجاد می‌کند تا حق و باطل در هم بیامیزند و قابل تشخیص نباشد و دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. باطل جلوه دادن حق

آن‌چنان که علمای دنیازده یهود در برابر بعثت خاتم الانبیاء ﷺ همین راه را پیمودند و با نگاه کردن به تورات (و وانمود نمودن این مطلب که آن‌چه را که می‌خوانند، در تورات نوشته است!) می‌گفتند: نشانه‌هایی که برای موعود، بیان شده چنین و چنان است و این نشانه‌ها با «محمد فرزند عبدالله» مطابقت ندارد؛ بنابراین قرآن از مکر آن‌ها پرده برمی‌دارد و می‌گوید: «و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید!»^۱

۲. باطل (خود) را حق جلوه دادن

دشمن آن‌چنان با ظرافت به این دو هدف جامه عمل می‌پوشاند که فقط افراد با بصیرت، تزویرشان را می‌بینند و از فریبشان در امان می‌مانند، لذا همه انبیاء امت خود را از خطر «دَجَال» بر حذر داشته‌اند.

امیر المؤمنین در این رابطه می‌فرماید:

آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوا و هوسها و بدعت‌هایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد و گروهی (چشم و گوش بسته یا هوا

و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ فَيُؤْذُونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، باب ۳۰، ح ۳).
۱. «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (بقره ۲)، (۴۲).

پرست آگاه) به پیروی آنان بر می‌خیزند و بر خلاف دین خدا از آن‌ها حمایت می‌کنند. اگر باطل از آمیختن با حق جدا می‌گردید بر کسانی که طالب حَقِّند پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق از آمیزه باطل پاک و خالص می‌شد زبان دشمنان و معاندان از آن قطع می‌گشت. ولی بخشی از این گرفته می‌شود و بخشی از آن و این دو را به هم می‌آمیزند و اینجا است که شیطان بر دوستان و پیروان خود مسلط می‌شود و «تنها کسانی که مشمول رحمت خدا بودند، از آن نجات می‌یابند»^۱

ج) در برابر اراده دشمن، خدایی که «فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود!»^۲ اراده کرده است تا این نوری را که دشمنان در پی خاموش کردن آن هستند تا به آخر برسانند و آن را از گزند آن‌ها در امان بدارد؛ هر چند آنان تمام قدرت خود را در رسیدن به هدف خود به کار گیرند: «وَيَا أَيُّهَا اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

و اما بخش اول آیه ۳۳، به «بعثت» ختمی مرتبت (أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ) و بخش دوم به «ظهور» ناظر است: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ).

د) این آیه کامل کننده مطلب آیه پیشین است؛ یعنی خداوند می‌فرماید: خداوند کسی است که آن نوری را که دشمنان در پی نابودی آن هستند بر همه عالم حاکم و غالب قرار خواهد داد و این نور سرانجام سراسر جهان را در بر خواهد گرفت.

هـ) بر اساس سنت الهی، مردم در بعثت و ارسال رسول نقشی ندارند، چه بخواهند و چه نخواهند؛^۳ خداوند حکیم رسول را با برنامه وحیانی می‌فرستد تا «پس از

۱. «إِنَّمَا بَدَأَهُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءَ تَتَّبَعُ وَ أَحْكَامًا تَبْتَدِعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجَالًا رَجَالًا عَلَىٰ غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مَزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُتَرَاتِدِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فِيمَرْجَانِ فَهَذَا لِكَيْ يَسْتَوِلِيَ الشَّيْطَانُ عَلَىٰ أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَىٰ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

۲. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ (یس (۳۶)، ۸۲).

۳. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفْرًا»؛ (انسان (۷۶)، ۳).

۷۰..... سیمای ماه دوازدهم

این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود و مردم بهانه‌ای نداشته باشند) و خداوند، توانا و حکیم است.^۱ البته در اجرای آنچه که رسول آورده است، تا آنجا که مردم همراهی کنند عدالت محقق می‌شود. راز پیروزی معجزه آسا در جنگ بدر و شکست در جنگ احد همین امر بود.

اما درباره **ظهور**، سنت الهی متفاوت است، زیرا که در برنامه اقامه قسط، سنت «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۲ حاکم است و «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند!»^۳.

و در این آیه بیان شده است که روزی خواهد آمد که «دین اسلام دین واحد جهانی» خواهد شد: (لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) سپس در روایت‌های بسیاری جزئیات آن، از جمله رهبر و امام این قیام و انقلاب جهانی یعنی «بقیه الله الاعظم (علیه السلام)» بیان شده است که حدود ۵۶۰ روایت از مجموع بیش از دو هزار روایت رسیده در این باب، از رسول خداست.^۴

ز با توجه به آیه مورد بحث، همه امت اسلام در اصل «موعود» اتفاق نظر دارند؛ ولی در موجود بودن این موعود بین ما و بیشتر اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. با این آیه می‌توان درباره وجود این موعود و به عبارت دیگر بر «موعود موجود» نیز استدلال کرد.

از کسانی که به وجود ایشان باور ندارند، می‌پرسیم حضرت مهدی که به اعتقاد شما هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می‌آید و در وقت مقرر، ظهور می‌کند این «دین حق» را از کجا به دست می‌آورد؟! زیرا برای تحقق عدالت جهانی قطعاً لازم است همان دین جامعی که بر رسول نازل شده است را باید عیناً بدون کاستی در دست

۱. «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَاسٍ لِّيَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (نساء/۴)، (۱۶۵).

۲. حدید(۵۷)، ۲۵.

۳. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ (رعد(۱۳)، ۱۱).

۴. معجم احادیث امام مهدی (علیه السلام)، مؤسسه معارف اسلامی، نشر جمکران.

داشته باشد.

اگر بخواهد آن را از خداوند بگیرد لازمه آن نقض ختم نبوت است و اگر بخواهد آن را از امت اسلام بگیرد، کدام قرائت از اسلام را از چه مذهبی بگیرد؟! چه کسی می‌تواند ادعا کند که تمام دین، ظاهر و باطن آن و احکام الله واقعی در همه موضوعات نزد اوست؟!

یگانه مذهبی که برای این سؤال، پاسخ قاطع و مناسب دارد، شیعه امامیه است که در پرتوی عقیده لزوم وجود «حجت حی» در هر زمان و به عبارت دیگر خالی نبودن زمین از حجت تا دامنه قیامت، پاسخ کامل به این سؤال داده است و معتقد است هر آنچه بر رسول خدا ﷺ نازل شده است، به حکم الهی از وصی به وصی دیگر به ارث رسیده و هم اکنون نزد آخرین وصی و جانشین ایشان خاتم اوصیاء بقیه الله الاعظم ﷺ می‌باشد و یکی از آثار و برکات وجودی امام، حفظ این علوم و اسرار الهی است تا پس از ظهور در اختیار بشریت قرار گیرد.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

(مردم) آب کم را می‌مکنند و رود خروشان را رها کرده‌اند.» پرسیدند: رود خروشان چیست؟ امام فرمود: «رسول خدا و علمی که خدای بزرگ به او عطا نمود، خداوند متعال همه سنت‌های پیامبران را از حضرت آدم تا خود حضرت محمد ﷺ برای ایشان جمع کرد.» پرسیدند: این سنت‌ها چیست؟ امام فرمود: «همه علم پیامبران و رسول خدا همه این علوم را به حضرت علی منتقل نمود.»^۱

۱. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يُمَضُّونَ الشَّمَادَ وَ يَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قَبْلَ لَهُ وَ مَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ ص سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَمْ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ ص قَبْلَ لَهُ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عَلِيمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَبَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۱، کتاب الحجّة، باب ان الائمه ورتة العلم، ح ۶).

جزء یازدهم

آیات پایانی سوره توبه، سوره یونس و پنج آیه ابتدای سوره هود در محدوده این جزء قرار دارد.

موضوعات مهم سوره توبه در این آیات عبارتند از:

آثار و برکات زکات و واجبات مالی (۱۰۳ و ۱۰۴)، شاهدان اعمال (۱۰۵)، مسجد قبا و مسجد ضرار (۱۰۷ و ۱۰۸)، بیعی سودمند (۱۱۱ و ۱۱۲)، همراهی با صادقان (۱۱۹)، طلبه شدن (۱۲۲)، تواضع و سستی در برابر مستکبران ممنوع (۱۲۳)، رسولی بی نظیر (۱۲۸ و ۱۲۹).

سوره یونس با ۱۰۹ آیه از سوره های مکی است و بیشترین تأکید آن بر مبدأ و معاد است و برخی از موضوعات آن به شرح زیر است:

بی جنبه! (۱۲)، ریشه بهانه جویی کافران و گریز از ایمان (۱۵)، توحید فطری (۲۲) و (۲۳)، مثل دنیا (۲۴)، شایسته سالاری (۳۵)، هل من مبارز؟! (۳۷) به بعد، آرزوی ظالمان در قیامت (۵۴)، شفای سینه ها (۵۷ و ۵۸)، تحت نظر! (۶۱).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۳۳	یونس	۳۹	رجعت

آیه منتخب

شایسته سالاری در امر هدایت

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟﴾ آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!^۱

راوی می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: وقتی می‌گوییم (پیش از ظهور) دو صیحه (ندای آسمانی) خواهد بود (اهل سنت) ما را سرزنش و تکذیب می‌نمایند و می‌گویند از کجا صیحه حق از صیحه باطل تشخیص داده می‌شود؟ حضرت فرمود: ...کسی که پیش از آن ندای حق، به آن ایمان داشته است، آن زمان نیز همان را تصدیق خواهد کرد، خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ...»^۲

امام رضا (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

خداوند انبیاء و ائمه را موفق می‌دارد و از خزانة علم و حکمت خود آنچه را که به دیگران نداده است، می‌دهد؛ بنابراین علم آنان برتر و بالاتر از علم اهل آن‌هاست، خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ...»^۳

۱. یونس (۱۰)، ۳۵.

۲. «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَسْلَمَةَ الْجَرِيرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ يُؤَيُّخُونَا وَ يُكَذِّبُونَا أَنَا نَقُولُ إِنَّ صَيْحَتَيْنِ تَكُونَانِ يَقُولُونَ مِنْ أَيْنَ تَعْرِفُ الْمُحَقَّةَ مِنَ الْمُبْطِلَةِ إِذَا كَانَتَا قَالَ: فَمَاذَا تَرُدُّونَ عَلَيْهِمْ قُلْتُ: مَا نَرُدُّ عَلَيْهِمْ شَيْئًا قَالَ: قُولُوا يُصَدِّقُ بِهَا إِذَا كَانَ مَنْ يُؤْمِنُ بِهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۸، ح ۲۵۲).

۳. «... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَئِمَّةَ صُ يُؤَفِّقُهُمُ اللَّهُ وَ يُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَ حِكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَفَمَنْ يَهْدِي...» (همان، ج ۱، ص ۲۰۲، کتاب الحجّة، باب جامع فی فضل الامام).

۷۴..... سیمای ماه دوازدهم

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «مراد از «مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» حضرت محمد و پس از ایشان، آل محمد هستند و «مَنْ لَا يَهْدِي» مخالفان اهل بیت از قریش و غیر قریش هستند»^۱.

نکته‌ها

الف) قطعاً «هادی» بشر، خداوند است اما به دلائل عقلی و نقلی که در بحث نبوت و امامت عامه ثابت شده است و حاکم بودن نظام اسباب و مسببات بر این عالم، امر هدایت، توسط افراد برگزیده الهی انجام می‌گیرد^۲ و معنای بعثت و نبوت چیزی جز این نیست و استمرار این امر نیز توسط جانشینان بر حقشان تحت همین قانون قرار می‌گیرد.

ب) خداوند متعال در این آیه، در امر واسطه هدایت، بین دو نفر تقابل ایجاد نموده سپس عقل را به داوری فراخوانده که کدام یک از این دو نفر شایستگی امامت را دارند:

۱. کسی که به سوی حق هدایت می‌کند؛ ۲. کسی که برای هدایت شدن او به هدایت یک هدایت کننده ای نیازاست.

طبیعی است که همه انسان ها وقتی به دنیا می‌آیند چیزی نمی‌دانند «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید»^۳؛ ولی کم کم بر فهم و عقل آنها افزوده می‌شود و با هدایت هدایتگران الهی زمینه هدایت آنها فراهم می‌شود؛ در نتیجه، دسته اول باید کسانی باشند که هرگز حتی برای یک لحظه

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ «أَفَمَنْ يَهْدِي...» فَأَمَّا «مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» فَهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ مِنْ بَعْدِهِ - وَ أَمَّا «مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَى» فَهُوَ مَنْ خَالَفَ مِنْ قُرَيْشٍ وَ غَيْرِهِمْ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ بَعْدِهِ؛ (عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۲، ص ۳۰۳).

۲. «كِتَابُ أَنْزِلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»؛ (ابراهیم (۱۴)، ۱).

۳. «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً»؛ (نحل (۱۶)، ۷۸).

گمراه نبوده باشند تا نیاز به هدایت داشته باشند؛ وگرنه در گروه دوم قرار خواهند گرفت. بنابراین با استفاده از این تقابل نتیجه می‌گیریم که دسته اول کسانی هستند که پیوسته در هدایت بوده‌اند؛ همانند حضرت عیسی (علیه السلام) که در آغاز تولد گفت: «من بنده خدا هستم و...» و به عبارت دیگر ویژگی این دسته این است که از مقام والای عصمت برخوردارند.^۱

ج) به طور طبیعی عقل آدمی، کسانی که پیوسته تحت هدایت الهی (یَهْدِي إِلَي الْحَقِّ) بوده‌اند را لایق می‌داند که سکان‌دار امر هدایت بشر و «أُولَى الْأَمْرِ» باشند نه کسانی که خود به هدایت این هادیان نیازمندند: (مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى). قاضی ابوبکر باقلانی می‌گوید: بارها خلیفه دوم گفت اگر «علی» به داد ما نرسیده بود، هلاک شده بودیم.^۲

عجیب‌تر از آن، سخن ابن ابی الحدید است که می‌گوید: «سپاس خدایی را که مفضل (فرد پایین‌تر یعنی ابابکر) را بر فاضل (فرد بالاتر یعنی امام علی) مقدم داشت!»^۳ آیا با این سخن، حکمت و عدالت خداوند را زیر سؤال نبرده است؟! **د)** لازمه این سؤال و داوری که در این آیه شریفه مطرح شد، این است که باید پیوسته چنین هدایت‌گرانی از سوی خداوند وجود داشته باشند تا ما مأمور به پیروی از آنها باشیم؛ روایات وارد شده در شرح این آیه، همین امر را تأیید می‌کند.

۱. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۲۷۴، ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره.

۲. تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، ص ۴۷۶؛ رک: تفاسیر اهل سنت، ذیل آیه ۲۰ سوره نساء.

۳. «الحمد لله الذي قدّم المفضل على الفاضل»؛ (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳).

جزء دوازدهم

دوازدهمین جزء قرآن با آیه ششم سوره هود آغاز می‌شود و تا آیه ۵۳ سوره یوسف ادامه می‌یابد.

سوره هود در اواخر دوران بعثت نازل شد و دارای ۱۲۳ آیه می‌باشد و برای تقویت پایه‌های اعتقادی مسلمانان که زیر سخت‌ترین آزار و اذیت‌های مشرکان قرار دارند، سرگذشت پیشینیان از جمله پیروان اندک حضرت نوح، قوم هود، صالح، ابراهیم، لوط و موسی (علیهم‌السلام) بیان شده است تا درس‌ها و عبرت‌های لازم را دریافت نمایند. مهم‌ترین موضوعات این سوره عبارتند از:

سعادت دنیا و عقبی در سایه تَدَیْن به دین الهی (۱ به بعد)، مدرسه دنیا و آزمون بندگی (۷). کم‌ظرفیتی برخی از انسان‌ها (۹ و ۱۰)، تحدی قرآن (۱۳ و ۱۴)، خوشی و لذات دنیا یا آخرت؟! انتخاب با شما (۱۵ و ۱۶)، کبر و غرور مانع هدایت (۲۷)، به کوه پناه می‌برم! (۴۳)، گناه مانع بارش باران (۵۲)، راضی به ظلم همانند ظالم است (۶۵)، زنی بی لیاقت! (۸۱)، عاقبت کم فروشی (۸۴ و ۸۵)، بقیة الله (۸۶)، خوشبخت و بدبخت! (۱۰۵ تا ۱۰۸)، تکیه به ظالمان؟! (۱۱۳)، امیدوار بخش‌ترین آیه (۱۱۵).

سوره یوسف یکی از درس‌آموزترین ماجراهای قرآنی برای خردمندان، با ۱۱۱ آیه جزء سوره‌های مکی است. نمونه‌ای از موضوعات مهم آن به شرح زیر است:

حسادت، عامل سقوط (۵)، این عالم خدایی دارد (۱۵)، گناه، گناه می‌آورد (۱۸)، خدا با پاکان است (۲۶ تا ۲۸)، زندان دنیا یا زندان آخرت؟! (۳۳)، خورشید همیشه پشت ابر

نمی ماند! (۵۱).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۳۴	هود	۸	امت معدوده و اصحاب خاص امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۵	=	۸۰	رکن شدید و اصحاب خاص امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۶	=	۸۶	بقیة الله

آیه منتخب

سلام بر بقیة الله

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! ^۱

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی سلام به امام مهدی علیه السلام می فرماید: اینگونه سلام می دهند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ» سپس این آیه را تلاوت نمودند. ^۲
امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

...پس هنگامی که ظهور نماید به کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ نفر (یاران خاص) نزد او جمع می شوند و اولین سخنی که بیان می کند، این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ..» سپس می فرماید: منم بقیة الله در روی زمین و جانشین و حجت خدا بر شما، پس

۱. هود (۱۱)، ۸۶.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقَائِمِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا ذَاكَ اسْمٌ سَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ قَالَ يَقُولُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱۲، کتاب الحجة، باب نادر، ح ۲).

هیچ سلام کننده‌ای به او سلام نمی‌کند جز اینکه می‌گوید:
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.^۱

نکته‌ها

الف) در ادامه سفارش‌های حضرت شعیب علیه السلام به مردم مدین در پرهیز از مال حرام، بر خیر بودن مال حلال تاکید شده است. چنانچه در حدیث قدسی آمده است: «ای احمد! عبادت ده جزء است، نه جزء آن در طلب حلال است؛ پس آنگاه که غذا و نوشیدنی را پاک و حلال نمودی، در حفظ و حمایت من هستی».^۲

ب) امامان معصوم علیهم السلام، از اسرار آیه و لایه‌های درونی آن پرده برمی‌دارند و می‌فرمایند که مراد از «بَقِيَّةَ اللَّهِ» به طور عام، همه اهل بیت علیهم السلام و به طور خاص، آخرین ذخیره و حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام است.

ج) نفهمیدن این حقیقت که امام خیر مطلق است و قدر ناشناسی مردم درباره اهل بیت علیهم السلام سبب شد تا وقتی نوبت به آخرین ذخیره الهی، حضرت مهدی علیه السلام رسید؛ برای اینکه زمین از حجت خالی نماند، چاره‌ای جز غیبت ایشان باقی نماند و جهان به بلای غیبت گرفتار شد: «خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد جز آنکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند(کفران نعمت نمایند)».^۳

د) مال حرام سبب جدایی از «بَقِيَّةَ اللَّهِ» می‌شود. امام حسین علیه السلام عصر عاشورا

۱. «...فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يُنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶).

۲. «... يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَيَّبْتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كُنْفِي...»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۷۴، ص ۲۷).

۳. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ (انفال، ۸).
 .(۵۲)

خطاب به کوفیان فرمود: «شما عموماً امر مرا اطاعت نمی‌کنید، گوش به سخن من نمی‌دهید، زیرا شکم‌های شما از حرام پر شده و به قلب‌های شما مهر (قساوت) زده شده است. وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید؟ وای بر شما! چرا گوش نمی‌دهید؟!»^۱

هـ) ایمان به خدا، ما را از ارزش و جایگاه امام، آگاه می‌کند. (إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) همان‌گونه که در دعای معرفت بیان شده است که از معرفت خدا به معرفت وحی و نبوت، و از این دو معرفت، به معرفت امام می‌رسیم؛ بنابراین اگر به این معرفت نرسیدیم، نشانگر این است که توحید ما مشکل دارد و باید بدانیم با جهل به امام، هیچ دین و حقیقتی نخواهیم داشت: (فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي).^۲

۱. « قال لهم ويلكم ما عليكم ان تصبتوا الى فتسمعوا قولي و إنما ادعوكم الى سبيل الرشاد فمن اطاعني كان من المرشدين و من عصاني كان من المهلكين و كلكم عاصي لأمري غير مستمع قولي فقد ملئت بطونكم من الحرام و طبع على قلوبكم ويلكم أ لا تنصتون أ لا تسمعون»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۴۵، ص ۸).

۲. «اللهم عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف نبيك اللهم عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني»؛ (کلبینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، کتاب الحج، باب فی الغيبة، ح ۵).

جزء سیزدهم

آیات پایانی سوره یوسف، رعد و ابراهیم را می‌توانید در محدوده جزء سیزدهم ببینید.

مهم‌ترین موضوعات آیات پایانی سوره یوسف عبارتند از:

خود را از لغزش در امان ندانستن و پناه بردن به خدا (۵۳)، غفلت نکردن از او حتی برای یک لحظه و قراردادن خداوند به عنوان تکیه‌گاه به طور پیوسته (۶۳ و ۶۴)، پشت سر دیگران حرف زدن! (۷۷)، حُرمت ناامیدی از رحمت الهی (۸۷)، ریشه خطاها (۸۹)، آنگاه که خورشید حقیقت آشکار می‌شود (۹۰)، جلوۀ مهر و محبت الهی (۹۲)، واسطه در فیض الهی (۹۶ تا ۹۸)، نیمه پُر لیوان و ادب بندگی (۱۰۱)، غفلت از نشانه‌های حق در آسمان و زمین (۱۰۵)، در ناامیدی بسی امید است (۱۱۰).

سوره رعد از جمله سوره های مکی و دارای ۴۳ آیه است و برخی از موضوعات آن را می‌توان اینگونه برشمرد:

بی‌ستون یا با ستون اما غیر مرئی؟! (۲)، هدایتگر الهی در طول زمان (۷)، تا خودتان نخواهید نخواهم خواست! (۱۱)، کف روی آب یا... (۱۷)، کدام راه؟ سخت اما با فرجام نیک یا آسان، ولی... (۱۹ تا ۲۷)، فقط با یاد او آرام می‌گیرد (۲۸ و ۲۹)، افق را بنگرید! (۳۵)، این شاهد کیست؟! (۴۳).

چهاردهمین سوره قرآن را با ۵۲ آیه، **سوره ابراهیم** می‌نامند که پیش از هجرت نازل شده است و این موضوعات را می‌توان در آن پیگیری کرد:

جزء سیزدهم ۸۱

نظام هدایت بشر(۱)، روزهایی که هرگز نباید فراموش شوند!(۵)، شکر نعمت یا کفران نعمت؟! (۷)، در، همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد!(۱۳ و ۱۴)، مانند کوه یا همانند خاکستری در برابر طوفان(۱۸)، عجب صحنه‌ای!(۲۱ و ۲۲)، مثل توحید و شرک(۲۴ تا ۲۶)، به بندگانم بگو که..(۳۱)، چه بسیار نعمت‌هایی که از آن خبر نداریم!(۳۴)، از خدا چه بخواهیم?(۴۰)، دیر بیدار شدید!(۴۴).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۳۷	رعد	۷	هادی زمان
۳۸	ابراهیم	۵	ایام‌الله: یوم الظهور، یوم الکره، یوم القیامه

آیه منتخب (۱)

یوسف حضرت فاطمه η

﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةِ مُرْجَاةٍ قَاوِفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ. قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ. قَالُوا أ إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ. قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ هنگامی که آن‌ها بر او [یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده‌ایم؛ پیمانۀ ما را برای ما کامل کن و بر ما تصدق و

بخشش نما که خداوند بخشندگان را پاداش می‌دهد!» گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آن‌گاه که جاهل بودید؟!» گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری)، من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد. هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید؛ (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!» گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده و ما خطاکار بودیم!» (یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد و او مهربانترین مهربانان است!»

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

در حضرت قائم، شباهتی از حضرت یوسف وجود دارد... چگونه است که این امت انکار می‌نمایند که خداوند با حجتش آن‌گونه عمل نماید که با یوسف انجام داد که در بازارهایشان حرکت نماید و بر فرش‌هایشان گام نهد در حالی که او را نمی‌شناسند تا اینکه خداوند اجازه دهد خود را معرفی کند، همان‌گونه که به یوسف اجازه داد که خود را معرفی نماید تا اینکه به آنان گفت: «هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ...»^۱.

نکته‌ها

الف) یکی از شیوه‌های بیان در قرآن، بیان غیر مستقیم است که با بیان سرگذشت پیشینیان، زمینه برای دریافتِ درس‌ها و عبرت‌ها، فراهم می‌شود. قرآن کتاب تاریخ، قصه، داستان و رمان نیست بلکه کتاب هدایت و نسخه‌ شفا است. تاریخی که قرآن بیان می‌کند، دارای دو ویژگی منحصر به فرد است:

۱. «عَنْ سَدِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ فِي الْقَائِمِ شِبْهَ مَنْ يُوسُفُ... فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يُسِيرُ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بَسُطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعْرِفَهُمْ بِنَفْسِهِ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حَتَّى قَالَ لَهُمْ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ...»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۵ فی غیبیه یوسف، ح ۱۱).

۱. عین حقیقت و واقعیت است و باطل و دروغ در آن راهی ندارد.
 ۲. فقط به آنچه که در راه رستگاری و سعادت‌مان مؤثر و مفید است می‌پردازد.
- یکی از زیباترین ماجراها، سرگذشت حضرت یوسف علیه السلام و برادران اوست که نکات بسیار ارزشمندی از جمله در عرصه مهدویت دارد.^۱
- ب) آیا گرفتاری بشر جز به خاطر قدرناشناسی و بدرفتاری با حجت خداست؟! (مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الضُّرُّ) قرآن می‌فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم».**^۲
- ج) قدرناشناسی درباره حجت خدا نتیجه چیزی جز جهل نیست: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ».** امام مانند خورشید است که ما به او نیاز داریم. امام زمان علیه السلام در توقیعی فرموده‌اند: «خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم و حق با ماست؛ پس هرگز جدا شدن دیگران از ما موجب وحشت‌مان نمی‌شود».^۳
- بنابراین، وقتی زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر زمان غیبت حضرت مهدی بودم، چه کنم؟ حضرت فرمودند: نسبت به این دعای معرفت مداومت داشته باش: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي...»^۴
- د) غیبت امام، به معنای ناشناس بودن ایشان است، همانند حضرت یوسف علیه السلام که برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت ولی آن‌ها او را شناختند».** تا آنکه به اذن الهی «گفت: «(آری،) من یوسفم».^۵

۱. رک: مقاله «یوسف زهراء»، آیتی، فصل نامه علمی ترویجی انتظارموعود، شماره ۱.

۲. اعراف (۷)، ۹۶.

۳. «... لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا وَ لَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوجِسَنَا مِنْ قَعَدَ عَنَّا»؛ (طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۵).

۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۴۳، باب ۳۳، ح ۲۴.

۵. یوسف (۱۲)، ۵۸ و ۹۰.

هـ) طوری عمل نکنیم که با دیدن حضرت از او شرمند شویم: «قَالُوا أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ».

و) فرج، در پی صبر همراه با تقواست: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ».

ز) حجت‌های الهی مظهر اسماء حسناى خدا و در پی سعادت و نجات ما هستند: (یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است!» امام مهدی علیه السلام نیز برای سعادت و نجات می‌آید نه برای کشتن! قهر او علیه ظالمان و مستکبران است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام در امتم قیام می‌کند، خداوند او را برای فریادرسی مردم می‌فرستد»^۱.

آیه منتخب (۲)

استمرار هدایت الهی تا قیامت

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ كسانی که کافر شدند، می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم‌دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است (و این‌ها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت!)﴾^۲.

ابن عباس می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر سینه خود گذاشت و فرمود: «من بیم‌دهنده هستم»؛ سپس به شانه حضرت علی علیه السلام اشاره نمود و فرمود: «تو

۱. «يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غَيَاةً لِلنَّاسِ»؛ (علی اربلی، کشف العتمه، ج ۲، ص ۴۷۰، باب ذکر علامات قیام القائم).

۲. رعد (۱۳)، ۷.

هدایتگر هستی، ای علی! پس از من، هدایت یافتگان به واسطه تو هدایت می‌شوند.^۱
 امام باقر (علیه السلام) درباره آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ..» فرمود:

رسول خدا بیم‌دهنده است و از ما (اهل بیت) برای هر زمانی، هدایتگری وجود دارد که به سوی آنچه که پیامبر خدا آورده است، هدایت می‌کند. سپس هدایتگران پس از رسول خدا، حضرت علی (علیه السلام) و بعد جانشینانش یکی پس از دیگری هستند.^۲

نکته‌ها

الف) ابتدای آیه به بهانه‌های واهی کافران اشاره می‌کند که با هدف تضعیف حق می‌گفتند: چرا آیه و معجزه‌ای بر او نازل نمی‌شود؟ (و این تعریضی بود به قرآن) خداوند می‌فرماید: تو (از سوی خداوند) فقط انذاردهنده هستی (و آورنده چیزی هستی که او تو را مأمور به ابلاغ آن نموده است) و برای هر قومی هدایتگری وجود دارد یعنی یکی از سنت‌های مهم الهی این است «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!»^۳ «تا پس از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند، توانا و حکیم است».^۴
ب) قطعاً «هادی» خداوند است؛ بنابراین، فرمود: بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند!»^۵ اما این

۱. «قال ابن عباس رضی اللہ عنہما: وضع رسول اللہ یدہ علی صدرہ فقال: «أنا المنذر» ثم أوماً إلى منكب علی رضی اللہ عنہ و قال: أنت الهادی یا علی بک یتهدی المہتدون من بعدی»؛ (فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۴).

۲. «البعثی عن أبي جعفر في قول الله عز وجل «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُنذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ»؛ (كليني، کافی، ج ۱، ص ۱۹۲، بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ هُمُ الْهُدَاةُ).

۳. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»؛ (انسان، (۷۶)، ۳).

۴. «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (نساء، (۴)، (۱۶۴)).

۵. «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ»؛ (يونس، (۱۰)، (۳۵)).

هدایت در عالم ماده، بر اساس حکمت الهی و حاکمیت نظام اسباب و مسببات^۱ و ضعف در قابلیت قابل، به وسیله واسطه‌های هدایت، یعنی حجت‌های الهی انجام می‌گیرد « و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند»^۲.

همچنین فرمود: «الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها (شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان در آوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید»^۳.

ج) بر اساس آنچه که در آیه ۳۵ سوره یونس آمده است،^۴ این «هادی» کسی است که لحظه‌ای در گمراهی نبوده است و پیوسته تحت هدایت الهی قرار دارد، بنابراین به وسیله همان کسی تعیین می‌شود که مردم مأمور هستند تا از او پیروی کنند، همان که رسول را تعیین کرده و فرستاده است. به همین دلیل است که نفی و عدم پذیرش او به معنای ردّ خداست: «وَ أَنْ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

د) این آیه شریفه، دلالت می‌کند بر اینکه زمین هرگز از هدایت کننده‌ای که مردم را به حق هدایت می‌کند، خالی نخواهد بود که (این هادی) یا پیامبر بیم‌دهنده است و یا هدایت کننده‌ای غیر اوست که به امر و فرمان الهی هدایت می‌کند.^۵

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: أَيْ اللَّهُ أَنْ يُجْرَى الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مِنْ عَرَفَهُ وَ جَهَلَهُ مِنْ جَهَلَهُ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ نَحْنُ»؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، باب معرفة الامام، ح ۷.

۲. «وَ جَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»؛ انبیاء (۲۱)، (۷۳).

۳. «الر کتابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ ابراهیم (۱۴)، (۱).

۴. مراجعه شود به آیه منتخب از جزء یازدهم، با عنوان «شایسته‌سالاری در امر هدایت».

۵. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۰۵.

جزء چهاردهم

آغاز و پایان جزء چهاردهم، با دو سوره حِجر و نحل است.
سوره حِجر با ۹۹ آیه است که در مکه نازل شده و عناوین زیر را می‌توان در آن پیگیری کرد:

آنکه کاری به خدا ندارد، خدا هم... (۳)، بادهای بارور کننده (۲۲)، چه چیزی مانع سجده ابلیس شد؟! (۳۲ و ۳۳)، چه کسی از رحمت الهی ناامید می‌شود؟! (۵۶)، حتی اگر از کوه خانه‌ای امن بسازید ولی... (۸۲)، چشم دوختن به داشته دیگران؟! (۸۸).
سوره نحل با ۱۲۸ آیه، ظاهراً بخشی از آیات آن پیش از هجرت و بخشی دیگر پس از هجرت نازل شده است و با بیان نعمت‌های الهی، روحیه شکرگزاری و بندگی را در انسان تقویت می‌کند، برخی از موضوعات آن عبارت است از:

بار سنگین گمراه کردن دیگران (۲۵)، تیشه زدن به ریشه خود (۲۸)، ارزش هجرت (۴۱)، کلید فهم! (۴۳)، شعار «حَسْبُنَا اللَّهُ» بر این آیه عرضه شود (۴۴)، شرک پنهان! (۵۳ و ۵۴)، جهل تا کجا؟! (۵۸ و ۵۹)، زنبور عسل، شگفتی آفرینش! (۶۸ و ۶۹)، مثل اول، اما...! (۷۰)، تفاوت از زمین تا آسمان (۷۶)، چه چیزی ماندنی است و چه چیزی...؟! (۹۶)، چگونه می‌توان از شرش‌رهایی یافت؟! (۹۹ و ۱۰۰)، تقیه (۱۰۶)، عجب روزی است! (۱۱۱)، نتیجه کفران نعمت (۱۱۲)، خوردن و بد مستی یا خوردن و... (۱۱۴)، صد بار اگر توبه شکستی باز آی! (۱۱۹).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۳۹	حجر	۳۶ تا ۳۸	ظهور، پایان مهلت ابلیس
۴۰	نحل	۱	ظهور، امر الهی
۴۱	=	۳۳ و ۳۴	ظهور و رجعت
۴۲	=	۳۸	رجعت

آیه منتخب

پایان مهلت ابلیس

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۱ گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!) فرمود: تو از مهلت یافتگانی! (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معینی^۲.
 امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خداوند به ابلیس تا روز قیام قائم ما مهلت داد؛ پس آنگاه که ایشان قیام نماید، ابلیس در مسجد کوفه مقابل حضرت زانو می‌زند و می‌گوید: وای بر من از امروز!»^۲.

نکته‌ها:

الف) باید از فرصت‌ها برای جبران خطاهای گذشته استفاده کرد نه برای لجاجت و پر کردن پیمانۀ گناه! دنیا و خوشی‌های آن، هرچه که باشد، بالاخره تمام می‌شود و

۱. حجر(۱۵)، ۳۶-۳۸.

۲. «عن وهب بن جمیع مولى إسحاق بن عمار قال سألت أبا عبد الله عن قول إبليس: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» قال:... إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا فإذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة و جاء إبليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه فيقول: يا ويله من هذا اليوم» (محمد عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲).

روسیاهی برای ذغال می‌ماند.

ب) شیطان، خدا را و ربوبیت خدا را قبول داشت: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي»، معاد را نیز پذیرفته بود: «إِلَيَّ يَوْمَ يُبْعَثُونَ»؛ اما غرور و خودپسندی او سبب شد از توجه به حقیقت بازماند و از اطاعت و فرمانبرداری حق سرپیچی کند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

شیطان به خداوند گفت: پروردگارا! قسم به عزتت اگر مرا از سجده به آدم معاف کنی، تو را طوری عبادت می‌کنم که تا به حال احدی این چنین عبادت نکرده باشد! حق تعالی فرمود: من دوست دارم آنگونه که خواسته‌ام اطاعت شوم (نه آنگونه که خود می‌خواهید).^۱

به همین دلیل است که اگر کسی پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) راه ولایت و امامت اهل بیت (علیهم السلام) را نپذیرد و در راهی که خدا و رسول او تعیین کردند، قدم نگذارد: «مات مיתה جاهلیه». هر چند شبها را به تهجد و روزها را به روزه و هر سال با پای پیاده حج گذارد و بین رکن و مقام شهید شود بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید؛ چرا که راه ابلیس را پیموده است.

ج) بی‌اعتنایی به وسوسه‌های شیطان و نه گفتن به خواسته‌های او و لبیک گفتن به خواسته‌های خداوند، ارزش کار و درجه و مقام انسان را افزون می‌کند و به عبارت دیگر هرچه موانع بندگی خداوند و جاذبه‌های راه غیر خدا بیشتر باشد، ارزش و پاداش بندگی بیشتر خواهد بود.

د) درباره اینکه پایان یافتن مهلت ابلیس به چه معناست؟ آیا حضرت مهدی او را خواهد کشت! یا امر به گونه دیگری خواهد بود، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد.

۱. عَنِ الصَّادِقِ قَالَ: «أَمَرَ ابْنُ أَبِي نَجْرٍ ابْنَ أَبِي بَرزَةَ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ فَقَالَ يَا رَبِّ وَعِزَّتِكَ إِنَّ أَعْيُنِي مِنَ السُّجُودِ لِأَدَمَ لَأُعْبِدَنَّكَ عِبَادَةً مَا عَبَدَكَ أَحَدٌ قَطُّ مِثْلَهَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۲، ص ۲۶۲).

۹۰ سیمای ماه دوازدهم

شاید بتوان گفت مراد این است که با ظهور حضرت، و رشد عقلی بشر و نابودی مستکبران، (اعوان و انصار ابلیس) بازار او کساد می‌شود و این مانند مرگ و عذاب برای اوست؛ چنانچه در روایات آمده است که با بعثت حضرت رسول ﷺ، شیطان از شدت ناراحتی نعره زد، همچنین با طولانی کردن سجده یا ازدواج به موقع نوجوان و... او فریاد و نعره می‌زند. دیدن عبودیت و بندگی خالصانهٔ خداوند، آن هم در گسترهٔ جهانی، برای او کُشنده و ضجرآور است. والله العالم.

جزء پانزدهم

پانزدهمین جزء قرآن با سوره اسراء آغاز می شود و با آیه ۷۵ سوره کهف پایان می گیرد.

سوره اسراء که به نام بنی اسرائیل و سبحان نیز خوانده می شود، ۱۱۱ آیه دارد و از سوره های مکی است. برخی از موضوعاتی که می توان در این سوره ملاحظه کرد، عبارت است از:

معراج (۱)، نقشه راه سعادت (۹)، شتابزده (۱۱)، هر کسی مسئول عملکرد خویش است (۱۵)، انتخاب کن! اما قبل از آن ببانیدیش (۱۸ و ۱۹)، یک واو فاصله (۲۳)، ریخت و پاش (۲۶ و ۲۷)، میانه روی (۲۹)، چه خطای بزرگی! و چه راه بدی! (۳۱ و ۳۲)، از کوه بلندتری؟! (۳۷)، ولی شما تسبیحشان را نمی فهمید! (۴۴). آنکه در جدایی می دمدم (۵۳)، قافله سالارت کیست؟ (۷۱)، چگونه می توان به این مقام والا رسید؟ (۷۹)، برون، نمایانگر درون (۸۴)، آنچه که می دانی در برابر آنچه که نمی دانی هیچ است، «دانستم که ندانستم!» (۸۵)، رابطه زمین و آسمان قطع شدنی نیست! اگر فرشتگان هم در روی زمین زندگی می کردند ما رسولی برایشان می فرستادیم (۹۵).

سوره کهف با ۱۱۰ آیه از سوره های مکی است که در تقویت ایمان، صبر و استقامت مؤمنان تحت ظلم و ستم قریش، نقش عمده ای داشت. پاره ای از موضوعات این سوره به شرح زیر است:

چقدر دلسوز! (۶). آزمون های مدرسه دنیا برای شاگردان آن (۷)، مشغول شدن به

۹۲ سیمای ماه دوازدهم

حاشیه‌ها و غفلت از... (۲۲) آیه «ان شاء الله» (۲۳ و ۲۴)، با چه کسانی نشست و برخاست داشته باشیم؟ (۲۸)، مستی مال و ثروت! (۳۵)، این دیگر از کجا پیدایش شد؟! (۴۹)، دشمن را دوست گرفتن؟! (۵۰).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۴۳	اسراء	تمام سوره	مهدی یاوران
۴۴	=	۴ تا ۶	زمینه‌سازان
۴۵	کهف	۶۵ به بعد	غیبت و آثار وجودی حجت غایب

آیه منتخب (۱)

در چه کاروانی با کدام قافله سالار در مسیر زندگی خود، به پیش می روی؟! ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا. وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! ﴿

جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود:

وقتی آیه «يَوْمَ نَدْعُوا..» نازل شد، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! آیا شما امام همه مردم نیستید؟ حضرت فرمود: من رسول خدا به سوی همه مردم هستم، ولی پس از من، پیشوایانی از

سوی خدا از اهل بیتم برای مردم خواهند بود. (برای امر امامت) به پا می‌خیزند اما مورد تکذیب و ظلم پیشوایان کفر و گمراهی قرار می‌گیرند، پس کسی که ولایت و پیروی آنان را داشته باشد و آنان را تصدیق نماید، او از من و با من خواهد بود و (در قیامت) مرا ملاقات خواهد کرد. آگاه باشید کسی که به آنان ظلم کند و آن‌ها را تکذیب نماید، او از من و با من نیست و من از او بیزارم.^۱

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

ای فضیل! امام خودت را بشناس که اگر امامت را شناختی این امر (فرج و ظهور) جلو بیافتد یا عقب بیافتد، ضرری متوجه تو نخواهد شد و کسی که امامش را بشناسد و پیش از اینکه صاحب این امر قیام نماید، بمیرد مانند کسی خواهد بود که در لشکر ایشان حضور داشته باشد. نه! بلکه مانند کسی است که زیر پرچمش باشد و بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول خدا به شهادت رسیده باشد.^۲

ایشان همچنین فرمود: «مراد از «بِإِمَامِهِمْ» امامی است که پیش رویشان است و او قائم اهل زمانش می‌باشد (یعنی مراد، امامی است که از سوی خداوند برای آنان قرار

۱. «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قَالَ الْمُسْلِمُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُومُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذِبُونَ وَيَطْلُبُهُمْ أئِمَّةُ الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ وَأَشْيَاعُهُمْ فَمَنْ وَالَاهُمْ وَ اتَّبَعَهُمْ وَ صَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَ مَعِيَ وَ سَبَلِقَانِي أَلَا وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ كَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مَعِيَ وَ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ» (كَلِينِي، كَافِي، ج ۱، ص ۲۱۵، باب ان الائمه في كتاب الله... ح ۱).

۲. «عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» فَقَالَ يَا فَضِيلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرْكْ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ قَالَ وَ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ» (همان، ص ۳۷۱، كتاب الحجّة، باب انه من عرف امامه).

داده شده است»^۱.

نکته‌ها

الف) هر انسانی باید ببیند در این دنیا دنباله رو چه کسی است؟ و چه کسی را امام و مقتدای خود قرار داده تا در قیامت پشت سر او باشد و جایی برود که امامش می‌رود. بنابراین، رسول خدا ﷺ فرمود:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند (زمان ظهورش باشد) در حالی که در دوران غیبت و پیش از ظهورش به او اقتدا کرده باشد... او از همراهان و دوستان و گرامی‌ترین امتم در روز قیامت نزد من خواهد بود.^۲

ب) آنچه سبب می‌شود عده‌ای بلغزند و از امام حق، فاصله گرفته و دنباله رو امام دیگری غیر از آنچه که خداوند قرار داده است، قرار بگیرند می‌تواند یکی از امور زیر باشد:

۱. امام حق، در پی رشد و تربیت ما و درمان درد های ماست و در راه رشد و درمان، طبیب بر اساس میل و خواست ما، نسخه نمی‌نویسد! (بر خلاف طبیب نماها). امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

سوگند به خدا «عقیل» برادرم را دیدم که به شدت فقیر شده بود و از من می‌خواست که یک من از گندم‌های شما را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی موهایشان ژولیده و رنگشان بر اثر فقر دگرگون گشته، گویا صورتشان با نیل رنگ شده بود. «عقیل» باز هم اصرار کرد... (اما من برای بیداری و هشداریش) آهنی را در آتش گذاختم، سپس آن را به بدنش

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قَالَ: إِمَامِهِمُ الَّذِي بَيْنَ أظْهُرِهِمْ وَهُوَ قَائِمُ أَهْلِ زَمَانِهِ»؛ کلینی، کافی، کتاب الحجّة، ص ۵۳۷، باب ان الائمة کلهم قائمون).
۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵.

نزدیک ساختم، تا با حرارت آن عبرت گیرد، ... به او گفتم: هان ای «عقیل» ... تو از این رنج می‌نالی و من از آتش سوزان نالان نشوم؟ از این سرگذشت، شگفت‌آورتر داستان کسی است که نیمه شب ظرفی سرپوشیده پر از حلوی خوش طعم و لذیذ، به در خانه ما آورد، ... به او گفتم: ... از راه آیین خدا وارد شده‌ای که مرا بفریبی ... به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه با آنچه در زیر آسمان‌ها است به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد و این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد، نزد من خوارتر و بی‌ارزستر است.^۱

اما معاویه اطرافیان خود را با کیسه‌های درهم و دینار به سوی خود می‌کشاند و آنگونه که مردم می‌پسندیدند، نسخه می‌پیچید!

۲. شیفته قدرت و مال دنیا بودن. آنچنان که طلحه و زبیر را از امام خود جدا کرد و کوفیان را در برابر امام قرار داد.

۳. بی‌بصیرتی و جهل به مقام و منزلت و عصمت امام. آن چنان که خوارج را از امام خویش بازداشت.

یعنی به جای اینکه امام را معیار و شاخص حق و باطل بدانیم، بخواهیم کار او را با فکر و عقل خود بسنجیم! و توقع داشته باشیم که امام آنگونه که ما تشخیص داده‌ایم، عمل کند.

ج) کسی که امام تعیین شده از سوی خداوند را نپذیرد و او را امام نبیند، در روز قیامت کور وارد محشر می‌شود: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا» و قطعاً اهل جهنم خواهد بود و حدیث متواتر «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» ناظر به همین آیه است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

آیه منتخب (۲)

دلیل غیبت امام زمان و آثار وجودی او

﴿...وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾^۱ و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود و پروردگار تو می‌خواست که آن‌ها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند. این رحمتی از پروردگارت بود و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم. این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آن‌ها شکیبایی به خرج دهی!»

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست و هر اهل باطلی در این دوران (غیبت) به شک و تردید دچار می‌شود. عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: فدای شما گردم دلیل (این غیبت) چیست؟ امام فرمود: «برای مسأله‌ای است که اجازه بیان آن را نداریم! عرض کردم: حکمت غیبت ایشان چیست؟ فرمود: حکمت غیبت ایشان، همان حکمت غیبت سایر حجت‌های الهی است که غایب شدند. و حکمت آن تا پس از ظهور او مشخص نمی‌گردد، همان‌گونه که حکمت کارهایی که حضرت خضر انجام داد؛ یعنی سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر بچه و ساختن دیوار، در (پایان کار) و وقت جدایشان، مشخص شد. ای پسر فضل! همانا این امر (غیبت) کاری است از کارهای خداوند و

۱. کشف (۱۸)، ۸۲.

سری است از اسرار او و غیبی است از غیب الهی و آنگاه که دانستیم خدای بزرگ حکیم است پس باید بپذیریم که همه کارهایش حکمتی دارد، هر چند جهت و دلیل آن را ندانیم.^۱

نکته‌ها

الف) غیبت حضرت مهدی علیه السلام، به غیبت حجت‌های الهی علیهم السلام تشبیه شده است و می‌دانیم که غیبت آنان به معنای «ناشناس بودن» ایشان بود، همان طور که «برادران یوسف علیه السلام (در پی مواد غذایی به مصر) آمدند و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت؛ ولی آن‌ها او را نشناختند»^۲ حضرت خضر علیه السلام نیز به صورت ناشناس در میان مردم مأموریت‌های الهی خود را انجام می‌داد.

درباره امام مهدی علیه السلام نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است که «مردم او را می‌بینند؛ ولی نمی‌شناسند».^۳

ب) از جلوه‌های عبودیت و بندگی خداوند، تسلیم بودن در برابر خواسته‌های حکیمانه اوست که قطعاً خیر و صلاح بندگان را در نظر گرفته است. فرمود: «در شگفتی از انسانی که تسلیم خداست. خداوند هر حکمی در حق او بکند برای او خیر

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ وَ لِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ فَلْتُمْ فَمَا وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ قَالَ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتٍ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَّجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِيمَا آتَاهُ الْخَضِرُ (۱) مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سِرِّهِ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٍ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهَا كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ» (شيخ صدوق، كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲، باب ۴۴ فی الغیبه، ح ۱۱).

۲. «وَ جَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (يوسف (۱۲)، ۵۸).

۳. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سِنِينَ [سُنَنًا] مِنَ الْأَنْبِيَاءِ... وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالْسُّرُّ يُجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ...» (شيخ صدوق، كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۵۰، باب ۳۳، ح ۴۶).

است؛ اگر (حکم کند) با قیچی قطعه قطعه شود، برایش خیر است و اگر (حکم کند) حاکم و پادشاه شرق و غرب عالم شود، برایش خیر است»^۱.

وقتی امام حسن مجتبی (علیه السلام) با معاویه صلح کرد عده‌ای بر ایشان وارد شدند و به سرزنش او پرداختند. حضرت در پاسخ فرمود:

وای بر شما! نمی‌دانید، به خدا قسم آنچه را که انجام دادم، برای شیعیانم از آنچه که خورشید بر آن تابیده و غروب نموده است بهتر بود. آیا نمی‌دانید همانا من امام شما هستم که پیرویم بر شما واجب است؟ و به تصریح رسول خدا، یکی از دو سرور اهل بهشتیم؟ گفتند: بله. فرمود: آیا نمی‌دانید همانا خضر وقتی کشتی را سوراخ کرد و دیوار را ساخت و پسر بچه را کشت، این کار مورد خشم حضرت موسی (علیه السلام) قرار گرفت؛ زیرا حکمت آن را نمی‌دانست در حالی که این کارها نزد خدای تعالی از روی حکمت و درست بود(و همه این کارها به حکم الهی بود؟!)^۲.

(ج) از نشانه‌های مؤمن این است که دغدغه او فقط دو چیز است:

۱. شناخت درست وظیفه؛

۲. عمل با جدیت و خالصانه به وظیفه.

سپس «هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش!) و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: عَجِبْتُ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لَا يَقْضِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ وَ إِنْ قُرِضَ بِالْمَقَارِضِ كَانَ خَيْرًا لَهُ وَ إِنْ مَلَكَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۲، باب الرضاء بالقضاء، ح ۸).

۲. «لَمَّا صَالَحَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ دَخَلَ عَلَيْهِ النَّاسُ فَلَامَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَيْعَتِهِ فَقَالَ ع وَيْحَكُمْ مَا تَذَرُونَ مَا عَمِلْتُ وَ اللَّهُ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرٌ لِّشِيعَتِي مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ أ لَا تَعْلَمُونَ أَنِّي إِمَامُكُمْ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَيْكُمْ وَ أَحَدُ سَيِّدِي سَبَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِنَصِّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيَّ قَالُوا بَلَى قَالَ أ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ لَمَّا خَرَقَ السَّفِينَةَ وَ أَقَامَ الْجِدَارَ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سَخَطًا لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَ كَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةً وَ صَوَابًا...» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۲۹، ح ۲).

متوکلان را دوست دارد»^۱.

د غیبتِ حجت و ولی خدا، هرگز با کار و تلاش و خیر و برکت داشتن منافات ندارد، همان طور که حضرت خضر علیه السلام با وجود غیبت و ناشناس بودن، گاهی در دریا و گاهی در خشکی، گاهی به داد دنیای مردم و گاهی به داد دین مردم می‌رسید. امام زمان علیه السلام نیز به عنوان حجت خدا لحظه‌ای آرام و قرار ندارد و در پی انجام مأموریت های الهی خود می‌باشد بلکه می‌توان گفت هر خیر و برکتی هست به یمن وجود و تلاش اوست که واسطه فیض الهی است و هر سال «فرشتگان و روح در آن شب (قدر) به اذن پروردگار خود برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند»^۲ و همه امور عالم به اذن خداوند متعال به خلیفه و حجتش سپرده می‌شود.

ه نکته دارای اهمیت در اینجا این است که حجت خدا بر اساس میل و خواست خود عمل نمی‌کند، بلکه مأمور خداوند است و مجری برنامه‌های حکیمانه اوست؛ لذا اینکه کجا به داد کسی برسد یا نرسد، براساس حکمت الهی است و یکی از اموری که در این رابطه تعیین کننده است نقش قابلیت قابل است. برای نمونه وقتی پدر و مادری دین و ایمان خود را به خدا سپرده‌اند و حسن عاقبت را صادقانه از او خواسته‌اند، اکنون در پی اجابت خواسته آن‌ها، هر آنچه که عاقبتشان را به خطر اندازد، به فضل و رحمت الهی از سر راه آن‌ها برداشته می‌شود؛ حتی اگر فرزند آن‌ها باشد و در عوض نعمتی به آن‌ها داده می‌شود که هرگز با آنچه که داشتند، قابل قیاس نیست. همان طور که در ماجرای مطرح شده در سوره کهف، خداوند فرزند پسر این خانواده را از آنان گرفت و به جای آن فرزند دختری به آنان داد که از نسل او هفتاد پیامبر برخاستند و در پی راضی بودن به رضای معبود خود، خیر و برکتی بزرگ شامل

۱. «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ (آل عمران (۳)، ۱۵۹).

۲. «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»؛ (قدر (۹۷)، ۴).

حالشان شد.^۱

در بیان نورانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «ولی با دوری از گناه، تلاش، (در راه انجام وظیفه)، پاکدامنی و درستکاری مرا یاری نمایید».^۲ کلام زیبای امام زمان (علیه السلام) نیز چنین است: «پس تقوای الهی را رعایت کنید و ما را در نجاتتان از فتنه‌ای که شما را در بر گرفته است، یاری کنید»^۳ ناظر به همین حقیقت است؛ یعنی با رعایت تقوا و عمل به سفارش حجت‌های الهی، شایستگی خود را در بهره‌مند شدن از امداد و نصرت آن‌ها به دست آوریم.

و حضرت موسی (علیه السلام) با هدف رشد و کمال نزد حضرت (علیه السلام) خضر آمد و «گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» و قول داد «به خواست خدا مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری مخالفت فرمان تورا نخواهم کرد!» اما چرا در عمل این اتفاق نیفتاد؟ حضرت خضر (علیه السلام) در پایان سفر، پس از تشریح حکمت آنچه که انجام داده بود، گفت: «من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم. این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آن‌ها شکیبایی به خرج دهی!».

معنای این سخن این است که تصمیم پیروی از مأمور الهی با سنجش کارهای او با دانسته‌های خود و قرار دادن شاخص حق، در جای دیگر قابل جمع نیست. مهم‌ترین پیام این بخش برای منتظران بقیه‌الله الاعظم (علیه السلام) این است که با ظهور

۱. تفاسیر روایی، کهف (۱۸)، ۸۰.

۲. «وَلَكِنْ أَعْيُنُنِي بُورِعَ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٌ وَسَدَادٌ» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۳. «فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَىٰ أَنْتِبَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاَفَتْ عَلَيْنُكُمْ» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷).

جزء پانزدهم ۱۰۱

ایشان، این باور را جلوی چشم خود قرار دهند که «او با حق است و حق با اوست»^۱ و معیار و شاخص حق را در خود امام ببینند نه در جای دیگر و گرنه مصداق این روایت قرار خواهند گرفت. «هنگامی که حضرت قائم قیام می‌کند، کسانی از ولایتش خارج می‌شوند که توقع این بود اینان جزء یارانش باشند»^۲.

۱. رسول خدا ﷺ در بخشی از خطبه غدیر درباره جانشینان معصوم خود فرمودند: «فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُمْ لَا يُزَالُهُمْ وَلَا يُزَالُونَ؛ آنان با حق هستند و حق با آنان است نه حق از آنان جدا می‌شود و نه آنان از حق جدا می‌شوند» (براهیم نعمانی، الغیبه، ص ۷۲، باب ۴، ح ۸).

۲. همان، ص ۳۱۷، باب ۲۱، ح ۱.

جزء شانزدهم

جزء شانزدهم قرآن، با ادامه آیات ۷۶ به بعدِ سوره کهف آغاز می‌شود و با سوره‌های مریم و طه ادامه می‌یابد.

به راستی دست‌آورد این سفر معرفتی چه بود؟ (۸۲)، آیت کوچکی از آیت بزرگ قسیم الجنه و النار (۸۶ تا ۸۸)، زیانکارترین زیانکاران! (۱۰۳).

سورهٔ مریم با ۹۸ آیه در ردیف سوره‌های مکی است و با بیان سرگذشت پیشینیان، نکات مهم اعتقادی، اخلاقی و تربیتی را به ما گوشزد می‌کند، برخی از موضوعات این سوره عبارت است از:

آنچه نشدنی را شدنی می‌کند! (۳ به بعد)، نبوت در خردسالی (۱۲)، اعتقادات، اخلاق و احکام از زبان نوزاد! (۳۰ تا ۳۳)، گمراهی نسل جدید (۵۹)، همهٔ شما قطعاً در لبهٔ پرتگاه جهنم قرار می‌گیرید؛ شک نکنید! (۷۱).

سورهٔ طه نیز از سوره‌های مکی است و ۱۳۵ آیه دارد، فرشتگان در وصف آن گفته‌اند: «خوشا به حال امتی که این سوره بر آن‌ها نازل می‌گردد، خوشا به دل‌هایی که این آیات را در خود پذیرا می‌شود و خوشا به زبان‌هایی که این آیات بر آن جاری می‌گردد». ^۱ نمونه‌ای از موضوعات این سوره به شرح زیر است:

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

جزء شانزدهم ۱۰۳

چه شیرین است سخن گفتن با محبوب (۱۷ و ۱۸)، شرح صدر، شرط موفقیت (۲۵)، جایگاه حضرت هارون نسبت به حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) (۲۹ به بعد)، با او به نرمی سخن بگویند! (۴۲ تا ۴۴)، شگفتا چه ایمانی! (۷۱ تا ۷۵)، خطر طغیان پس از نعمت (۸۰ و ۸۱)، و چه زود هر چه داشتند بر باد دادند و در آزمون انتظار مردود شدند! (۸۵ به بعد)، عاقبت به خیری مهم‌ترین خواسته انسان مؤمن (۹۶ و ۹۷)، «وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (۱۱۱)، چگونه می‌توان دوست را از دشمن تشخیص داد؟ (۱۲۰)، برخورد امروز من با تو، بر اساس برخورد دیروز تو با من است! (۱۲۶).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۴۶	مریم	۵۴	رجعت
۴۷	=	۷۵ و ۷۶	انتقام حضرت قائم <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> از دشمنان
۴۸	طه	۱۳۵	صراط سَوی = حضرت قائم

آیه منتخب

جوجه را آخر پاییز می‌شمارند

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنْ اهْتَدَى!﴾ بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما به زودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است!﴾

امام کاظم از پدر بزرگوارشان درباره این آیه شریفه چنین نقل می‌کند که حضرت فرمود: «صراط سَوی» همان قائم است و هدایت یافته کسی است که به پیروی از

ایشان توفیق یابد و مثل این آیه در کتاب خدا آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ»^۱ است؛ یعنی کسی که به ولایت ما هدایت یابد»^۲.

نکته‌ها

الف) انتظار ویژگی بشر است، همه چشم به راه رسیدن به مقصود خود هستند و هر کسی خود را حق و بقیه را باطل می‌داند «اما آن‌ها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند!»^۳ دشمنان نیز با تلاش خود منتظر دست یافتن به هدف‌های خود می‌باشند.

اما بندگان صالح خدا و منتظران راستین موعود امت‌ها بقیة الله الاعظم عليه السلام با توجه به وعده قطعی الهی براساس نابودی ظالمان و نجات مظلومان با همه وجود تحقق این وعده را باور دارند و سرانجام مشخص می‌شود چه کسی بر حق است و چه کسی باطل.

ب) خداوند، انسان را به این عالم آورده است که با اختیار خود حق را بشناسد و آن را دنبال کند، آنچه که مهم است، این است که مؤمنان نباید درباره نابودی دشمنان حق و نزول عذاب از سوی خداوند شتاب کنند ممکن است ظلم ظالمان سال‌ها طول بکشد تا در پرتو آن:

– میزان تلاشی که آن‌ها برای مبارزه با ظلم می‌کنند، روشن شود؛

۱. همان، ۸۲.

۲. «عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَى» قَالَ الصِّرَاطُ السَّوِيُّ هُوَ الْقَائِمُ وَ الْهُدَى مَنْ اهْتَدَى إِلَى طَاعَتِهِ وَ مِثْلَهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» قَالَ إِلَى وَ لَأَيَّتِنَا؛ (سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۷۹۲).

۳. «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»؛ (مؤمنون (۲۳)، ۵۳) و «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»؛ (روم (۳۰)، ۳۲).

- صبر و استقامت مؤمنان سنجیده شود تا در سایه آن، به درجات والا برسند؛
- بر کافران اتمام حجت شود: «آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آن‌ها عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته‌اید (فرج) نخواهد آمد تا اینکه غریبال شوید. نه، به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد آمد تا اینکه خالص گردید. نه، به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد آمد تا اینکه (خوب از بد) جدا شوید. نه، به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد آمد مگر پس از ناامیدی! نه، به خدا قسم آنچه که به آن چشم دوخته‌اید، نخواهد آمد و تا اینکه آنکه بناست شقی شود، شقی شود، و آنکه قرار است سعادت‌مند شود، سعادت‌مند شود (یعنی در کوره حوادث و فشارهای دشمن، باطن‌ها آشکار شود).^۲

ج یکی از اسرار غیبت امام زمان علیه السلام، همین است که با سختی این دوران، منتظران راستین از مدعیان انتظار، شناخته شوند و مشخص شود: «مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى».

علی بن جعفر علیه السلام از برادرش، موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

۱. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران (۳)، ۱۷۸).

۲. «لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُغْرَبُوا لَّا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَحَّضُوا لَّا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا لَّا وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَّا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يُشَقَّى مَنْ يُشَقَّى وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، کتاب الحجّة، باب التمهیص، ح ۶).

وقتی پنجمین از فرزند هفتمین غایب شد، بر شما باد بر حفظ دیتتان. میادا کسی دیتتان را از شما بگیرد... همانا چاره‌ای برای غیبت صاحب این امر نیست تا اینکه افرادی که به او باور داشتند، از او بر می‌گردند. همانا این غیبت امتحانی است از سوی خداوند که بندگانش را با آن آزموده است.^۱

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا فَقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهِ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَيْبِهِ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أُمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، کتاب الحججه، باب فی الغیبه، ح ۲).

جزء هفدهم

هفدهمین جزء قرآن سوره‌های انبیاء و حج را دربرمی‌گیرد.

سوره انبیاء با ۱۱۲ آیه، از جمله سوره‌های مکی است. این سوره با هشدار به غفلت از روز رستاخیز آغاز می‌گردد و با پیام رسول خدا دربارهٔ مبدأ و معاد پایان می‌پذیرد. موضوعات زیر را می‌توان در این سوره مشاهده کرد:

بازی تا کی؟ (۲)، کلید فهم (۷)، نظم و انسجام عالم دلیلی بر توحید (۲۲)، شفاعت همگانی نیست (۲۸)، اعجاز علمی قرآن (۳۰)، هر کدام در مدار خود شناورند (۳۳)، وقتی آمد دیگر مهلتی در کار نیست (۳۸ تا ۴۰)، «رَبَّنَا عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ» (۴۷)، یک نفر در برابر هزاران نفر! کدام یک باختند و کدامیک برنده شدند؟ (۷۰)، اسوه صبر و استقامت (۸۳ و ۸۴)، مسابقه (۹۰)، چه کسانی از آتش خشم و قهر الهی در امان خواهند بود؟ (۱۰۰ تا ۱۰۳)، مدیریت جهان به وسیله شایسته‌ترین انسان‌ها (۱۰۵).

سوره حج با ۷۸ آیه از سوره‌های مدنی به شمار می‌آید و با هشدار دربارهٔ زلزله بزرگ قیامت آغاز می‌شود و با چند سفارش مهم پایان می‌یابد؛ از جمله موضوعات این سوره عبارتند از:

تقوا تنها راه نجات از عذاب سخت الهی (۱ و ۲)، آیتی بر عالم آخرت (۵)، از این بدتر می‌شود؟! (۱۱)، کسی فکر خودکشی به سرش می‌زند که خدا را یاور خود نمی‌بیند! (۱۵)، وای به حال کسی که از جمادات و حیوانات عقب بماند! (۱۸)، لباسی از

آتش یا لباسی از ابریشم؟! (۱۹ تا ۲۳)، آنان که با یاد خدا، دل‌هایشان از شدت اشتیاق می‌لرزد (۳۴ و ۳۵)، «وَ لَيُنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (۴۰)، اگر قدرتی یافتید چه خواهید کرد؟! (۴۱)، نابینایی عیب نیست! کور دلی عار است (۴۶)، او چه کرده و ما چه می‌کنیم؟! (۶۵ و ۶۶).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۴۹	انبیاء	۹۵	رجعت
۵۰	=	۱۰۵	وراثت صالحان
۵۱	حج	۳۹	اذن الهی مبنی بر رویارویی با ظالمان
۵۲	=	۴۱	فراگیر شدن عبودیت و بندگی در سرتاسر عالم
۵۳	=	۴۵	غیبت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۴	=	۶۰	عاشورا و ظهور
۵۵	=	۶۵	امان اهل زمین

آیه منتخب (۱)

مدیریت جهانی عالم به وسیله شایسته ترین انسان‌ها

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾^۱ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان!»

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «آن‌ها (عبادِ الصَّالِحُونَ) یاران حضرت قائم در

۱. انبیا (۲۱)، ۱۰۵.

آخر الزمان هستند»^۱.

از ایشان درباره «عِبَادِي الصَّالِحُونَ» پرسیدند، امام در پاسخ فرمود: «ما هستیم». همچنین از «لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» سؤال شد، امام فرمود: «شیعیان ما هستند»^۲.

نکته‌ها

الف) در این آیه، موضوع مزده و نوید ظهور و حکومت صالحان، با نهایت تأکید بیان شده است؛ زیرا که یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمنان مهدویت، ایجاد شک و تردید و تزلزل اعتقادی است.

در آیه ۳۲ توبه تعبیر «وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ»^۳ در آیه ۵۵ نور تعبیر «وَعَدَّ اللَّهُ» و در آیه ۵ قصص عبارت «وَوْتَرِدُ» آمده است. در این آیه با دو عامل تأکید یعنی «لَقَدْ» و استفاده از واژه «كَتَبْنَا» که بیانگر قطعیت است^۴ و یادآوری پیشگویی این حقیقت در کتاب‌های آسمانی بر قطعیت و حتمیت این وعده، تأکید شده است.

ب) واژه «الْأَرْضِ» به طور مطلق بیان شده و همه عالم را در برمی‌گیرد، و با توجه به نشانه‌های موجود در آیه^۵ و تبیین روایی امامان معصوم (علیهم‌السلام)، جای هیچ

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ۴۶۴).

۲. «عَنْ سَفِيَّانِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَرِيرِيِّ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا...» قَالَ: هُمْ نَحْنُ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ. قَالَ: هُمْ شِيعَتُنَا»؛ (سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۸۴۷).

۳. این بیان، نهایت تأکید را در بر دارد؛ یعنی «خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند». به عبارت دیگر یعنی اگر خداوند هیچ کاری نکند، این کار را خواهد کرد.

۴. «وَيَعْبَرُ عَنِ الْإِثْبَاتِ وَالتَّقْدِيرِ وَالإِيجَابِ وَالفَرْضِ وَالعَزْمِ بِالْكِتَابَةِ، وَوجه ذلك أن الشيء يراد، ثم يقال، ثم يُكْتَبُ، فالإرادة مبدأ، و الكِتَابَةُ منتهى. ثم يعبر عن المراد الذي هو المبدأ إذا أُريدَ توكيده بالكتابة التي هي المنتهى»؛ (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۹۹، ذیل واژه کتب).

۵. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۰؛ فضل طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶؛ تفسیر روح المعانی، ج ۹، ص ۹۸.

تردیدی باقی نمی‌ماند که در این آیه مژده حاکمیت جهانی صالحان به رهبری اباصالح‌المهدی علیه السلام مورد توجه و اهمیت است.

ج) به بیان برخی از بزرگان^۱ تعبیر «ابا صالح» درباره حضرت مهدی علیه السلام برگرفته از همین آیه است؛^۲ چرا که امام و مقتدای عبادی‌الصالحون، حضرت مهدی علیه السلام است.

د) «منتظرانِ مصلح، خود باید صالح باشند» کسی که در خانه یا محل کار یا... اهل ظلم است، چگونه می‌تواند یاور امام صالحان باشد؟! چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می‌خواهد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد، و از گناه دوری کرده به اخلاق پسندیده عمل کند در حالی که چشم به راه ظهور او می‌باشد».^۳

اگر تحقق این وعده تا کنون به تأخیر افتاده است، به همین دلیل است که «عبادی‌الصالحون» مورد نظر برای یک قیام و انقلاب جهانی تأمین نشده است؛ یارانی چون: مقداد، مالک اشتر، داوود رقی، هارون مکی، امام خمینی (ره)، یارانی چون اصحاب امام حسین علیه السلام که جان خود را در راه امام فدا کردن اما دغدغه آن‌ها این است که نکند کوتاهی کرده باشند! و آخرین جمله آن‌ها خطاب به مولایشان این است: «ای فرزند رسول خدا! آیا وفا کردم؟»^۴

ه) در دوران غیبت، مادران؛ بالاترین نقش را در تربیت «مهدی یاوران» می‌توانند بر دوش بگیرند و قدم‌های بلندی در مسیر زمینه‌سازی ظهور بردارند.

و) بلاغ، به معنای پیام روشن است و پیام آیه ۱۰۶ این است که تمام مطلب به طور روشن و شفاف برای شما بیان شد؛ اما گویا ما توجه لازم را در دریافت این پیام نداشته‌ایم: «إِنَّ فِي هَذَا الْبَلَاغِ لِقَوْمٍ عَابِدِينَ».

۱. فصل نامه علمی - ترویجی / انتظار موعود، شماره ۱۲، ص ۲۱.

۲. چون هیچ مستند روایی اساس بر اینکه کنیه ایشان، اباصالح است، نداریم.

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْفَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ (ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ح ۱۶).

۴. علامه مجلسی، بحار، ج ۴۵، ص ۲۲.

آیه منتخب (۲)

عطر پاکی در سراسر عالم

﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱ همان کسانی که هر گاه در
زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند و امر به معروف
و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست! ﴿
امام باقر علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ..» می‌فرماید:

این آیه برای آل محمد علیهم السلام است و خداوند شرق و غرب عالم را
در اختیار و سیطره حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش قرار می‌دهد و
دین را غلبه می‌دهد و همانطور که نابخردی‌ها، حق را میرانند،
بدعت‌های باطل را به وسیله او و اصحابش نابود خواهد ساخت
تا آنجا که اثری از ظلم دیده نشود.^۲

امام حسین علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره قول خداوند که «الَّذِينَ إِذَا
مَكَتَاهُمْ...» فرمودند: «این آیه درباره ما اهل بیت است.»^۳

نکته‌ها

الف) نماز، مظهر ارتباط با خالق و زکات و انفاق، مظهر ارتباط با هم‌نوع است و
در دهه‌ها آیه از قرآن، این دو در کنار هم از ویژگی مؤمنان و پرهیزکاران شمرده شده

۱. حج (۲۲)، ۴۱.

۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ: الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ آيَةُ لِيَالِ مُحَمَّدٍ
إِلَى آخِرِ آيَةِ - وَالْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا - وَيُظْهِرُ الدِّينَ - وَيُحْيِي اللَّهُ بِهِ وَ
أَصْحَابَهُ الْبَدْعَ الْبَاطِلَ - كَمَا أَمَاتَ السُّفْهَةَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ لِلظُّلْمِ» (علی قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۸۷).

۳. «مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» قَالَ هَذِهِ
فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷).

است و مانند دو بالی است که سالکانِ اِلیِ الله به وسیله آن راه قرب الهی را طی می‌کنند و سعادت و رستگاری انسان به هر دو گره خورده است.

ب) امر به معروف و نهی از منکر به معنای پیوند سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر است که همچون مسافران کشتی باید در سالم به مقصد رسیدن، یکدیگر را یاری کنند؛ این هشدار رسول بزرگ خداست که فرمود: «وقتی اتمم امر به معروف و نهی از منکر را به هم بسپارند (از انجام آن شانه خالی کنند)، باید آماده جنگی با خداوند متعال باشند [در انتظار عذابی شدید باشند]». ^۱ مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز درباره اهمیت آن فرمود: «تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای در مقابل یک دریای پهناور است». ^۲

ج) در طول تاریخ در تقابل حق و باطل، حجت‌های الهی در پی اقامه نماز و ایفاء زکات و احیاء ارزش‌ها و نابودی باطل قیام کردند، چنانچه در زیارت آنان می‌گوییم: «وَ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ» ^۳ و در مقابل، «آن‌ها(دشمنان حق) می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند». ^۴

د) در تقابل نهایی حق و باطل، سرانجام دین مورد رضایت خدا بر سراسر گیتی حاکمیت پیدا می‌کند ^۵ و مدیریت جهانی عالم به دست «عِبَادِي الصَّالِحُونَ» خواهد افتاد ^۶ و همه مستضعفان و مظلومان جهان، وارث مستکبران خواهند شد ^۷ و در نتیجه

۱. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بَوَاقٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى».
 ۲. «وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كُنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي»؛ (نهج البلاغه، حکمت، ۲۷۴).
 ۳. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه کبیره.
 ۴. توبه (۹)، ۳۲.
 ۵. همان، ۳۳؛ فتح (۴۸)، ۴۸؛ صف (۶۱)، ۹.
 ۶. انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.
 ۷. قصص (۲۸)، ۵.

«نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»؛ چرا که «پایان همه کارها از آن خداست».

هـ) از آنجا که سنت الهی بر این جاری شده است تا این وعده الهی با خواست مردم محقق شود؛ بنابراین هر کسی باید در هر موقعیتی که قرار دارد، در اندازه توان شایستگی خود را برای یاری امام، با تلاش در جهت اقامه نماز، احیای زکات و امر به معروف و نهی از منکر ثابت کند و در خانه، محله، اداره و شهر خود این امر را به انجام برساند تا به فضل الهی با ظهور «بقیة الله الاعظم علیه السلام» وعده «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱ تحقق یابد.

جزء هجدهم

جزء هجدهم قرآن سوره های مؤمنون، نور و آیاتی از سوره فرقان را در برمی گیرد.

سوره مؤمنون با ۱۱۸ آیه مکی است و با تأکید بر فلاح و رستگاری مؤمنان آغاز می شود و با توجه به رستگار نشدن کافران و یک دعای زیبایی قرآنی پایان می پذیرد، برخی از موضوعات این سوره عبارتند از:

ویژگی های برجسته مؤمنان که سبب رستگاریشان می شود (۱ تا ۹)، هر خوردنی مسئولیتی به دنبال دارد (۵۱)، چه کسانی برنده اند؟ و به سوی خوبی ها می شتابند؟ (۵۵ تا ۶۱)، آنچه که ما را از راه سعادت خارج می کند (۷۴)، وقتی گرفتار می شویم درباره ریشه و منشأ آن بیاندیشیم (۷۶)، چه کم هستند شکرگزاران این نعمت های وصف ناشدنی! (۷۸)، بدی را با خوبی بزن (۹۶)، «قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ» (۹۹ و ۱۰۰)، بسیار قابل توجه برای مؤمنان (۱۰۹ تا ۱۱۱).

سوره نور یا همان سوره عفت و پاکدامنی با ۶۴ آیه پس از هجرت نازل شده است و به این موضوعات می پردازد:

در انتخاب همسر بسیار مراقب باشید (۳)، مجازاتی سخت برای اتهام بی عفتی! (۴)، چرا اینقدر زود باوریم؟! و با آبروی دیگران بازی می کنیم؟! (۱۲)، اگر گناهی را که اتفاق افتاده، هر جا که رسیدی بگویی، مصداق این آیه خواهی بود! (۱۹)، سیاست گام به گام (۲۱)، باید اهل عفو و گذشت باشی، زیرا... (۲۲)، آداب ورود به خانه دیگران (۲۷) و

۲۸)، از نگاه آغاز می‌شود (۳۰ و ۳۱). آیه حجاب (۳۱)، ازدواج آسان و سفارش الهی (۳۲)، عفت و پاکدامنی راه سعادت دنیا و عقبی (۳۳)، آیه نور و تجلی نور خدا بر روی زمین (۳۵ تا ۳۸)، سراب (۳۹)، ما سمیعیم و بصیریم و هشیم - با شما نامحرمان ما خامشیم (۴۱)، وصفش خیره کننده است تا چه رسد به خودش! (۵۵).
پایان بخش این جزء ۲۰ آیه از سوره فرقان است:
شاخص تشخیص حق از باطل (۱)، چه بی‌راهه می‌روند! (۳ تا ۵)، تو فقط اراده کن و بخواه (۱۶).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۵۶	نور	۳۵	ویژگی حضرت (کوکب درّی)
۵۷	=	۵۳	اصحاب (کیفیت اطلاع از ظهور امام)
۵۸	=	۵۵	وعدۀ حاکمیت توحید ناب بر سراسر عالم

آیه منتخب

تحقق هدف خلقت با حاکمیت جهانی توحید ناب

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و

۱. نور (۲۴)، ۵۵.

ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش تبدیل می‌کند، آنچنان که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند^۱.

امام سجاد (علیه السلام) بعد از تلاوت این آیه شریفه فرمود:

به خدا قسم آن‌ها شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند به دست مردی از ما اهل بیت که او مهدی این امت است، این کار را انجام خواهد داد و او همان کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی از خاندانم که همانم من است، امور را برعهده گیرد و زمین را پر از عدل و داد نماید همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.» (یعنی عدالتش همه عالم را فرا می‌گیرد آنگونه که ظلم همه جا را فراگرفته است).^۱

امام صادق (علیه السلام): «این آیه درباره حضرت قائم و اصحابش نازل شده است».^۲

نکته‌ها

الف) آنچه را خداوند وعده داده باشد، قطعاً واقع خواهد شد؛ زیرا که خلف وعده نقص است و نقص در خداوند راه ندارد. به همین دلیل فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ».^۳

ب) تعبیر «وَعَدَ اللَّهُ» و ورود لام قسم بر سر افعال آیه، و نون تاکید ثقیله در

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ وَ قَالَ هُمْ وَ اللَّهُ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيْ رَجُلٍ مَيِّتٍ وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِيهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰).

۲. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۸۹.

۳. آل عمران (۳)، ۹.

پایان آن، همگی بیانگر اهمیت و حتمیت استخلاف و حاکمیت جهانی کسانی است که خیر و صلاح بر بینش، گفتار و کردار آنها حاکم است.

ج) مراد از تمکین دین، فراگیر شدن دین و جامه عمل پوشیدن احکام و دستورات آن، در گستره جهانی است و در بیان صاحب مجمع البیان مراد از آن، همان «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» است که در آیه ۳۳ توبه مطرح شد.^۱

د) منظور از دین مورد رضای خدا همان اسلام است که در روز غدیر کامل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۲ یعنی اسلامی که تکلیف ادامه و بقای آن به وسیله همان کسی تعیین می‌شود که حکم بعثت و آغاز آن به دست او بود و جانشین رسول را همان کسی تعیین می‌کند که خود رسول را فرستاد.

ه) تعبیر «لِيُيَدِّدَهُمْ» بیانگر شدت فشار و ظلم مستکبران در دوران غیبت به مؤمنان است و نکره بودن «أَمْنًا» مفید برقراری امنیت مطلق و همه‌جانبه است، یعنی امنیت مادی، معنوی، شغلی و... .

و) هدف نهایی ظهور، حاکمیت توحید ناب و خالص است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» که در پرتو آن خیر و برکت مادی و معنوی همه را در بر می‌گیرد و بشر می‌تواند تا اعلیٰ علیین پر بکشد، البته جبر حاکم نمی‌شود؛ بنابراین فرمود: «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

۱. فضل طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹.

۲. مائده (۵)، ۳.

جزء نوزدهم

جزء نوزدهم قرآن با آیه ۲۱ سوره فرقان آغاز می‌شود و پس از عبور از سوره شعراء با آیه ۵۵ سوره نمل پایان می‌پذیرد.

برخی از موضوعات **سوره فرقان** در یک نگاه به شرح زیر است:

از شدت پشیمانی دو دست خود را گاز می‌گیرد (۲۷ تا ۲۹)، گلایه و شکایت رسول خدا (۳۰)، اجر رسالت (۵۷)، روز و شب برای چیست؟ و چه باید کرد؟ (۶۲)، ویژگی‌های بندگان شایسته الهی (۶۳ تا ۷۶)، اگر دعای شما نبود... (۷۷)،

سوره شعراء سوره‌ای مکی با ۲۲۷ آیه است که سرگذشت امت‌های پیشین را به امت اسلام یادآور می‌شود تا درس‌ها و عبرت‌های لازم را دریابند. برخی از عناوین این سوره را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

دلسوزی رسول خدا و تلاش در راه ایمان آوردن مردم (۳)، اگر با خدا هستی از هیچ چیز نگران نباش (۱۲ تا ۱۵)، فقط و فقط این کالا آنجا قیمت دارد و دگر هیچ (۸۹)، آرزوی بازگشت به دنیا (۱۰۲)، عاقبت تلخ همجنس‌بازان (۱۶۵ تا ۱۷۴)، شیطان با چه کسانی همنشین می‌شود (۲۲۱ و ۲۲۲).

۵۵ آیه از **سوره نمل** بخش پایانی این جزء را تشکیل می‌دهد و این موضوعات را می‌توان در آن بررسی کرد:

غفلت از آخرت زبانی بی‌مانند را برای انسان رقم می‌زند (۴ و ۵)، چرا با اینکه به حقانیتش یقین داشتند، او را نپذیرفتند؟! (۱۴)، راز و نیازی با نهایت تواضع (۱۹۹)، وقتی

خبری می‌شنویم باید... (۲۷)، چه رازی در این امتحان نهفته بود؟ (۳۵)، به راستی چه چیزی عامل هدایتش شد؟ (۴۴)، کلید رحمت (۴۶).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۵۹	شعراء	۴	ندای آسمانی
۶۰	=	۲۱	دلیل غیبت

آیه منتخب

ندای آسمانی

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^۱ اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! ﴿

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آیه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ»^۲ سؤال شد، امام فرمود: «با (تحقق) سه نشانه منتظر فرج باشید؛ اختلاف بین اهل شام، پرچم‌های سیاه از خراسان و صدای آسمانی در ماه مبارک رمضان». سپس فرمود: «آیا قول خداوند را در قرآن نشنیده اید «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ...» این نشانه ایست که دختران را از داخل (خانه) بیرون می‌کشد و خفته‌ها را بیدار و بیدارها را به وحشت می‌اندازد»^۳.

۱. شعراء (۲۶)، ۴.

۲. مریم (۱۹)، ۳۷؛ زخرف (۴۳)، ۶۵.

۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» فَقَالَ: «أَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثِ قَبِيلٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا هُنَّ فَقَالَ اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَالرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَالْفُرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَبِيلَ وَ مَا الْفُرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ أَوْ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» هِيَ آيَةٌ تُخْرِجُ الْفِتْنَةَ مِنْ خُدْرِهَا وَ تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تُفْرِغُ الْبِقِطَانَ» (ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۲۵۱، باب ۱۴، ح ۸).

امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: «به خدا قسم این (نداء آسمانی به اسم حضرت قائم) در قرآن روشن است: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ...»^۱.
همچنین فرمود: «برای حضرت قائم پنج نشانه وجود دارد: ظهور سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف در (منطقه) بیداء»^۲.

نکته‌ها

الف) هر حقیقتی، آیه و نشانه ای دارد؛ همه موجودات آیت وجود خدایند. معجزه، آیت و نشانه حقانیت صاحب آن و بندگی خدا نشانه هدایت و گناه نشانه گمراهی است.^۳ ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) نیز از این قاعده مستثنی نیست. آن هم پس از مدتی بسیار طولانی که از غیبت او می‌گذرد و صدها نفر در این زمان ادعای مهدویت داشته‌اند، به طور طبیعی اقتضای حکمت این است که خداوند حکیم برای این امر، نشانه‌هایی روشن قرار دهد. یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، ندای آسمانی است که در این آیه شریفه با توجه به روایات فراوان اشاره شده است.

ب) بر اساس روایات، این ندا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در همان سالی که قرار است ظهور محقق شود، به وسیله جبرئیل انجام می‌شود و همه مردم عالم، هر کس به زبان خود آن را می‌شنود.^۴

ج) زراره بن اعین به امام صادق (علیه السلام) می‌گوید: من در قضیه حضرت قائم در شگفتم، چگونه ممکن است با آن عجایب (معجزات) که دیده می‌شود، مانند خسف در

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... أَنِّي قَدْ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَبَيِّنٌ حَيْثُ يَقُولُ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»؛ (همان، ص ۲۶۰، ح ۱۹).

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: لَلْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ ظُهُورُ السُّفْيَانِيِّ وَالْإِمَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبِيدَاءِ»؛ (همان، ص ۲۵۲، ح ۹).

۳. «قَالَ الصَّادِقُ: مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ وَالطَّاعَةُ عَلَامَةُ الْهُدَايَةِ وَالْمَعْصِيَةُ عَلَامَةُ الضَّلَالَةِ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۱۵۸).

۴. رک: ابراهیم نعمانی، الغيبة، باب ۱۴.

بیداء و ندای آسمانی، کسی پیدا شود و با ایشان بجنگد؟! حضرت در پاسخ وی فرمود: «شیطان آنان را رها نمی‌کند تا اینکه ندا دهد ندایی شبیه به آن، با هدف ایجاد تردید»^۱.

د) یکی از موضوعات مهم در آخرالزمان، پیچیدگی تقابل حق و باطل در این دوران است؛ چرا که با پیشرفت علم و تکنولوژی و سوء استفاده دشمن از این ابزار، موضوع جابه‌جایی حق و باطل و ایجاد شک و تردید در حق، بسیار پیچیده شده است تا جایی که می‌توان گفت دشمن با ابزار فوق مدرن ندای آسمانی را شبیه‌سازی می‌کند و عده‌ای را در تشخیص حق به مشکل دچار می‌کند.

ه) وقتی مفضل بن عمر درباره همین موضوع یعنی مشکل تشخیص حق از باطل گریه می‌کند و راه چاره می‌جوید، امام صادق علیه السلام نگاهی به خورشید می‌اندازد و می‌فرماید: «به خدا قسم امر ما از این خورشید واضح تر است»^۲.

یعنی اگر مشکلی باشد، از خود ماست. ضعف معرفت، حب دنیا به ویژه ریاست طلبی، مال حرام و مانند این امور ممکن است ما را از امام خود جدا کند.

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَجِبْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ إِنِّي لَأَعْجَبُ مِنَ الْقَائِمِ كَيْفَ يُقَاتِلُ مَعَ مَا يَرُونَ مِنَ الْعَجَائِبِ مِنْ حَسْفِ الْبَيْدَاءِ بِالْجَيْشِ وَ مِنَ النَّدَاءِ الَّذِي يَكُونُ مِنَ السَّمَاءِ فَقَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمَ الْعَقَبَةِ»؛ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۵، باب ۱۴، ح ۲۹).

۲. «الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ... فَبَكَتُ ثُمَّ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! فَكَيْفَ نَصْنَعُ قَالَ فَتَنْظُرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (كنیه مفضل، ابا عبد الله بوده) تَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَ اللَّهُ لَأُفْرِنَا أُبَيِّنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ»؛ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، کتاب الحجّة، باب فی الغيبة، ح ۳).

جزء بیستم

جزء بیستم از اواسط سوره نمل یعنی از آیه ۵۶ آغاز می‌شود و پس از سوره قصص با رسیدن به آیه ۴۵ سوره عنکبوت پایان می‌پذیرد. برخی از موضوعات آیات پایانی سوره نمل عبارتند از:

نمک خوردن و نمکدان شکستن (۶۰ با بعد)، رجعت (۸۳)، با نفخ صور همه می‌میرند مگر کسی که... (۸۷)، چه کسانی از وحشت قیامت در امانند (۸۹).

سوره قصص با ۸۸ آیه از سوره‌های مکی است و با توجه به شباهت وضعیت مسلمانان در مکه به بنی اسرائیل که تحت ظلم فرعونیان قرار داشتند، برای دادن امید و درس عبرت به آنها در آغاز سوره، ماجرای فرعون و در پایان سوره ماجرای قارون را یادآور می‌شود، برخی از موضوعات این سوره به شرح زیر است:

سنت تخلف‌ناپذیر نجات مظلومان (۵)، نمونه‌ای از فرمان تکوینی خداوند متعال (۱۲)، این جمله را به خاطر داشته باشید (۲۱)، خوبی کن تا خوبی ببینی (۲۴)، چه با وقار و متانت راه می‌رود (۲۵)، آواره‌ای که عزیز و سربلند شد چون... (۲۸)، هوا پرستی نیز با خداپرستی سازگار نیست (۵۰)، یک صحنه و دو نوع دید و نگاه (۷۹) و (۸۰)، آخرت از آن کسانی است که... (۸۳)، آخرین پیام این سوره «وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

سوره عنکبوت نیز با ۶۹ آیه مکی است که ۴۵ آیه آغازین آن بخش پایانی جزء بیستم را رقم می‌زند و برخی از موضوعات آن را این چنین می‌توان یادآور شد: سنت امتحان (۲)، سفارش الهی درباره پدر و مادر (۸)، تو بیا گناهِش با من! (۱۲)،

جزء بیستم ۱۲۳

سفر با هدف مبدأ و معادشناسی (۲۰)، نسل و ذریه‌ای پاک، پاداش دنیوی صالحان (۲۷)، چه بی لیاقت! (۳۳)، چه زیاد است عبرت‌ها و کم است عبرت گیرنده! (۴۰).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۶۱	نمل	۶۲	مضطرّ عالم
۶۲	=	۸۲	رجعت
۶۳	=	۸۳	رجعت
۶۴	=	۹۳	رجعت
۶۵	قصص	۵	نجات مظلومان عالم و نابودی مستکبران
۶۶	=	۸۵	رجعت

آیه منتخب (۱)

مضطرّ

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید!

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان درباره آیه شریفه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ..» فرمود:

این آیه درباره حضرت قائم نازل شده است و جبرئیل بر روی ناودان (طلا) به صورت پرنده‌ای سفید است و اولین کسی است

که با حضرت بیعت می‌کند و سیصد و سیزده نفر (از اصحاب خاص) نیز بیعت می‌کنند.^۱

همچنین فرمود: «و او (حضرت قائم) همان مضطری است که خداوند می‌فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ..» (این آیه) درباره او و برای او نازل شده است».^۲

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

(این آیه) درباره قائم از آل محمد نازل شده است؛ به خدا قسم او مضطرب است، آنگاه که نزد مقام (حضرت ابراهیم) دو رکعت نماز گزارد و خدا را بخواند، پس او را اجابت نماید و سوء (گرفتاری و ظلم) را برطرف کند و خداوند او را خلیفه و جانشین خود بر زمین قرار می‌دهد.^۳

نکته‌ها

الف) گرچه خداوند دعای همه را- هر گاه شرایطش جمع باشد- اجابت می‌کند؛ ولی در این آیه مخصوصاً روی عنوان «مضطرب» تکیه شده است، به این دلیل که یکی از شرایط اجابت دعا آن است که انسان چشم از عالم اسباب بکلی برگیرد و تمام قلب و روحش را در اختیار خدا قرار دهد، همه چیز را از آن او بداند و حل هر مشکلی را به دست او ببیند، و این درک و دید در حال اضطراب دست می‌دهد. درست است که عالم، عالم اسباب است، و مؤمن نهایت تلاش و کوشش خود را

۱. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَ كَانَ جِبْرَائِيلُ (عليه السلام) عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضَ فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ اللَّهِ مُبَايَعَةً لَهُ أَعْنَى جِبْرَائِيلَ وَ يُبَايِعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثِمِائَةَ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ» (ابراهيم نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۴، ع ۶، باب ۲۰، ح ۶).

۲. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ فِيهِ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فِيهِ نَزَلَتْ وَ لَهُ» (همان، ص ۱۸۲، باب ۱۰، ح ۳۰).

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (علی قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۲۹).

در این زمینه به کار می‌گیرد؛ ولی هرگز در جهان اسباب گم نمی‌شود، همه را از برکت ذات پاک او می‌بیند، «دیده‌ای نافذ و سبب سوراخ کن دارد که اسباب را از بیخ و بن بر می‌کند» و در پشت حجاب اسباب ذات «مسبب الاسباب» را می‌بیند و همه چیز را از او می‌خواهد. آری، اگر انسان به این مرحله برسد، مهمترین شرط اجابت دعا را فراهم ساخته است.^۱

ب) قطعاً دعای امام زمان تمام شرایط اجابت را دارد؛ اما تا مردم به طور حقیقی خواهان این امر نباشند، خداوند اذن ظهور نخواهد داد چنانچه در روایت آمده است: «و اگر پیروان ما که خداوند آنان را برای پیرویش موفق سازد، از روی شناخت و صادقانه در وفای به عهدی که بر آن‌هاست متحد و یکدل می‌شدند، برکت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و در سعادت مشاهده (ظهور) ما شتاب می‌شد».^۲

ج) آنگاه که مردم با آگاهی از خسارت‌های جبران‌ناپذیر غیبت و ظلم و ستم مستکبران، مضطرانه خدا را خواندند و فرج را خواستار شدند، حجت و ولی خدا با حالت اضطرار دست به دعا بر می‌دارد و بر طرف شدن سوء (غیبت) را از درگاه ایزد منان می‌خواهد، آنگاه فرمان «قُمْ بِاِذْنِ اللَّهِ» صادر می‌شود.

د) بر خواص جامعه به ویژه حوزویان لازم است با تقویت و تعمیق شناخت مردم درباره امام و به تصویر کشیدن خسارت‌های مادی و معنوی غیبت حجت خدا، در راه تعجیل فرج قدم‌های بلندی بردارند تا هرچه زودتر تحقق وعده الهی را شاهد باشیم که «وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ».

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۰.

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا»: (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹).

آیه منتخب (۲)

رجعت

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۱ (به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم و آن ها را ننگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! ﴿

امام صادق (علیه السلام) از حماد پرسید: مردم (اهل سنت) در باره آیه «يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» چه می گویند؟ عرض کرد: می گویند این (حشر) در قیامت است. حضرت فرمود: اینگونه که می گویند نیست! این آیه درباره رجعت است (اگر آیه درباره قیامت باشد) آیا خداوند از هر امتی گروهی را محشور می نماید و بقیه را رها می کند؟! همانا آیه قیامت این آیه است «وَوَحْشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»^۲.

نکته ها

الف) یکی از مسلمات مذهب شیعه که اجماع بر آن اقامه شده است و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد،^۳ وقوع رجعت در آخرالزمان است؛ یعنی «همانا خداوند متعال، گروهی از اموات را به همان وضعیتی که بوده اند، باز می گرداند؛ پس به

۱. نمل (۲۷)، ۸۳.

۲. «عن حماد عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما يقول الناس في هذه الآية: «يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قلت: يقولون أنها في القيامة قال: ليس كما يقولون أنها في الرجعة، أ يحشر الله في القيامة من كل فوجا و يدع الباقيين؟ انما آية القيامة: «وَوَحْشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ (كهف (۱۸)، ۴۷؛ عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۰).

۳. رک: شیخ حر عاملی، ایقاظ الهمجه بالبرهان علی الرجعه.

عده‌ای از آن‌ها عزت می‌بخشد و عده‌ای دیگر را ذلیل می‌کند».^۱
ب) رجعت بارها در امت‌های گذشته اتفاق افتاده است^۲ و بر اساس روایت مشهور نبی مکرم اسلام ﷺ، هر آنچه که در امت‌های پیشین اتفاق افتاده در این امت هم واقع خواهد شد^۳ مگر اینکه دلیل معتبری بر استثناء آن رسیده باشد و درباره رجعت نه تنها دلیلی بر نفی آن وجود ندارد، بلکه دلایل متواتری بر اثبات آن موجود است.^۴
ج) یکی از آیاتی که به روشنی بر وقوع رجعت در امت اسلام دلالت دارد، آیه بالاست. برخی از شواهد این استدلال عبارت است از:

۱. «مِن» در آیه تبعیضیه است و دلالت بر حشر گروهی از هر امتی دارد که در این صورت نمی‌تواند به قیامت مربوط باشد.

۲. مراد از «آیات» که مورد تکذیب اینان قرار گرفته، عام است و تکذیب حجت‌های الهی از جمله اهل بیت (علیهم‌السلام) و همچنین کتاب‌های آسمانی از جمله قرآن را در برمی‌گیرد؛ بنابراین امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مراد از آیات، امیرالمؤمنین و ائمه هستند».^۵

۳. آیه قبل از این آیه، به «دابة الارض» مربوط است که بر اساس آنچه در تفاسیر و روایات آمده، از اشراف الساعه و نشانه‌های قیامت است و به قبل از قیامت مربوط می‌شود و در همین دنیا اتفاق می‌افتد. از سویی دیگر، در آیه ۸۷ از نفع صور، پایان یافتن دنیا، برپایی قیامت و حسابرسی اعمال سخن به میان می‌آید. طبعاً سیر

۱. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِّنَ الْأُمَمَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا فَيَعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا وَ يَذِلُّ فَرِيقًا» (شیخ مفید، *أوائل المقالات*، ص ۷۸).

۲. بقره (۲)، ۵۵ و ۵۶، ۷۳، ۲۴۳، ۲۵۹؛ مانده (۵)، ۱۱۰.

۳. «وَقَالَ النَّبِيُّ يُكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ حَذْوُ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ» (شیخ صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، ج ۱، ص ۲۰۳، باب فرض الصلاة، ح ۶۰۹؛ *مصنف عبد الرزاق*، ج ۱۱، ص ۳۶۹، باب سنن من كان قبلكم، ح ۲۰ ۷۶۳ به بعد).

۴. *اعلم يا أخي إنني لا أظنك ترتاب بعد ما...* (علامه مجلسی، *بحار*، ج ۵۳، ص ۱۲۲ به بعد).

۵. *علی قمی، تفسیر*، ج ۲، ص ۱۳۰.

منطقی آیات می‌طلبید که آیه ۸۳ به همین عالم مربوط باشد نه به قیامت.

۴. قرآن برای تبیین آیات در آیه ۴۴ سوره نحل ما را به بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارجاع می‌دهد و به حکم غدیر و حدیث ثقلین و ده‌ها حدیث دیگر، پس از ایشان اهل بیت بزرگوارشان این امر را برعهده دارند و در روایات بسیاری از امامان معصوم علیهم السلام به ارتباط این آیه با موضوع رجعت تصریح شده است.

د در این آیه شریفه، به رجعت تکذیب کنندگان اشاره می‌شود و در آیات دیگر^۱ و روایت‌های زیادی به رجعت خوبان نیز اشاره شده است؛ از جمله آیه «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۲ و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که امام فرمود:

حضرت قائم از پشت کوفه ۲۷ مرد را خارج می‌کند (به اذن الهی آنان را زنده می‌گرداند)، پانزده نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام کسانی که (قرآن می‌فرماید) «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» و هفت نفر از اهل کهف، یوشع بن نون (وصی حضرت موسی)، سلمان، ابادجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر؛ پس اینان در محضر امام از یاران و حاکمان خواهند بود.^۳

ه درباره فلسفه و حکمت رجعت، می‌توان امور زیر را برشمرد:

- تبیین حق با اقرار و اعتراف خودِ ظالمان؛

- مجازات سخت ظالمان و به تصویر کشیدن عاقبت ظلم و ستم تا راهی برای

۱. غافر (۴۵)، ۵۱.

۲. اعراف (۷)، ۱۵۹.

۳. «رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ يُخْرَجُ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةً مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يُوْسَعُ بْنُ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمُقَدَّادَ وَ مَالِكًا الْأَشْتَرَّ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا»؛ (شیخ مفید، *ارشاد*، ج ۲، ص ۳۸۶، فصل سیره الامام المهدي).

عینیت بخشیدن به عدالت باشد؛

- قدرت نمائی حق؛

- مدال عظیم یاری امام، برای منتظران واقعی؛

- شفای دل اهل ایمان؛^۱

- فراهم شدن زمینه رشد و تعالی و تقرب الی الله برای مؤمنانی که به دلیل ظلم

ظالمان، از دسترسی به معصوم محروم بوده‌اند.

(و) رسول خدا ﷺ راه دست‌یابی به چنین توفیق والایی را این چنین بیان کردند: «ای سلمان! تو و امثال تو و کسانی که از روی حقیقت شناخت ولایت آنان (جانشینانم) را داشته باشد، همه آنان را خواهید دید»^۲ یعنی در دوران رجعت، توفیق رجعت شامل حالتان خواهد شد و این حقیقت در بیان نورانی امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است: سلمان سه ویژگی داشت اول اینکه خواسته مولایش امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بر خواسته خود مقدم می‌داشت، دوم اینکه نیازمندان را دوست می‌داشت و آنان را بر ثروتمندان ترجیح می‌داد و سوم اینکه علم و عالمان را دوست می‌داشت.^۳

۱. «وَإِنْ أَدْرَكْتَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةٌ فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةٌ فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي»؛ (ای امام زمان) اگر پیش از ظهور شما مرگ مرا در بر گرفت، پس من به وسیله شما به خداوند سبحان متوسل می‌شوم که بر محمد و آلش درود بفرستد و رجعتی برای من در دوران ظهور شما و رجعتی در دوران شما (اهل بیت) قرار دهد، تا به خواسته‌ام در پیروی از شما دست یابم و دلم (با مجازات) دشمنان شفا یابد؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۹۵).

۲. «قَالَ يَا سَلْمَانَ إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَ أَمْثَالُكَ وَ مَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۲۵، ص ۷).

۳. «عَنْ مَنْصُورٍ بَرْجُحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ سَيِّدِي ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَقَالَ لَا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيَّ أَمْ تَدْرِي مَا كَثَرَتْ ذِكْرِي لَهُ قُلْتُ لَا قَالَ لِنِثْلَاتٍ خِلَالَ إِحْدَاهَا إِبْنَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَى هَوَى نَفْسِهِ وَ النَّانِيَةِ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعُدَدِ وَ النَّانِيَةِ حُبُّهُ لِلْعُلَمَاءِ»؛ (علامه مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۳۲۷).

بنابراین، با آراستن خود به این صفات برجسته می‌توان امید داشت تا در زمره رجعت‌کنندگان قرار گیریم.

پروردگارا! اگر مرگ را که برای بندگان یک امر حتمی قرار داده‌ای، میان من و آن حضرت جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون آور تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده و نیزه‌ام را به دست گرفته‌ام در میان آن‌ها که در شهر حاضرند یا آنان که کوچ می‌کنند، قرار گیرم و دعوت‌کننده آن حضرت را اجابت کنم.^۱

آیه منتخب (۳)

سنت زیبای نجات مستضعفان و نابودی مستکبران

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! ﴿

امام علی (علیه‌السلام) فرماید:

دنیا پس از چموشی — همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد — به ما روی می‌آورد. سپس آن حضرت این آیه را تلاوت کرد: «وَنُرِيدُ...»^۳

همچنین درباره این آیه شریفه فرمود:

۱. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای عهد. (همان، بحار، ج ۵۳، ص ۹۵).

۲. قصص (۲۸)، ۵.

۳. «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹).

اینان آل محمد علیهم السلام هستند که پس از مشقتی که (از سوی مستکبران) خواهند کشید، خداوند مهدیشان را می‌فرستد و آنان را عزت و دشمنانشان را ذلت و خواری می‌بخشد.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نگاه کردند، گریستند و فرمودند: شما پس از من مستضعف خواهید شد. مفضل می‌گوید: به امام عرض کردم معنای (رسول خدا از این سخن) چیست؟ فرمود: معنای سخن حضرت رسول صلی الله علیه و آله این است که شما پس از من امام هستید؛ خداوند می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ...» این آیه تا روز قیامت در ما جاری است (ائمه از ما خواهند بود).^۲

حکیمه خاتون می‌گوید:

وقتی حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمدند، ایشان را به نزد پدر بزرگوارشان آوردم. حضرت فرمود: فرزندم سخن بگو! آنگاه به قدرت الهی (عیسی‌گونه) لب به سخن گشود و گفت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...»^۳

۱. «عَنْ عَلِيٍّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَنُرِيدُ أَنْ...» قَالَ: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ بِيَعْتُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيُدِلُّ عُدُوَّهُمْ» (شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۸۴، فصل ۱، کلام علی الواقفه).

۲. «عن مفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ان رسول الله صلى الله عليه وآله نظر الى علي والحسن والحسين عليهم السلام فبكى وقال: أنتم المستضعفون بعدى. قال المفضل: فقلت له: ما معنى ذلك يا ابن رسول الله؟ قال قال: معناه انكم الائمة بعدى ان الله عز وجل يقول: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فهذه الآية جارية فينا الى يوم القيامة» (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰).

۳. همان، ص ۱۱۱.

نکته‌ها

الف) این آیه بیانگر سنت قطعی الهی براساس نجات مظلومان و نابودی ظالمان است که با تعبیر «وَأَنْ تُرِيدُ أَنْ..» که به اراده تکوینی او ناظر است، نهایت تأکید درباره قطعیت آن انجام شده است.

ب) مراد از «مَنْت»، عظیم و بزرگ بودن این نعمت است که در قرآن این تعبیر درباره نعمت‌های بزرگی چون توحید^۱، وحی و نبوت^۲، نجات از عذاب^۳ و رهایی مظلومان به کار رفته است. به عبارت دیگر، «أَنْ تَمُنَّ» یعنی «أَنْ تُنْعِمَ نِعْمَةً عَظِيمَةً».

ج) مراد از مستضعفان در این آیه، بندگان صالح خدا و جوانمردانی هستند که به جرم پایبندی به حق و ارزش‌های والای انسانی مورد ظلم فراعنه زمان خود واقع می‌شوند و در رأس این مستضعفان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بقیه اهل بیت (علیهم السلام) قرار دارند؛ زیرا حق مداران، فقط به حق و حفظ آن می‌اندیشند و در این راه، از مال و جان خود نیز می‌گذرند. چنانچه امیرالمؤمنین فرمود: «برای اینکه حق بماند، پس صبر نمودم در حالی که گویا خاری در چشم و استخوانی در گلو دارم»^۴.

طبعاً کسانی که به هیچ قانون و عهد و پیمانی پایبند نیستند و به چیزی جز حفظ مقام و موقعیت خود نمی‌اندیشند، در ظاهر به پیش می‌روند و قدرت را در دست می‌گیرند؛ اما خاتم اوصیاء، بقیه الله الاعظم (علیهم السلام)، از سوی خداوند مأموریت می‌یابد تا با پایان یافتن مهلت ظالمان، برخورد جهانی و فراگیر با آنان داشته باشد و ریشه آن‌ها را بشکند: «فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۵.

۱. «تَبَّ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ» (حجرات (۴۹)، (۱۷)).

۲. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا...» (آل عمران (۳)، ۱۶۴؛ نساء (۵)، ۹۴؛ ابراهیم (۱۴)، (۱۱)).

۳. «فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ قَانَا عَذَابَ السَّمُومِ» (طور (۵۲)، ۲۷؛ قصص (۲۸)، (۸۲)).

۴. «فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

۵. انعام (۶)، ۴۵. بحث آن در آیه مربوط به جزء هفتم گذشت.

جزء بیستم ۱۳۳

۵) در دوران غیبت، باید پایبندی خود را به حق در عمل ثابت کنیم و تحت هیچ شرایطی از راه حق یعنی صداقت و امانت داری، عفت و پاکدامنی، رحم و مروت، به دست آوردن روزی حلال و یاری دین خارج نشویم، هر چند لازم شود در این راه هزینه پردازیم و چه بسا از حق مسلم خود محروم شویم.

آنچه که مهم است این که ما به این عالم آمده‌ایم تا عبودیت و بندگی خود را در عمل ثابت کنیم و باید بدانیم که استقامت بر حق زیباترین بندگی است، افزون بر آن قطعاً سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است، همانطور که در روایت آمده است: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»^۱

۱. «قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين» (اعراف (۷)، ۱۲۸).

جزء بیست و یکم

جزء بیست و یکم با آیه ۴۶ سوره عنکبوت، آغاز می‌شود و با گذر از سوره های روم، لقمان، سجده با آیه سی‌ام از این سوره به پایان می‌رسد، از موضوعات دیگر **سوره عنکبوت عبارت است از:**

معیار انتخاب محل زندگی (۵۶)، هر جانی آن را خواهد چشید (۵۷)، اگر واقعاً بخواهی راه را نشانت می‌دهند (۶۹).

سوره روم با شصت آیه از سوره‌های مکی است که موضوعات مهمی را در بر دارد؛ از جمله:

یک پیشگویی که درست به موقع به وقوع پیوست (۲ تا ۵)، گناه، گناه می‌آورد تا آنجا که... (۱۰)، حق خویشان، درماندگان و ماندگان در راه را بپردازید (۳۸)، ربا یا زکات و انفاق؟! آثار بد گناه در دریا و خشکی (۴۱)، دریاب پیش از آنکه دیر شود (۴۳)، از سوی او رحمت از سوی ما...؟! (۴۶)، وعده یاری مؤمنان (۴۷).

سوره لقمان نیز با ۳۴ آیه از سوره‌های مکی است و سفارش‌های حکیمانه لقمان به فرزندش را یادآور می‌شود.

ستونی نامرئی (۱۰)، ارزش پدر و مادر نزد حق تعالی «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (۱۴)، هیچ چیز از نظرش دور نمی‌ماند پس مواظب کارهایت باش (۱۶)، فرزند عزیزم این چنین باش! (۱۷ تا ۱۹)، چقدر درباره خودت اندیشیده‌ای؟! (۲۰)، ریسمان محکم نجات (۲۲)، اگر تمام درختان مداد و تمام دریاها مرکب شوند... (۲۷).

جزء بیست و یکم ۱۳۵

سوره سجده یا همان سوره «الم تنزیل» در ترتیب چینش سوره‌های قرآنی، اولین سوره از سوره‌های سجده‌دار است و با خواندن یا شنیدن آیه پانزدهم آن، سجده واجب می‌شود و این سوره را نمی‌توان در نماز خواند. سوره سجده سی آیه دارد و از جمله سوره‌های مکی است. برخی از موضوعات آن به شرح زیر است:

آیا از دست ملک الموت هم می‌توان گریخت (۱۱)، چه دیر فهمیدند! (۱۳)، پاداش بزرگ نماز شب (۱۵ به بعد)، از آنان روی بگردان تا... (۳۰).

سوره احزاب با ۷۳ آیه مدنی است و یادآور یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام است، برای تلاوت و آموزش این سوره به خانواده فضیلت بزرگی بیان شده است، نمونه‌ای از موضوعات آن عبارت است از:

بایدها و نبایدها در اطاعت (۱)، فرزند خوانده احکام فرزند را ندارد (۴)، بهشت را به بها دهند نه به بهانه (۷ و ۸)، زلزله اعتقادی (۱۱)، غربالی برای تشخیص مؤمنان از منافقان (۱۲ و ۱۳)، یک صحنه و دو نگاه (آیه ۱۲ و ۲۲)، آفرین بر سبک بالان عاشق (۲۳).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۶۷	لقمان	۲۰	امام غایب <small>علیه السلام</small>
۶۸	سجده	۲۱	ظهور امام و انتقام از ظالمان
۶۹	=	۳۰	=

آیه منتخب

نعمت پنهان

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ

عَلَيْكُمْ نِعْمَةٌ ظَاهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ؛^۱ آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند! ﴿

راوی از امام کاظم (علیه السلام) درباره این آیه پرسید، حضرت فرمود: نعمت آشکار، امام آشکار است و نعمت پنهان، امام غایب است. راوی در ادامه پرسید: مگر کسی از ائمه غایب خواهد شد؟ حضرت فرمود: بله، شخص او از چشمان مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود. او دوازدهمین از ماست و خداوند هر سختی را برای او آسان و هر دشواری را برایش رام و گنج‌های زمین را برایش آشکار و هر دوری را نزدیک و هر گردنکشی را به دستش نابود می‌گرداند. او فرزند سرور کنیزان است که ولادتش بر مردم مخفی می‌ماند و ذکر نام او (محمّد) برایشان جایز نیست تا اینکه خداوند او را آشکار کند و زمین را پر از عدل و داد نماید آنگونه که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

۱. لقمان (۳۱)، ۲۰.

۲. «عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدَ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» فَقَالَ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَ يَكُونُ فِي الْأَيَّامِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَنْصَارِ النَّاسِ شَخْصَةٌ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَ هُوَ النَّاسِيُّ عَشْرَ مَنَّا يُسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يُدَلَّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَلِكَ إِبْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتْهُ وَ لَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ (شيخ صدوق، كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۳۴، ح ۶).

امام باقر علیه السلام فرمود:

نعمت آشکار، رسول خدا و معارف توحیدی است که آورد و نعمت باطنه، ولایت و مودت ما اهل بیت علیهم السلام است که عده‌ای آن نعمت آشکار را معتقد شدند؛ ولی نعمت پنهان را از دست دادند و خداوند این آیه را نازل کرد: «ای فرستاده (خدا)! آن‌ها که در راه کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آن‌ها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نساژند!»^۱ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام نزول این آیه خوشحال شد؛ زیرا خداوند ایمانشان را جز با ولایت و محبت ما نمی‌پذیرد.^۲

نکته‌ها

الف) این آیه از دسته آیاتی است که ما را به تفکر و تعقل دعوت می‌نماید، آن هم در موضوع حیاتی و مهمی مثل خودشناسی که اساس همه معرفت هاست.^۳

ب) نوع دید و نگاه دین اسلام به انسان بسیار دارای اهمیت است. می‌فرماید: آیا در این موضوع اندیشیده‌ای که خداوند همه آنچه که در آسمان‌ها و زمین است را برای تو مستخر و رام کرده است؟! یعنی ای انسان! اگر تمام عالم در اختیار تو قرار داده شده است، آیا هیچ فکر کرده‌ای که تو برای چه آفریده شده‌ای؟!

۱. «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ»؛ (مائده (۵)، ۴۱).

۲. «عَنْ شَرِيكِ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» قَالَ أَمَّا النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهِيَ النَّبِيُّ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَوْحِيدِهِ وَ أَمَّا النُّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَوَلَايَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا فَاعْتَقِدْ وَ اللَّهُ قَوْمٌ هَذِهِ النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ وَ الْبَاطِنَةُ وَ اعْتَقِدْهَا قَوْمٌ ظَاهِرَةٌ وَ لَمْ يَعْتَقِدُوا بَاطِنَةً فَأَنْزَلَ اللَّهُ «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ» فَفَرِحَ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ نَزْوْلِهَا إِذْ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيْمَانَهُمْ إِلَّا بِعَقْدِ وَلَايَتِنَا وَ مَحَبَّتِنَا»؛ (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۱۲).

۳. رک: علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۶۳، ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده.

ج) امام، نعمت است،^۱ آن هم اساس و رأس همه نعمت‌ها که اگر کسی این نعمت را نشناسد، همه نعمت‌ها را از دست داده است؛ چرا که انسانیت ما و دست‌یابی به اهداف خلقتمان، در گرو بهره‌مندی از این نعمت عظمای الهی است. به همین دلیل شیعه و اهل سنت از حضرت رسول روایت کرده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

آری، جز در پرتو قافله‌سالاری امام معصوم هرگز نمی‌توان در طی راه کمال و سیر الی الله موفق بود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ» و «يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ».

د) انسان، در پرتو خودشناسی به جایی می‌رسد که در راه کمال و سعادت، نیاز به وجود امام و اطاعت از ایشان را از وجود آب و هوا و نور خورشید ضروری‌تر و لازم‌تر می‌بیند و به تعبیر مرحوم کلینی، اضطرار به حجت پیدا می‌کند.^۲

اما با کمال تأسف، «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» انسان‌ها کمتر به خود زحمتِ تفکر و تعقل را می‌دهند و بدون توجه به فطرت خداجوی و عقل و دانش خدادادیشان و غفلت از آموزه‌های وحیانی و رهنمودهای حجت‌های الهی، بی‌دلیل از راه حق روی بر می‌تابند و دنباله‌رو باطل می‌شوند.

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به روایات وارده شده در شرح آیات: انفال(۸)، ۵۳؛ صافات(۳۷)، ۲۴؛ تکوین(۱۰۲)، ۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶۸، ابتدای کتاب الحجة.

جزء بیست و دوم

جزء بیست و دوم با آیه ۳۱ سوره احزاب آغاز می‌شود و پس از پشت سر گذاشتن سوره های سبأ و فاطر با آیه ۲۷ سوره یس پایان می‌یابد. برخی از موضوعات دیگر **سوره احزاب** عبارت است از:

مقام والای عصمت اهل بیت (علیهم‌السلام) (۳۳)، مرد و زن دوشادوش هم در راه کمال و بندگی (۳۵)، آنجا که خدا و رسولش حکمی کنند دیگر کسی حق مخالفت ندارد (۳۶)، مأموریتی سنگین برای از بین بردن یک رسم جاهلی (۳۷)، سفارش‌هایی جالب و شنیدنی (۵۳)، خدا و فرشتگان چنین می‌کنند؛ شما هم... (۵۶)، کسانی که خدا و رسولش را بیازارند... (۵۷)، حجاب و فلسفه آن (۵۹)، آیا اینگونه هستیم؟ «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (۷۰).

سوره سبأ با ۵۴ آیه از سوره‌های مکی است و آیات آن، دور محور توحید، معاد، وحی و نبوت می‌باشد، بخشی از موضوعات آن را می‌توان این چنین برشمرد: بعید شمردن معاد و پاسخ قرآن (۷ به بعد)، چه شد که سیل ویرانگر آمد و همه چیز را... (۱۵ تا ۱۷)، شفاعت حساب و کتاب دارد (۲۳)، چگونه می‌توان به مقام والای قرب الهی دست یافت (۳۷)، من ضمانت می‌کنم (۳۹)، اگر چیزی خواستم برای خودتان بود (۴۷).

سوره فاطر که نام دیگر آن ملائکه است با ۴۵ آیه از جمله سوره‌های مکی است که می‌توان به این عناوین از موضوعات گوناگون در این سوره اشاره کرد:

چه گریز زیبایی! (۹)، گم شده‌ات فقط و فقط پیش اوست (۱۰)، مهم این است که تو هنرمند و شناگر خوبی باشی (۱۲)، اگر این را می فهمیدیم دیگر غمی نبود (۱۵)، صحنه‌ای که هیچ کس به دادت نمی‌رسد، حتی نزدیک‌ترین بستگان (۱۸)، عالم کیست؟ (۲۸)، تجارتی سودمند که هرگز خسارتی در آن نیست (۲۹ و ۳۰)، جزء کدام یک از این سه دسته‌ای؟ (۳۲)، خوب گوش کن چه فریادی می‌شنوی! (۳۷)، از ادعا تا واقعیت (۴۲).

سوره یس یا همان قلب قرآن با ۸۳ آیه از سوره‌های مکی است و اکنون برخی از موضوعاتش را به نظاره می‌نشینیم:

کسی که خودش بخواند، می‌تواند از وحی و نبوت بهره ببرد و الا... (۱ تا ۱۱)، او که بود؟ و چه گفت؟ (۲۰)، ...

برخی از آیات مهدویت در این جزء

موضوع	آیه	سوره	ردیف
نشانه‌های ظهور، خسف	۵۱	سبأ	۷۰
خالی نبودن زمین از حجت الهی	۴۱	فاطر	۷۱

آیه منتخب

قرار آسمان و زمین

﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾^۱ خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند و هر گاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آن‌ها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! ﴿

۱. فاطر (۳۵)، ۴۱.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

ما حجت‌های خدا در میان خلقتش و جانشینانش در بین بندگانش و امناء او بر سرش هستیم و ما حقیقت تقوا و ریسمان محکم و شاهدان خدا و ستون‌های (دینش) در بین مخلوقاتش هستیم. خداوند به وسیله ما آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد و به وسیله ما باران نازل و رحمت منتشر می‌شود و زمین از قائمی از ما، چه آشکار و چه ترسان (غایب)، خالی نخواهد بود و اگر روزی از حجت خالی شود، با ساکنانش مضطرب (نابود) خواهد شد؛ همان‌طور که دریا اهلش را مضطرب می‌کند.^۱

نکته‌ها

(الف) حکمت خداوند متعال در عالم ماده بر حاکمیت نظام اسباب و مسببات تعلق

گرفته است؛ بنابراین، امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند امتناع نموده از اینکه امور را جاری کند مگر به وسیله اسباب، پس برای هر چیزی سببی قرار داد... کسی که این سبب (و واسطه) را بشناسد، خدا را شناخته و کسی که به آن جاهل باشد، (در واقع) جاهل به خداست. آن سبب، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما (اهل بیت) هستیم.^۲

همان‌طور که در هر خانه، واسطه رساندن مایحتاج اهل آن، پدر خانه است، مشیت

۱. «قَالَ الرَّضَا علیه السلام: نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ بِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثُ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِمَّنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافِرٍ وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بَعِيرٌ حُجَّةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ» (شیخ صدوقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۰۲، باب ۲۱، ح ۶).

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: أَيْبَى اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَ جَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ أَبًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَ جَعَلَ مَنْ جَعَلَهُ مَنْ جَعَلَهُ ذَاكَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ نَحْنُ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، کتاب الحجّة، باب معرفة الامام، ح ۷).

خداوند بر این تعلق گرفته است که فیض او در خانه عالم دنیا به وسیله این واسطه افاضه شود.

ب) از سوی دیگر، چون عالم ماده در نهایت محدودیت و ضعف است و خداوند بی اندازه و در نهایت علو و رفعت است، چاره‌ای جز واسطه نیست. از همین رو فرمود: «بگو: حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته‌ای را به عنوان رسول بر آنها می فرستادیم!»^۱

همانطور که به دلیل قدرت زیاد نیروگاه برق و محدودیت وسایل برقی، واسطه‌ای به نام ترانس قرار داده می شود.

ویژگی واسطه بین زمین و آسمان و خالق و مخلوق، این است که از سویی در نهایت عظمت و کمال است و کامل ترین و مقرب ترین موجود نسبت به خداوند است؛ بنابراین می تواند به طور مستقیم کسب فیض نماید و از سوی دیگر، چون مخلوق و محدود است، می تواند با مخلوقات دیگر ارتباط برقرار کند.

ج) هم اکنون واسطه فیض الهی حضرت مهدی علیه السلام است و منتظرانش در فراق او این چنین زمزمه می کنند: «أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^۲.

۱. «قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يُمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا»؛ (اسراء) (۱۱۷)، ۹۵؛
رک: علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۵.
۲. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

جزء بیست و سوم

جزء بیست و سوم با آیه ۲۸ سوره یس آغاز می‌شود، سوره‌های صافات و ص را در بر می‌گیرد و با آیه ۳۱ زمر به پایان می‌رسد. ادامه موضوعات **سوره یس** عبارتند از:

بخورید نوش جانتان، اما... (۳۵)، هر کدام در مدار خود شناورند (۴۰)، همان صحنه‌ای که اشک امام سجاد (علیه السلام) را جاری کرده است (۵۱ به بعد)، امان از آن وقتی که ندا بیاید: مجرمان جدا شوید (۵۹)، انسان یا زنده است یا کافر (۷۰).

سوره صافات با ۱۸۲ از سوره‌های آیه مکی است و بخش مهمی از آن به تاریخ انبیا اختصاص دارد، نمونه‌ای از موضوعات آن به شرح زیر است:
ای وای بر ما! این همان روزی است که آن را قبول نداشتیم (۲۰)، اگر می‌خواهید کاری کنید، برای چنین چیزی به پا خیزید (۶۱)، تو هم می‌توانی چنین باشی (۸۰)، برای خدا چه آماده کرده‌ای؟ (۸۴)، تدبیرشان چه بود و چه شد؟ (۹۸)، عجیب‌تر از پدر، پسر را ببین! (۱۰۲)، اگر حاجی به اینجا برسد، چه می‌شود؟ (۱۰۵)، اگر به تسبیح الهی نمی‌پرداخت تا قیامت در شکم ماهی زندانی می‌شد! (۱۴۳ به بعد).

سوره ص با ۸۸ آیه از جمله سوره‌های مکی است و شباهت زیادی با سوره صافات دارد. خداوند در سوره به موضوعات زیر می‌پردازد:

شگفتا این چنین با باطل خو گرفته‌اند! (۵)، پیام مهم این ماجرا که هر روز با آن مواجهیم (۲۱ به بعد)، مسئولین درس بگیرند (۴۰)، چه خوب بنده ای بود (۴۴)، «لا

مَرْحَبًا بِهِمْ» (۵۹)، خودپسندی او را زمین زد! (۷۶).

سوره زمر با ۷۵ آیه مکی است و دور محور اعتقادات می‌چرخد، نمونه‌ای از موضوعات آن عبارت است از:

عبادت غیر خدا به هر انگیزه‌ای که باشد، باطل است (۳)، عجب کم ظرفیتیم، زود خود را گم می‌کنیم (۸)، مراد از علم (۹۹)، این کاخ‌های چند طبقه از آن کیست؟ (۲۰).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۷۲	ص	۱۷	به «قدرت مطلق امام مهدی» تأویل شده است

آیه منتخب

دلیل غیبت حجت خدا

﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾؛ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند!

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

یک روایت را بفهمی، بهتر است از ده روایت که (نفهمی) و نقل کنی. برای هر حقی حقیقتی است و برای هر راه درستی نوری است و ما فردی از پیروان خود را فقیه (دین‌شناس) محسوب نمی‌کنیم تا اینکه (اگر حدیثی از باب توریه و تقیه و امثال آن) اشتباه برای او گفته شود، اشتباه را بفهمد. همانا امیرالمؤمنین بر

منبر کوفه فرمود: «در پیش روی شما فتنه‌های تاریک، کور و گرفته ایست که فقط «نومه» از آن نجات می‌یابند. پرسیدند: «نومه» چه کسانی هستند؟ فرمود: کسی که مردم را می‌شناسد؛ ولی مردم او را نمی‌شناسند و بدانید همانا زمین از حجتِ خدای بزرگ خالی نمی‌ماند ولی خداوند به سبب ظلم و ستم مردم و گناهانشان، او را از دیدگان پنهان می‌دارد و اگر لحظه‌ای زمین از حجت خدا خالی بماند، اهلش را فرو خواهد برد. حجت خدا مردم را می‌شناسد؛ ولی مردم او را نمی‌شناسند مانند حضرت یوسف که مردم را می‌شناخت ولی آنان او را نمی‌شناختند، سپس این آیه را تلاوت کردند: «یا حَسْرَةً عَلَيَّ الْعِبَادِ...»^۱.

نکته‌ها

الف) از اساسی‌ترین دلایل غیبت حجت خدا، قدرناشناسی مردم است و بقیه موارد هم به همین دلیل باز می‌گردد؛ زیرا اگر مردم قدر اهل بیت (علیهم‌السلام) را دانسته بودند و راه غدیر را در پیش می‌گرفتند دیگر بنی امیه و بنی عباس و مانند آنان به قدرت نمی‌رسیدند تا خوف قتل اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان باشد و یکی پس از دیگری شهید شوند و برای حفظ جان آخرین ذخیره الهی راهی جز غیبت نماند!

بنابراین فرمود: «این، به دلیل آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آن‌ها (با قدرناشناسی و کفران نعمت) خودشان را تغییر

۱. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ خَيْرُ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِ تَرْوِيهِ إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ لِكُلِّ صَوَابٍ نُورًا ثُمَّ قَالَ إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا فَتِيهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ إِنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ عَلِيُّ مَنبَرِ الْكُوفَةِ إِنْ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةٌ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النَّوْمَةُ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا النَّوْمَةُ قَالَ الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَبَّعِي خَلَقَهُ عَنْهَا بَطْلَمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ثُمَّ تَلَا يَا حَسْرَةً عَلَيَّ الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۱۴۱، باب ۱۰، ح ۲).

دهند»^۱.

ب) قدر حجت الهی را ندانستن و پیروی نکردن از وی، چیزی جز ندامت، برایمان نخواهد داشت: «یا حَسْرَةً عَلَی الْعِبَادِ».

ج) تنها راه پایان یافتن غیبت، این است که بفهمیم «بَقِیَّتُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ» و با امام خود، عهد و عقد و بیعتی ببندیم که با مال و جانمان از او حمایت نماییم.

د) از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به این حقیقت، این است که با اندیشیدن در خسارت‌های مادی و معنوی که امت اسلام و همچنین امت‌های دیگر، در اثر قدرناشناسی حجت‌های الهی تحمل کردند، بر بصیرت خود بیافزاییم تا بی‌قرار امام زمانمان شویم و راه را برای ظهورش هموار کنیم.

۱. «ذَلِكُ بِأَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا بِعَمَلِ آئِمَّتِهِمْ عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (انفال (۸)، ۵۳).

جزء بیست و چهارم

جزء بیست و چهارم با آیه ۳۲ سوره زمر آغاز می‌گردد، پس از سوره غافر به سوره فصلت می‌رسد و با رسیدن به آیه ۴۶ از این سوره، پایان می‌یابد. برخی از موضوعات **سوره زمر** به شرح زیر است:

ریشه نگرانی‌ها و ترس‌های بی‌جای ما چیست؟ (۲۶)، یک هشدار برای آنان که هرچه دلشان بخواهد، انجام می‌دهند! (۳۹)، وه! این چه عذابی است که حاضر می‌شوند تمام دارایی خود را بدهند تا... اما... (۴۷)، چکاب خود با این آیه (۴۹)، این درگه ما درگه نومیدی نیست، صد بار اگر... (۵۳)، روسیاهان! (۶۰)، با دمیده شدن در صور همه جان می‌دهند مگر... (۶۸)، چه زیبا و دیدنی است (۶۹).

سوره مبارکه غافر که نام دیگر آن مؤمن است، با ۸۵ آیه از جمله سوره‌های مکی و جزء سوره هفتگانه حوامیم^۱ است، برخی از موضوعات آن عبارت است از: ارحم الراحمین در جایگاه رحمت و اشد المعاقبین در جایگاه عذاب (۳)، فرشتگان نیز برایتان طلب رحمت می‌کنند (۷)، «یَوْمَ التَّلَاقِ» (۱۵)، آمدن موعود و منجی و ابتلاء و امتحان مؤمنان (۲۳ به بعد)، و این چنین دجالان حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند! (۲۶)، مؤمن آل فرعون و تقیه (۲۸)، امان از چنین روزی «یَوْمَ التَّنَادِ» (۳۲)،

۱. «حوامیم» به سوره‌هایی گفته می‌شود که با «حم» آغاز می‌گردد و به ترتیب سوره‌های زیر را در برمی‌گیرد: غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه، احقاف.

۱۴۸ سیمای ماه دوازدهم

روزی که شاهدان به پا خیزند (۵۰)، با چنین پروردگاری برخورد ببالید (۶۴)، شنیدنش لرزه به تن انسان می‌اندازد تا چه رسد به... (۷۱)، آیا داستان همه انبیاء در قرآن آمده است؟ (۷۸).

سوره فصلت و به عبارت دیگر سوره «حم سجده» دومین سوره سجده‌دار قرآنی با ۵۴ آیه است و از جمله سوره‌های حوامیم به شمار می‌رود، از موضوعات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

چرا علیه خودمان گواهی می‌دهید؟ (۲۱)، اگر این چنین باشید، فرشتگان بر شما نازل می‌شوند (۳۰)، نیکوترین گفتار (۳۳). آنچه که دشمنی را تبدیل به دوستی می‌کند (۳۴)، در رویارویی با وسوسه‌های شیطان چه کنیم؟ (۳۶)، هر چه می‌خواهید انجام دهید؛ اما بدانید او به همه کارهایتان بیناست (۴۰)، یک نسخه با دو ویژگی کاملاً متفاوت (۴۴).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۷۳	زمر	۶۹	عالم پس از ظهور
۷۴	غافر	۱۱	رجعت
۷۵	=	۵۱	رجعت

آیه منتخب

وضعیت جهان پس از ظهور و حدیثی شکفت انگیز

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾^۱ و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش

۱. زمر (۳۹)، ۶۹. توضیح آن در آیه منتخب از جزء ۲۴ خواهد آمد.

روشن می‌شود.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد، مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند، شب و روز یکی می‌شود، تاریکی از میان می‌رود، انسان هزار سال عمر می‌کند، هر سال برای او فرزند پسری به دنیا می‌آید... به فرزندش لباس می‌پوشاند، پس هر چه او بزرگ می‌شود، لباس هم بزرگ می‌شود و به هر رنگی که بخواهد در می‌آید.^۱

نکته‌ها

الف) بسیاری از آیات قرآن به قیامت ناظر است؛ اما با وجود این، بر اساس روایات به ظهور و رجعت نیز ناظر می‌باشد. سرّ آن را مرحوم علامه طباطبایی در المیزان تبیین کرده است: ظهور، رجعت و قیامت از یک جهت با هم وجه اشتراک دارند و از جهت دیگر با هم متفاوتند: اشتراک آن‌ها در تجلی و ظهور و غلبه حق و آشکار شدن واقعیت‌ها است و اما در شدت و ضعف این ظهور و بروز حق، با هم متفاوت هستند. تجلی حق در رجعت، بیش از ظهور است و در قیامت به اوج خود می‌رسد.^۲

ب) امام جلوه نور خدا و مظهر کامل اسماء و صفات حسنی اوست؛ بنابراین در آیه نور می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...»^۳ در منابع زیادی آمده است که مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرسید: مراد از این خانه‌ها چیست؟ (خانه چه کسی است؟) حضرت فرمود: خانه پیامبران. ابابکر (با اشاره

۱. «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ صَارَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَاحِدًا، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ، وَ عَاشَرَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ الْفَسَادَ، يُولَدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ... يَكْسُوهُ التَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كَلِمًا طَالًا، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَى لَوْنٍ شَاءَ»؛ (محمد طبری، دلائل الامامة، ص ۴۵۴، ح ۴۳۳. نزدیک به این مضمون در منابع بسیاری آمده است؛ از جمله شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۶۸، فصل ۸).

۲. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶ تا ۱۱۰ در شرح آیه ۲۱۰ از سوره بقره.

۳. نور (۲۴)، ۳۵ و ۳۶.

به خانه حضرت علی) پرسید: این خانه نیز از همان خانه‌هاست؟ فرمود: بله! بلکه از برترین آن‌هاست.^۱

اکنون می‌توان سرّ آغاز دعای عهد را با جمله «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ... أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ» دریافت.

ج با ظهور حضرت مهدی عج و حاکمیت تمام عیار توحید بر سراسر عالم، قطعاً وضعیت عالم دگرگون خواهد شد، آن‌چنان که شاید امروز نتوانیم به درستی آن را درک کنیم. قرآن می‌فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم».^۲

مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) در این باره می‌فرماید:

... آن وقت است که استعدادهای انسان ظهور خواهد کرد. هنوز این دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در برابر استعدادهایی که خدا در وجود بشر گذاشته، صفر است. من، شاید یک وقتی گفته باشم و شما شنیده باشید. دانشمندانی که در این رشته‌های علمی متخصصند و با همین واقعیت‌های واقعی و علمی سر و کار دارند، این نظریه را داده‌اند و این واقعیت را کشف کرده‌اند که در وجود انسان، [توان‌هایی است که هنوز استفاده نشده است]. اگر بشر بتواند پنجاه درصد از استعداد تمرکز را مورد استفاده قرار دهد، تمام این وسائل ارتباطی که در دنیا هست، بیکار و بیهوده می‌شود! ... اما اگر آن پنجاه درصد از نیروی تمرکزی که در شما است، به کار بیافتد، می‌توانید با آن طرف دنیا، بدون این ارتباطات

۱. «عن أنس بن مالك، و عن بریده، قال: قرأ رسول الله: في بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والآصال فقام إليه رجل، فقال: أي بيوت هذه، يا رسول الله؟ قال: «بيوت الأنبياء». فقام إليه أبو بكر، فقال: يا رسول الله، هذا البيت منها؟ وأشار إلى بيت علي وفاطمة: قال: «نعم، من أفضلها» (سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۷۶).

۲. اعراف (۷)، ۹۶.

جزء بیست و چهارم ۱۵۱

تماس بگیرید و با هر کسی که می‌خواهید، در آن سوی کره زمین حرف بزنید، فکرتان را بگویید، فکر او را تحویل بگیرید! این، نیروی انسان است! ما، این نیروها را کشف نکرده‌ایم! از این قبیل نیروها در وجود بشر زیاد است: «وَفِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ» این عالم اکبر، آن روز باید بروز پیدا کند، و روز ظهورش، آن وقت است...^۱

(۵) آری، در دوران غیبت نیز به میزانی که ایمان قوی‌تر و عمل صالح و خالصانه‌تری داشته باشیم، خانه و جامعه ما را خیر و برکت و رحمت بیشتری در بر خواهد گرفت.

۱. فصل نامه علمی - ترویجی انتظارموعود، شماره ۸، ص ۵.

جزء بیست و پنجم

جزء بیست و پنجم با آیات پایانی سوره فصلت؛ یعنی از آیه ۴۷ این سوره آغاز می‌شود، سپس سوره‌های شوری، زخرف، دخان و جائیه را در بر می‌گیرد. ادامه موضوعات **سوره فصلت** عبارت است از:

کم ظرفیت، ناسپاس و خوش خیال؟! (۵۰)، آیات درونی و بیرونی برای پی بردن به حق (۵۳).

سوره شوری از سوره‌های مکی است و ۵۳ آیه دارد. برخی از موضوعات این سوره به شرح زیر است:

وحی از سوی مالک آسمان‌ها و زمین، ضرورت عالم خلقت (۲ و ۳)، استقامت و پایداری بر حق (۱۵)، خودت انتخاب کن اما در عاقبتش بیاندیش (۲۰)، در باغ‌های بهشت با هرچه که بخواهی خوش و خرم باش ای فرمانبردار حق! (۲۲)، اجر رسالت (۲۳)، چرا همه دعاهایمان مستجاب نمی‌شود؟! (۲۷)، ریشه و سرچشمه گرفتاری‌ها در زندگی (۳۰)، این آیه را با خطی خوانا به صورت تابلویی زیبا در خانه خود بیاویزیم (۳۶)، «اسْتَجِیْبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ...» (۴۷).

سوره زخرف با ۸۹ آیه از سوره‌های مکی است و از جمله سوره‌های حوامیم به شمار می‌آید، برخی از موضوعات آن عبارت است از:

به خاطر یک بی‌نماز در مسجد را نمی‌بندند (۵)، از سرنوشت گذشتگان، چراغی برای انتخاب راه آینده خود بسازیم (۷ به بعد)، پیوند بهار و معاد در سراسر قرآن (۱۱)،

جزء بیست و پنجم ۱۵۳

آداب سفر (۱۳)، اگر ضعف ایمان مؤمنان نبوده، خانه کافران را از طلا و نقره قرار می‌دادم «وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (۳۳ تا ۳۵)، اگر دلت از یاد خدا خالی شد، بدان... (۳۶)، خط مشی مؤمنان (۴۳ و ۴۴)، آنان که ارزش را فقط در مال و ثروت می‌بینند! (۵۱)، دوستان امروز، دشمنان فردا (۶۷)، همه خوبی‌ها و لذت‌ها یک جا جمع شده! (۷۰ و ۷۱)، برخورد با جاهلان (۸۹).

سوره دخان با ۵۹ آیه از سوره‌های مکی است و آیات آغازین آن با سوره قدر هماهنگ است، برخی از موضوعات این سوره از این قرار است:

پس از دقیقه نود (۱۲ و ۱۳)، همه چیز را گذاشتند و رفتند، نه آسمان بر آن‌ها گریست و نه زمین! (۲۵ به بعد)، هدفمند بودن خلقت (۳۸ و ۳۹)، غذای گنهکاران (۴۳ به بعد).

سوره جاثیه با ۳۷ آیه از سوره‌های مکی است و به موضوعات زیر می‌پردازد: انجام خوبی‌ها، همه‌اش به سود خودت و ارتکاب بدی‌ها همه‌اش به ضرر خودت (۱۵)، آیا مرگ و زندگی صالحان و فاسدان همانند هم است؟! (۲۱)، مادی‌گرایان! (۲۴)، نیم خیز و منتظر! (۲۸)، اگر امروز او را فراموش کردی، فردا او نیز... (۳۴).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۷۶	شوری	۲۴	قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷	=	۴۱ و ۴۲	انتقام امام مهدی <small>علیه السلام</small> از ظالمان
۷۶	=	۴۵	خواری دشمنان با قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷	=	۶۱	نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> و قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small> از نشانه‌های قیامت (تفاسیر اهل سنت)
۷۸	=	۶۶	ظهور
۷۹	دخان	۳ و ۴	صاحب شب قدر

آیه منتخب

نزول حضرت عیسیٰ مسیح علیه السلام

﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمُ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾^۱ و او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی علیه السلام گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛ چگونه خواهید بود آنگاه که حضرت عیسی علیه السلام میان شما فرود آید؛ ولی امام و پیشوا از میان شما باشد» (حضرت مهدی علیه السلام)^۲.

امام صادق علیه السلام:

مردم (اهل سنت) درباره اولی العزم و صاحبان امیرالمؤمنین علیهم السلام چه می گویند؟ راوی گفت: احدی را بر اولی العزم مقدم نمی دارند. حضرت فرمود: خداوند درباره حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً»^۳ و نگفت: «وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً»^۴ و درباره حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «وَلِأَيِّينَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ»^۵ و نگفت: «وَلِأَيِّينَ لَكُمْ كُلِّ شَيْءٍ» ولی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۶ و فرمود: «وَلَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» و تمام

۱. زخرف (۴۳)، ۶۱.

۲. ابی عبدالله بخاری، صحیح بخاری، ج ۲ ص ۲۵۶، چاپ دارالمعرفه، بیروت؛ علی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۹، باب ۷ فی بیان انه یصلی بعیسی.

۳. اعراف (۷)، ۱۴۵.

۴. یعنی: یا «من» تبعیض آمده است و بعضی از آنچه که موعظه است، به او داده شد.

۵. زخرف (۴۳)، ۶۳.

۶. یعنی: «من» تبعیض ندارد و تمام علم کتاب به ایشان داده شده است.

علم این کتاب نزد اوست.^۱

نکته‌ها

الف) از مسلمات میان امت اسلام، نزول حضرت عیسی (علیه السلام) و اقتدای در نماز به حضرت مهدی (عج) است.^۲ و این امر بیانگر برتری حضرت مهدی (عج) نسبت به ایشانست.

ب) از اعتقادات مشترک میان امت اسلام و مسیحیت، نزول حضرت عیسی (علیه السلام) است و یکی از اسرار و حکمت‌های زنده نگه داشتن حضرت عیسی (علیه السلام) این است که با اقتدای به حضرت مهدی (علیه السلام) و دعوت از بشریت به‌ویژه جمعیت میلیاردری مسیحیت در ایمان آوردن به حضرت مهدی (عج) سبب می‌شود تا بسیاری از مردم هدایت شوند و به وی ایمان آورند.

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۱.

۲. رک: عروسی حویزی، تفاسیر اهل سنت در شرح آیه نساء و همین آیه و همچنین شرح‌های صحیح بخاری در ادامه روایت بالا.

جزء بیست و ششم

جزء بیست و ششم سوره‌های احقاف، محمد، فتح، حجرات، ق و ذاریات تا آیه سی‌ام را در برمی‌گیرد.

سوره احقاف هفتمین و آخرین سوره از سوره‌های حوامیم است که براساس ترتیب چینش قرآنی پشت سر هم قرار گرفته‌اند. این سوره ۳۵ آیه دارد و از سوره‌های مکی است، نام آن برگرفته از نام سرزمین قوم عاد است و به معنای شن‌های روانی است که در اثر وزش باد جابه‌جا می‌شوند و به شکل‌های گوناگونی در می‌آیند، برخی از موضوعات مهم این سوره عبارت است از:

خط مشی رسول خدا ﷺ (۹)، اگر این چنین هستید، هیچ غمی نداشته باشید (۱۳)، سفارش الهی به پدر و مادر و بهترین دعای فرزند (۱۵)، فرزند ناخلف (۱۷)، سرانجام لذت‌گرایی و به دنبال خواهش‌های نفسانی بودن (۲۰).

سوره محمد که نام دیگر آن قتال است، از سوره‌های مدنی است و ۳۸ آیه دارد. رویکرد اصلی این سوره دفاع جانانه از حق، مبارزه با ستمگران و بیان ویژگی‌های باند نفاق است، برخی از موضوعات آن به شرح زیر است:

این یا آن؟ در عاقبتش بیاندیش، آنگاه انتخاب کن (۱ تا ۳)، سودی سرشار با معامله‌ی جان خود با خدا (۴ تا ۶)، سنت الهی و وعده یاری (۷)، خوب است این آیه را به همراه ترجمه آن در مساجد، تکیه‌ها و خانه‌های خود نصب کنیم و پیوسته مورد توجه داشته باشیم (۱۲)، گلاویه خداوند و تدبیر نکردن در قرآن (۲۴)، از ترفندهای مهم

جزء بیست و هشتم ۱۵۷

شیطان (۲۵)، بزدلان (۳۵)، بخل و کوتاه نظری (۳۸).

سوره فتح نیز مدنی است و ۲۹ آیه دارد. مسأله جلوگیری مشرکان از انجام عمره و ماجرای بیعت رضوان و صلح حدیبیه مطرح شده است و برخی از نکات مهم این سوره به قرار زیر است:

آرامشی بی مانند برای مؤمنان (۴)، بیعت با خدا از راه بیعت با رسول خدا ﷺ (۱۰)، بیعت شجره و آثار و برکت های بی مانند (۱۸ به بعد)، دین اسلام، دین واحد جهانی خواهد شد (۲۸).

سوره حجرات یا سوره اخلاق و آداب از سوره های مدنی است و هجده آیه دارد. این سوره از نکته های اخلاقی لبریز است که برخی از آن ها به شرح زیر است:
آداب برخورد با حجت الهی (۱ به بعد)، اگر کسی خبری برای شما آورد... (۶)، اگر دو گروه از مؤمنان به جنگ با یکدیگر برخیزند، تکلیف دیگران چیست؟ (۱۰)، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۱۰)، تمسخر، عیبجویی و دیگری را با لقب زشت صدا زدن جزء اخلاق رذیله است (۱۱)، آیا حاضرید گوشت برادر مرده خود را بخورید؟ پس چرا...؟ (۱۲)، ملاک برتری انسان نزد خدا (۱۳)، تفاوت اسلام و ایمان (۱۴ به بعد).

سوره ق مکی است و ۴۵ آیه دارد و دور محور معاد می چرخد، بخشی از مضامین این سوره به شرح زیر است:

دردی که هیچ دوايي ندارد (۱۹)، آنگاه که باید باز بود، بسته بود؟! (۲۲)، سیر شدی؟ (۳۰)، با چه قلبی آمده ای؟ منیب یا...؟ (۳۳).

سوره ذاریات مکی است و شصت آیه دارد، نمونه ای از موضوعات این سوره عبارت است از:

سحرخیزان (۱۷ و ۱۸)، مژده ای باور نکردنی! (۲۸).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۸۰	محمد	۴	وضعیت جهان پس از ظهور
۸۱	فتح	۲۵	دلیل غیبت
۸۲	=	۲۸	حکومت واحد جهانی اسلام
۸۳	ق	۴۱ و ۴۲	ندای آسمانی

آیه منتخب

نشانه های قیامت

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ؟﴾^۱ آیا آن‌ها [کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آن‌گاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است اما هنگامی که بیاید، تذکر (و ایمان) آن‌ها سودی نخواهد داشت! ﴿

امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

رسول خدا ﷺ بیان کردند که پیش از قیامت ده (نشانه) خواهد بود که چاره‌ای از آن نیست: سفیانی، دجال، دابه، خروج حضرت قائم، طلوع خورشید از مغرب، نزول حضرت عیسی (علیه السلام) خسفی در مشرق و خسفی در جزیره العرب و آتشی که از انتهای عدن خارج می‌شود و مردم را به سوی محشر می‌فرستد.^۲

۱. محمد (۴۷)، ۱۸.

۲. «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْيَانِيُّ وَالدَّجَالُ وَالدُّخَانُ وَالدَّابَّةُ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولُ عِيسَى وَخَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ» (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، فصل ۷، ذکر طرف من العلامات).

نکته‌ها

الف) از زمان بعثت رسول ﷺ خدا تا پایان دنیا با عنوان دوره «آخرالزمان» یاد می‌شود که طبعاً هرچه زمان می‌گذرد و به قیامت نزدیک‌تر می‌شویم، اتصاف زمان به آخرالزمان پررنگ‌تر می‌شود.

ب) در روایت‌های زیادی برای ظهور حضرت مهدی ﷺ و همچنین برپایی قیامت نشانه‌هایی بیان شده است، اولی را «علائم ظهور» و دومی را «اشراط الساعة» می‌نامند و نسبت بین این نشانه‌ها عموم و خصوص مطلق است، یعنی همه نشانه‌های ظهور، نشانه‌های قیامت هم به شمار می‌آید؛ ولی قیامت، نشانه‌های اختصاصی نیز دارد که پس از ظهور اتفاق می‌افتد و به ظهور ارتباطی ندارد.

ج) در روایت‌های فریقین، ظهور حضرت مهدی ﷺ و نزول حضرت عیسی (علیه السلام) به عنوان اشراط الساعة و نشانه‌های قیامت بیان شده، البته این امر به این معنا نیست که ظهور حضرت مهدی ﷺ در پایان دنیا اتفاق می‌افتد و با ظهور ایشان قیامت برپا می‌شود؛ زیرا پایان یک امر، نسبی است و بعثت رسول خدا ﷺ و معجزه «شق القمر» نیز از نشانه‌های قیامت یاد شده است.^۱ بر اساس روایات، دوران حاکمیت عدل جهانی یک دوره طولانی است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه) می‌فرمایند:

من، بارها این را گفته‌ام. بعضی خیال می‌کنند حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و شروع تاریخ بشریت، آن وقت است! این مدتی که از عمر بشریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ‌ها و در این بیابان‌ها و کویرهای وحشت‌ناک، همین طور سینه‌خیز و با زحمت رفته تا خودش را به جاده اتوبان وسیع عریض آسفالته برساند و از آنجا

۱. سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۲۱۴، در شرح سورة قمر (۵۴)، ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۹، در شرح سورة محمد (۴۷)، ۱۸.

زندگی تاریخی خود را تازه شروع کند. آن جاده را حضرت افتتاح می‌کنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است.^۱

۵) در بیانات رسول خدا ﷺ موارد زیادی از نشانه‌های مشترک بین ظهور و قیامت، بیان شده است که برخی از آن‌ها عبارت است از: ضایع کردن نماز، گرم شدن بازار دین‌فروشی، به دنبال خواسته‌های نفسانی بودن، تغییر ارزش‌ها (معروف، منکر و منکر معروف می‌شود)، ریاست زنان،^۲ دروغ‌گویی زرنگی تلقی می‌شود، پرداخت زکات ضرر به شمار می‌آید، ظلم فرزندان به پدر و مادر، ورود زنان به همراه مردان به بازار کار، رواج ناشکری و کفران نعمت، فخرفروشی در لباس، شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان، رواج ربا و رشوه، زیاد شدن طلاق، جاری نشدن حد، زیاد شدن ساز و آواز، به حج رفتن برای تفریح و تجارت و...^۳

۱. فصل نامه علمی - ترویجی انتظار، شماره ۸، ص ۵.

۲. یعنی با وارد کردن زن به مشاغل و مسئولیت‌های به ظاهر جذاب و سودآور، او را از وظیفه مهم، حساس و بی‌بدیلش یعنی تربیت فرزند باز می‌دارند و فرزندان به جای اینکه در دامن پر مهر مادر تربیت شوند، در مهدها بزرگ می‌شوند. انسان از دامن مادر به معراج می‌رود و شخصیت‌های امین و قوی کسانی بوده‌اند که مادری لایق و پاکدامن داشته‌اند و در دامن او تربیت یافته‌اند.

۳. مجلسی، بحار، ج ۶، ص ۳۰۶.

جزء بیست و هفتم

جزء بیست و هفتم سوره‌های ذاریات از آیه ۳۱ به بعد، طور، نجم، قمر، الرحمن، واقعه، و حدید را در برمی‌گیرد.

برخی از موضوعات **سوره ذاریات** عبارت است از:

«فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ» (۵۰)، هدف از خلقت انسان و اجنه (۵۶).

سوره طور مکی است و ۴۹ آیه دارد و به موضوعات زیر می‌پردازد:

پنج سوگند برای بیان یک حقیقت (۱ به بعد)، سوخت آتش جهنم، همان گناه انسان در دنیا است (۱۶).

سوره نجم بنابر چینش سوره‌های قرآن، سومین سوره از سوره‌های سجده‌دار است که آیه پایانی آن سجده دارد. این سوره مکی است و دارای ۶۲ آیه می‌باشد، از جمله موضوعات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عصمت رسول خدا ﷺ (۳)، بالاترین بیان در شأن و عظمت رسول خدا ﷺ (۷) تا (۹)، مشروط بودن شفاعت به اذن الهی (۲۶)، خدا نکند ما این‌گونه باشیم! (۲۹ و ۳۰)، خودستایی؟! (۳۲)، «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (۳۹)، اگر باور دارید که حقیقت این است، پس «فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا» (۴۲) به بعد).

نام پنجاه و چهارمین سوره قرآن، **قمر** است و ۵۵ آیه دارد. از جمله موضوعات آن عبارت است از:

معجزه بزرگ دو نیم شدن ماه (۱)، چه صحنه دلخراشی! (۴۸)، چه عظمت و

شکوهی! «فِي مَعَدِّ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكِ مُقْتَدِرٍ» (۵۵).

سوره الرحمن و به عبارت دیگر، سوره رحمت و نعمت از سوره‌های مکی است و ۷۸ آیه دارد. جمله زیبای «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» ۳۱ بار در این سوره تکرار شده است. برخی از موضوعات آن به شرح زیر است:

برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده برای کمال انسان پیش از خلقت انسان (۱ به بعد)، همه هستی فرمانبردار حق است، پس تو هم این‌گونه باش (۵ به بعد)، روزی که نمی‌توان جرم را پنهان کرد (۴۱).

سوره واقعه با ۹۶ آیه مکی است و همانطور که از نامش پیداست، به واقعه سخت قیامت می‌پردازد و با تقسیم انسان‌ها به سه دسته، به بیان ویژگی‌های هر یک می‌پردازد که نمونه‌ای از موضوعات آن را در ذیل شاهد خواهید بود:

روزی که عده‌ای را سربلند و عده دیگر را سرافکننده می‌کند (۳)، در کدام دسته از این سه گروه قرار داریم؟ (۷ تا ۱۰)، خوشگذرانی کار دستشان داد (۴۵)، توحید را در زراعت بنگر (۶۳)، آیا درباره آبی که می‌نوشید تا به حال اندیشیده‌اید؟ (۶۸)، چه قسم بزرگی! (۷۵)، غواصان دریای بی‌پایان معارف قرآن (۷۷ به بعد)، امان از آن وقتی که به گلویمان برسد! (۸۳).

سوره حدید از جمله سوره‌های «مسیحات»^۱ است که ۲۹ آیه دارد و مدنی است، این سوره آیاتی برای ژرف‌اندیشان در بر دارد که می‌توان از موضوعات در آن به موارد زیر اشاره کرد:

خوبی و خوب بودن هر چه سخت‌تر باشد، ارزشمندتر است (۱۰)، آنان که در گردنه‌های زندگی مانده‌اند، یاری کن تا... (۱۱)، روزی که فقط با نور می‌توان حرکت کرد، حال اگر... (۱۲ تا ۱۵)، پس کی می‌خواهی عوض شوی؟! (۱۶)، مبدأ و معاد در

۱. مسیحات سوره‌هایی است که با "سبح لله" یا "یسبح لله" آغاز می‌شود و آن پنج سوره است: حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن.

جزء بیست و هفتم ۱۶۳

آیینۀ بهار (۱۷)، شگفتا از این مقام وصف ناپذیر (۱۹)، مسابقه‌ای با جایزه بی مانند (۲۱)، حقیقت زهد (۲۳)، آثار تقوا در همین دنیا (۲۸)، مراقب باش تا راه به دست آوردن او را گم نکنی! (۲۹).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

موضوع	آیه	سوره	ردیف
ویژگی دوران ظهور	۴۱	الرحمن	۸۴
وظایف منتظران	۱۶	حدید	۸۵
احیاء عالم با عدالت مهدوی	۱۷	=	۸۶
جایگاه منتظران	۱۹	=	۸۷

آیه منتخب (۱)

منتظران! به هوش باشید

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱ آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است، خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آن‌ها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آن‌ها گذشت و قلب‌هایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آن‌ها گنهکارند! بدانید خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! ﴿

۱. حدید (۵۷)، ۱۶ و ۱۷.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

آیه «أَلَمْ يَأْنِ...» درباره مردم زمان غیبت نازل شده است و مراد از «آمد» زمان غیبت است. سپس فرمود: آیا نشنیده‌ای قول خداوند را که می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ...» یعنی با عدالت حضرت قائم (علیه السلام) آن را زنده می‌کند بعد مردنش به وسیله ظلم و ستم پیشوایان گمراه.^۱

نکته‌ها

الف) تعبیر «أَلَمْ يَأْنِ» که به معنای «آیا وقت آن نرسیده است» می‌باشد، در واقع گلایه و هشدار به امت اسلام است نسبت به وعده‌ای که به آنان داده شده است تا مبدا همان راهی را بروند که اهل کتاب رفتند: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ».

ب) دلیل اینکه اهل کتاب و به عبارت دیگر «منتظران خاتم الانبیاء» با تحقق وعده الهی نه فقط ایمان نیاوردند بلکه «هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از پیش شناخته بودند نزد آن‌ها آمد، به او کافر شدند»^۲ این موارد را می‌توان اشاره کرد:

- حسادت؛^۳

- دلبستگی و حرص شدید نسبت به دنیا؛^۴

- جهل درباره معیار حق و باطل بودن حجت خدا و تعیین تکلیف برای او؛^۵

۱. «عن أبي عبد الله جعفر بن محمد أنه قال: نزلت هذه الآية التي في سورة الحديد «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...» فِي أَهْلِ زَمَانٍ .. وَ قَالَ إِنَّمَا الْأَمْدُ الْأَمْدُ الْغَيْبِيَّةُ ثُمَّ قَالَ: أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى فِي الْآيَةِ التَّالِيَةِ لَهُذِهِ الْآيَةِ «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ...» أَيْ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّةِ الضَّلَالِ» (ابراهيم نعمانی، الغيبة، ص ۲۴ و ۲۵).

۲. بقره (۲)، ۸۹.

۳. همان، ۹۰.

۴. همان، ۹۶.

۵. همان، ۹۷ و ۹۸.

- برخورد ابزاری با دین و پذیرش سلیقه‌ای آن و...؛^۱

- خود برتر بینی و روحیه استکباری.^۲

(ج) پیام آیه شریفه این است که ای «منتظران خاتم الاوصیاء!» شما مانند «منتظران خاتم الانبیاء» نباشید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ».

بنابراین، باید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های منتظران، «آسیب‌شناسی جامعه منتظر» باشد و با عبرت گرفتن از جوامع منتظر پیشین، خود را از این آسیب‌ها در امان نگه دارند و با تمام وجود برای یاری امام خود آماده باشند.

(د) در یک جمله می‌توان گفت که وظیفه منتظران امام زمان علیه السلام از دیدگاه این آیه، این است که «أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» باشند، هرگز از یاد خدا و توجه به او و پیروی از آنچه که خداوند از آنان خواسته، غفلت نکنند، با تمام وجود مراقب باشند که توجه به جسم، آن‌ها را از توجه به روح و روان و توجه به دنیا، آن‌ها را از توجه به آخرت، و توجه به خلق خدا و چشم و هم چشمی‌ها آن‌ها را از توجه به خالق خویش باز ندارد و حق محوری اساس کارشان باشد.

(ه) امام برای احیاء، عمران و آبادی عالم می‌آید (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) و برخورد قهرآمیز او نیز علیه مستکبران و در جهت رهایی بشر و احیای عالم است. با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، دل‌هایی که با گناه و محبت دنیا مرده، با یاد خدا و معرفت توحیدی و بندگی خالصانه زنده و سرسبز می‌شود.

۱. همان، ۹۱.

۲. همان، ۹۴.

آیه منتخب (۲)

جایگاه انتظار و پاداش عظیم منتظران

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾^۱ کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، صدیقین و شهدا نزد پروردگارشان هستند. برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آن‌ها دوزخیانند.

منهال قصاب می‌گوید:

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم از خداوند بخواهید تا شهادت را روزیم کند. پس ایشان فرمود: مؤمن شهید است. سپس این آیه را تلاوت نمودند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...»^۲

حارث بن مغیره می‌گوید:

محضر امام باقر (علیه السلام) بودیم، پس فرمود: کسی از شماها که آگاه به این امر (ظهور حضرت قائم) و چشم به راه آن باشد و در این کار خیر و نیکی را در نظر بگیرد، به خدا قسم همانند کسی است که در رکاب حضرت قائم با شمشیر جهاد کرده است؛ سپس فرمود: بلکه به خدا قسم همانند کسی است که با شمشیر در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جهاد نموده است؛ سپس فرمود: بلکه به خدا قسم همانند کسی است که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خیمه‌اش به شهادت رسیده باشد و در کتاب خدا درباره شما (منتظران) آیه‌ای

۱. حدید (۵۷)، ۱۹.

۲. «عَنْ مِنْهَالِ الْقَصَابِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِذْ دَخَلَ اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنِي الشَّهَادَةَ فَقَالَ الْمُؤْمِنُ شَهِيدٌ ثُمَّ تَلَا وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ»؛ (استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۳۹).

است. عرض کردم: کدام آیه (در مورد ماست؟) فدای شما شوم! فرمود: قول خداوند که می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...» سپس فرمود: به خدا قسم شما نزد پروردگارتان صادق و شهید گشته اید.^۱

راوی می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدای شما شوم! سنم زیاد شده است (پیر شده ام) و استخوان هایم سست گشته و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از اینکه این امر (ظهور حق) را درک کنم، مرگم فرا رسد. حضرت به من فرمود: ای ابا حمزه! آیا نظرت این است که فقط هر کسی که (در راه خدا) کشته شود، شهید است؟ عرض کردم: بله فدای شما شوم. پس فرمود: ای ابا حمزه! کسی که به ما ایمان آورد و سخن ما را تأیید کند و منتظر امر ما باشد، همانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم کشته شود؛ بلکه به خدا قسم (مثل این است که) زیر پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کشته شود.^۲

نکته ها

الف) واژه «صِدِّيق» از ریشه صدق، صیغه مبالغه و به معنای کسی است که هرگز دروغ نمی گوید، و صدق برای او ملکه شده است و صداقت و راستی، اعتقاد،

۱. «عَنِ الْخَارِثِ بْنِ الْمُعْبِرَةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرُ الْمُنْتَظَرُ لَهُ الْمُحْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرَ كَمَنْ جَاهَدَ وَاللَّهُ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ بِسَيِّفِهِ ثُمَّ قَالَ بَلْ وَاللَّهِ كَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص بِسَيِّفِهِ ثُمَّ قَالَ بَلْ وَاللَّهُ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَسْطَاطِهِ وَفِيكُمْ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قُلْتُ وَ أَى آيَةٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ ثُمَّ قَالَ صِرْتُمْ وَ اللَّهُ صَادِقِينَ شُهَدَاءَ عِنْدَ رَبِّكُمْ»؛ (استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۴۰).

۲. «مَا رَوَاهُ صَاحِبُ كِتَابِ الْبَشَارَاتِ مَرْفُوعاً إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَبُرَ سِنِّي وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجْلِي وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يُدْرِكَنِي قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ قَالَ فَقَالَ لِي يَا أَبَا حَمْزَةَ أَوْ مَا تَرَى الشَّهِيدَ إِلَّا مَنْ قُتِلَ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي يَا أَبَا حَمْزَةَ مَنْ آمَنَ بِنَا وَ صَدَّقَ حَدِيثَنَا وَ انْتَظَرَ أَمْرَنَا كَانَ كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ بَلْ وَاللَّهِ تَحْتَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ (همان).

نیت، گفتار و عملش را در بر گرفته است و با عملش، گفتارش را تأیید می‌کند.^۱
 «شُهَدَاءُ» جمع شهید و از ماده شهود و در لغت به معنای «حضور همراه مشاهده»
 می‌باشد و به دو معنی آمده است:

۱. شاهد و گواه^۲

۲. کسی که در راه خداوند جانش را تقدیم کند؛ چرا که در میدان مبارزه علیه
 باطل حضور می‌یابد و با جان‌فشانی خود حقانیت حق را تصدیق می‌کند.^۳

ب) قرار گرفتن تعبیر «الصَّادِقُونَ» و «الشُّهَدَاءُ» در کنار یکدیگر و مطلق بودن
 «أَجْرُهُمْ» و «تُورُهُمْ» بیانگر بزرگی جایگاه و اجر و پاداش افراد مورد نظر در آیه
 شریفه است.

ج) این آیه شریفه، از دو جریان سخن می‌گوید که در طول تاریخ یکی، در پی
 احیای حق و عدالت و دیگری، به دنبال خاموش کردن آن بوده‌اند: جریان هاییل و
 قابیل، جریان حق و باطل، جریان مؤمنان و مستکبران.

در این میان، کسانی که زیر فشارهای سنگین مستکبران، تسلیم نمی‌شوند و با
 صبر و استقامت و با جان و مال خود به دفاع از حق بر می‌خیزند، «صِدِّیق» و
 «شَهِید» خواهند بود و خداوند پاداش بزرگی برای آن‌ها در نظر گرفته است.

هـ) سخت‌ترین فشارها و تهدیدات بر مؤمنان، و بالاترین جاذبه‌های مادی در
 دور کردن آن‌ها از حق، در مصاف نهایی حق و باطل خواهد بود چه در دوران غیبت
 رهبر این قیام و چه در دوران ظهور او. بنابراین، باید مؤمنان در تشخیص درست و به
 موقع حق و در پایبندی به آن به داد یکدیگر برسند «یکدیگر را به حق سفارش کرده

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۷۹، واژه صدق.

۲. بقره (۲)، ۲۸۲؛ نحل (۱۶)، ۸۴ و ۸۹ و ...

۳. نساء (۴)، ۶۹. در قرآن واژه شهید بیشتر درباره شاهد و گواه به کار رفته است و از شهادت با تعبیری
 مانند: «قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»، یاد شده
 است.

و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نمایند!^۱

به همین دلیل است که فرمود: «ای علی! شگفت انگیزترین ایمان و با عظمت ترین یقین از آن مردمانی است در آخر الزمان که پیامبرشان را ندیده‌اند و حجت (و امامشان) نیز غایب است؛ اما به سیاهی (نوشته‌های) روی سفیدی (کاغذ) ایمان آورده اند.»^۲

یعنی هرچند خود ما را ندیده‌اند اما با شنیدن سخنان ما و عمل به آن دارای ایمانی راسخ و استوار خواهند بود.

آری، پایبندی به حق، هرچه دشوارتر باشد، ارزش بیشتری خواهد داشت. در دورانی که چشم و هم چشمی‌ها دین و ایمان‌ها را بر باد داده است؛ نفسانیات، شهوترانی‌ها، شرکت در مسابقات رفاه و تجمل برنده شدن در این مسابقه، فکر همه را به خود مشغول کرده است، مراقبت دل از قساوت و پیروی کردن از قرآن و عترت، هنر است و راز مقام والای منتظران راستین نیز در همین حقیقت نهفته است.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «کسی که در دوران غیبت قائم ما، بر ولایتمان ثابت قدم باشد، اجر و پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را خواهد داشت.»^۳

۱. «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ (عصر (۱۰۳)، ۳).

۲. «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ وَ أَعْلَمُ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»؛ (شيخ صدوق، كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵، ح ۸).

۳. «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ: مَنْ تَبَتَّ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ»؛ (همان، ص ۳۲۳، باب ۳۱، ح ۷).

جزء بیست و هشتم

جزء بیست و هشتم سوره‌های مجادله، حشر، ممتحنه، صف، جمعه، منافقون، تغابن، طلاق و تحریم را در برگرفته و نکته جالب توجه این است که همه سوره‌های این جزء مدنی است.

سوره مجادله ۲۲ آیه دارد که برخی موضوعات آن به شرح زیر است:

عالم محضر خداست (۷)، سفارش‌هایی درباره نجوا کردن و درگوشی سخن گفتن (۷ تا ۱۰)، چه کنیم خداوند به ما وسعت در زندگی و عزت و سربلندی عطا کند؟ (۱۱)، آیه‌ای که فقط یک نفر به آن عمل کرد (۱۲ و ۱۳)، دوستی با دشمنان خدا و رسول، با ایمان سازگاری ندارد هر چند پدر و فرزندت باشند! (۲۲).

سوره حشر دارای ۲۴ آیه است و به موضوعات زیر می‌پردازد:

عبرتی برای خردمندان (۲)، بزرگداشت کسانی که هیچ کینه‌ای از هیچ مؤمنی در دل ندارند (۱۰)، «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (۱۸)، اگر این قرآن بر کوه نازل می‌شد! (۲۱).

سوره ممتحنه سیزده آیه دارد و مضامین مختلفی را در برمی‌گیرد؛ از جمله:

آنگاه که «مؤمنان راه را گم کنند!» (۱)، ساده‌لوح نباشید! (۲)، آنچه که روز قیامت به درد نمی‌خورد (۳)، خط مشی ابراهیم (علیه السلام) و همراهانش (۴)، سیاست خارجی از دیدگاه قرآن (۸ و ۹)، بیعت زنان با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (۱۲).

سوره صف چهارده آیه دارد که از موضوعات آن می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد:

چرا سخنی می گوئید که خود عمل نمی کنید (۲ و ۳)، کسانی که خدا آنان را دوست دارد (۴)، پروژه پیچیده دشمنان در حق ستیزی (۸)، نقش بر آب شدن همه توطئه های دشمنان و حاکمیت جهانی اسلام (۹)، تجارتی الهی (۱۰ به بعد)، در پرونده ما چیزی با عنوان یاری حق ثبت شده است؟ (۱۴).

سوره جمعه دارای ۱۱ آیه است و به موارد زیر اشاره می کند:

کتاب خدا را بخوانیم و عمل نکنیم همانند دراز گوشی خواهیم بود که کتاب حمل می کند (۵)، چرا عده ای از مرگ گریزانند؟ (۷)، رها کردن داد و ستد به هنگام نماز (۹)، معامله ای کودکانه! (۱۱).

سوره منافقون یازده آیه دارد که از موضوعات آن عبارت است از:

هشدار به امت اسلام نسبت به باند نفاق (۱ به بعد)، گناهی که حتی استغفار رسول خدا هم برای آن اثری ندارد (۶)، هرگز به نماز نگوئیم کار دارم! (۹).

سوره تغابن دارای هجده آیه است، و درباره موارد زیر سخن می گوید:

او سنگ تمام گذاشته، این شما هستید که... (۲ و ۳)، روزی که زیان و ضررها آشکار می شود (۹)، تو صادقانه بیا، بقیه اش با ما (۱۱)، مراقب اطرافیانمان باشیم (۱۴)، گاهی بدهید در برابرش کوهی می دهد (۱۷).

سوره طلاق دوازده آیه دارد که از موضوعات آن می توان به این موارد اشاره

کرد:

سفارشی درباره همسران (۶)، اگر مشکل مالی دارید، انفاق کنید تا... (۷)، سرانجام سربچی از فرمان حق (۸ تا ۱۰).

سوره تحریم در برگرفته دوازده آیه است که به موضوعات زیر می پردازد:

همسرانی قدرناشناس! (۱ به بعد)، از کجا فهمیدی که من...؟ (۳)، خود و خانواده خود را از آتش عذاب الهی نگه دارید (۶)، توبه نصوح (۸)، در بهترین شرایط می توان بدترین شد و در بدترین شرایط می توان بهترین شد (۱۰ تا ۱۲).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۸۸	صف	۸ و ۹	مهدی‌ستیزان و حکومت واحد جهانی اسلام
۸۹	=	۱۳	مژده ظهور

آیه منتخب

اشتیاق و آرزوی یاری حضرت قائم

﴿...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛﴾ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می‌سازد! و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند. خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است! ﴿﴾

عبد الحمید واسطی به امام باقر (علیه السلام) عرض کرد: به خدا قسم ما به خاطر انتظار این امر (فرج) بازار را رها کرده‌ایم تا جایی که چیزی نمانده که از فقر و بیچارگی دست تکدی پیش مردم دراز کنیم، فرمود: ای عبد الحمید! آیا گمان می‌کنی اگر کسی خود را وقف راه خدا کند، خداوند راه روزی به روی او نمی‌گشاید؟ آری واللّه! خداوند حتماً در رحمت خود را به روی او خواهد گشود. خدا رحمت کند کسی که خود را در اختیار ما گذاشته است. خدا رحمت کند آن کس که امر ما را زنده نگاه دارد... عرض کردم: اگر من پیش از آنکه به شرف ملاقات قائم شما فائز گردم، بمیرم، چگونه خواهم بود؟ فرمود: هر کدام از شما که می‌گویید:

اگر قائم آل محمد را ببینم به یاری او برمی‌خیزم، مانند کسی است که در رکاب او شمشیر بزند و کسی که در رکاب وی شهید شود، مانند این است که دو بار شهید شده است.^۱

نکته‌ها

(الف) فرج و گشایش در امور، در گرو تقوا و اطاعت و بندگی خداست؛ به همین دلیل حضرت مهدی علیه السلام به منتظرانش سفارش می‌کند:

ما به اخبار و اوضاع شما احاطه و اشراف داریم و چیزی از اخبارتان از ما پنهان نمی‌ماند. ما رعایت حال شما را فروگذار نکرده‌ایم و شما را از یاد نبرده‌ایم که اگر جز این بود، سختی‌ها شما را در بر می‌گرفت و دشمنان شما را نابود می‌کردند؛ پس تقوای الهی را پیشه خود سازید و (با این کار) ما را در نجاتتان از فتنه‌ها یاری کنید.^۲

(ب) آنچه که مهم است و باید دغدغه منتظران باشد، انجام وظیفه است. اگر به وظیفه خود عمل کردیم و پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دنیا رفتیم، به بیان امام صادق علیه السلام پاداش کسانی را خواهیم داشت که در رکاب ایشان خواهند بود.^۳ و اگر پیش از مردنمان، حضرت مهدی علیه السلام ظهور کردند، نور علی نور می‌شود و

۱. «عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا أَنْتِظَاراً لِهَذَا الْأَمْرِ حَتَّى لِيُوشِكَ الرَّجُلُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ فِي يَدِهِ فَقَالَ يَا [أَبَا] عَبْدَ الْحَمِيدِ أ تَرَى مِنْ حَبْسِ نَفْسِهِ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحِبًّا أَمَرْنَا... قُلْتُ فَإِنْ مِتُّ قَبْلُ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمَ قَالَ إِنَّ الْقَائِلَ مِنْكُمْ إِذَا قَالَ إِنَّ أُدْرِكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرْتَهُ كَالْمَقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهَادَةَ مَعَهُ شَهَادَتَانِ.» (كليني، کافی، ج ۸، ص ۸۰، ح ۳۷).

۲. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِبِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَ عَلَى انْتِبَاهِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاغَتْ عَلَيْكُمْ.» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷).

۳. «... فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أُدْرِكُهُ فِجْدُوا وَ انْتظَرُوا هَبِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.» (ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۲۰۰).

۱۷۴ سیمای ماه دوازدهم

کسی که وظیفه دوران غیبت را به خوبی انجام داده باشد، امید است که در انجام
وظیفه دوران ظهور نیز بدرخشد.

جزء بیست و نهم

جزء بیست و نهم یازده سوره را در بر می‌گیرد، که همه این سوره‌ها به جز سوره انسان مکی است. اولین سوره آن، مُلک و آخرین آن، مرسلات می‌باشد:
سوره ملک با سی آیه به موضوعات زیر می‌پردازد:

آزمون مدرسه دنیا(۲)، ای کاش به سخن حق گوش کرده بودیم!(۱۰)، آهسته یا بلند تفاوتی نمی‌کند، او همه چیز را می‌داند(۱۳)، مسافرخانه(۱۵)، آیت پرواز پرندگان(۱۹)، چه کم هستند شکرگزاران!(۲۳)، اگر همه چیز باشد اما آب نباشد!! پس چرا...؟(۳۰).

سوره قلم با ۵۲ آیه از موضوعات زیر سخن می‌گوید:
رسول خدا ﷺ، صاحب اخلاقی بزرگ(۴)، تساهل امت اسلام در دین، آرزوی دشمنان(۹)، آزمون باغداران(۱۷ به بعد)، چه خوب است زود به اشتباهمان پی‌ببریم و از خطا باز گردیم(۳۱ و ۳۲)، همانند صاحب حوت نباش!(۴۸).

سوره الحاقه ۵۲ آیه دارد و به موارد زیر می‌پردازد:
چه صحنه شاد و دیدنی!(۱۹ به بعد)، آرزوی مرگ با دریافت کارنامه(۲۵)، او را به غل و زنجیر بکشید(۳۰)، عاقبت بی‌تفاوت بودن درباره در ماندگان(۳۴).

موضوعات سوره معارج با ۴۴ آیه عبارت است از:
«إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ تَرَاهُ قَرِيباً»(۶ و ۷)، این چه عذابی است که حاضر است برای نجات خود، فرزندی، همسر، برادر و... بدهد تا عذاب نشود!؟(۱۱ به بعد)،

۱۷۶ سیمای ماه دوازدهم

مشتریان خود را می‌شناسد و صدا می‌زند (۱۷)، نمازگزاران چه کسانی هستند؟ (۲۲) به بعد، آرزوگرایان بی‌عمل (۳۸).

سوره نوح دارای ۲۸ آیه است، از جمله موضوعات آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آثار استغفار (۱۰ تا ۱۲)، «ما لکم لا ترجون لله وقارا» (۱۳)، این چنین دعا کنیم (۲۸).

سوره جن با ۲۸ آیه از این مضامین سخن می‌گوید:

نتیجه استقامت بر حق (۱۶)، بهره حجت‌های الهی از علم غیب الهی (۲۶ و ۲۷).

سوره مزمل بیست آیه دارد و به موارد زیر می‌پردازد:

سوخت‌گیری در سحرگاهان و حرکت در روز (۱ به بعد)، روزی که کودکان را پیر می‌کند (۱۷)، این چنین باید بود (۲۰).

موضوعات سوره مدثر با ۵۶ آیه عبارت است از:

چرا مأموران جهنم نورده نفرند؟ (۳۱)، چه چیزی باعث شد که جهنمی شوید؟ (۴۲)،

سوره قیامت چهل آیه دارد و از موضوعات زیر برخوردار است:

قسم به نفس سرزنش‌گر (۲)، چرا عده‌ای قیامت را انکار می‌کنند؟ (۵ و ۶)، آیا می‌توان گریخت؟ (۱۰).

سوره انسان دارای ۳۱ آیه است، موضوعات آن به شرح زیر است:

ویژگی ابرار (۵ به بعد)، پاداش آنان که توقع هیچ پاداشی نداشتند (۲۲)، بنگر

دنبال‌رو چه کسی هستی! (۲۴)، نماز شب (۲۶)، عشق به دنیا و غفلت از روزی

سنگین! (۲۷)، نعمت اختیار همیشگی نیست، پس... (۳۰).

سوره مرسلات از مضامین زیر سخن می‌گوید:

چندین قسم برای بیان یک حقیقت (۱ تا ۷)، همانند شترانی زرد رنگ (۳۳).

برخی از آیات مهدویت در این جزء

ردیف	سوره	آیه	موضوع
۹۰	ملک	۳۰	هشدار وقوع غیبت حجت خدا
۹۱	معارض	۴۴	ذلت دشمنان در هنگام ظهور
۹۲	مدثر	۸-۱۰	ندای آسمانی

آیه منتخب

چرا مضطرّ و بی قرار امامان نشده ایم؟!

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾^۱ بگو: «به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

در جنگ بدر عمار خود را به حضرت رسول ﷺ رساند و از مجاهدت‌های بی‌مانند امام علی (علیه السلام) گفت. حضرت فرمود: آری، او از من است و من از اویم، او جانشین من است... و ائمه از نسل اویند و مهدی امت از جمله آنان است. عمار پرسید: مهدی کیست؟ حضرت فرمود: ... او نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است که غایب خواهد شد و این قول خداست که می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ...» غیبتی طولانی خواهد داشت و عده‌ای از (ولایت) او باز می‌گردند و عده‌ای ثابت قدم می‌مانند... او هم‌نام و شبیه‌ترین افراد به من است.^۲

۱. ملک (۶۷)، ۳۰.

۲. «عن عمار، قال: كنت مع رسول الله في بعض غزواته، و قتل على أصحاب الألوية و فرق جمعهم، و قتل عمرو بن عبد الله الجمحي، و قتل شبیه بن نافع، أتيت رسول الله فقلت له: يا رسول الله، إن عليا قد جاهد في الله حق جهاده. فقال: لأنه مني و أنا منه، و إنه وارث علمي،... ألا إنه أبو سبطي، و الأئمة من صلبه، يخرج الله تعالى الأئمة الراشدين من صلبه، و منهم مهدى هذه الأمة. فقلت: بأبي و أمي يا رسول الله، من هذه المهدى؟ قال: يا عمار، إن الله تبارك و تعالى عهد إلى أنه يخرج من صلب الحسين أئمة تسعة، و التاسع من ولده يغيب

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «معنای آیه این است که بگو بیندیشید اگر امامتان غایب شد به گونه‌ای که ندانید او کجاست پس چه کسی امامی ظاهری برایتان خواهد آورد که اخبار آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیان کند.»^۱

نکته‌ها

(الف) تفسیر آیه دربارهٔ نعمت بی‌بدیل آب است. اگر همه چیز داشته باشیم؛ اما خداوند نعمت آب را از ما بگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ این بیان می‌تواند درمان درد کشندهٔ غفلت باشد. دردی که اگر درمان نشود مورد خشم و سرزنش الهی قرار می‌گیرد «آن‌ها همچون چهارپایانند، بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند».^۲

(ب) روایات زیادی، از معنای عمیق‌تری پرده می‌دارد و آن اینکه اگر روزی امام زمانمان غایب شود، چه خواهیم کرد؟ این هشدار از آغاز به امت اسلام داده شد اما متأسفانه به آن توجهی نشد!

(ج) دلیل غایب شدن امام، خود مردم هستند، زیرا اگر خداوند بدون اینکه مردم نقشی در این باره داشته باشند، حجت خود را غایب کند، این سؤال معنایی ندارد.

عنه‌م، و ذلك قوله عز و جل: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ تكون له غيبة طويلة، يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون، فإذا كان في آخر الزمان يخرج فيملاً الدنيا قسّطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، و يقاتل على التأويل كما قاتلت على التنزيل، و هو سمى و أشبه الناس بي» (سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۵، ۴۴۸).

۱. عن أبي بصير عن أبي جعفر في قول الله عز و جل «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» فقال هذه نزلت في القائم يقول إن أصبح إمامكم غائباً عنكم لا تدرون أين هو فمن يأتيكم بإمام ظاهر يأتيكم بأخبار السماء و الأرض و حلال الله جل و عز و حرامه ثم قال و الله ما جاء تأويل هذه الآية و لا بد أن يجيء تأويلها» (شيسخ صدوق، كمال‌الدين و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶، باب ۳۲، ح ۳).

۲. «...أولئك كالأنعام بل هم أضل أولئك هم الغافلون» (اعراف (۷)، ۱۷۹؛ نحل (۱۶)، ۱۰۸).

بنابراین تا حقیقتاً قدرشناس حجت خداوند نشویم، خبری از ظهور نخواهد بود.^۱
د) معنای این سؤال که «اگر امامتان غایب شد، چه خواهید کرد؟» این است که با غیبت امام، ما دچار خسران و ضرر جبران ناپذیری خواهیم شد، گرچه امام غایب همانند خورشید پنهان دارای آثار و برکات زیادی برای ما و همه هستی است، اما با وجود این بخش زیادی از فواید امام به عدم غیبت او وابسته است که با غیبتش از آن محروم خواهیم شد.

اگر این خسارت بزرگ را درک می‌کردیم، به اضطراب می‌رسیدیم و بلا برطرف می‌شد؛ زیرا «آیا کسی که دعای مضطرب را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید!»^۲

ه) یکی از القاب زیبای ائمه علیهم‌السلام به طور عام و لقب امام زمان علیه‌السلام به طور خاص، «ماء معین» است که از همین آیه شریفه گرفته شده است و تشبیه امام به آب، بیانگر نکات ظریف و عمیقی است از جمله اینکه:

هیچ کس نمی‌تواند خود را از امام بی‌نیاز بداند، همان‌طور که نمی‌توان خود را از آب بی‌نیاز دانست. غفلت و دوری از امام موجب مرگ انسانی ما می‌شود، همان‌طور که دوری از آب، مرگ جسمی ما را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل است که فریقین از وجود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند که «اگر کسی بمیرد و امام خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».^۳

۱. زیرا اگر بدون اینکه در مردم تغییری ایجاد شود، دوباره آن نعمتی را که بر اثر قدر ناشناسی از آنان گرفته شده بود، باز گرداند خلاف حکمت خواهد بود. این نکته به خوبی از آیاتی مانند آیه ۱۱ سوره رعد و ۵۳ سوره انفال استفاده می‌شود.

۲. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعِ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ» (نمل (۲۷)، ۶۲).

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۱۸۰ سیمای ماه دوازدهم

امام رضا علیه السلام فرمود: «چه بسیارند زنان مؤمن دلسوخته و چه بسیارند مردان مؤمن دلسوخته و غمگین هنگام از دست دادن (غیبت) «ماء معین»^۱.
این حدیث نورانی، میزان و معیاری است برای اینکه دریابیم اهل ایمان هستیم یا نه؟! آیا تا کنون شده است که به دلیل غیبت و دوری از امامان غمگین شویم و در فراق او بسوزیم؟

۱. «... كَمْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ»؛ (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱، باب ۳ (۳۵)، ح ۳).

جزء سی ام

جزء سی ام ۳۷ سوره را در برمی گیرد که همه آن ها به جز سوره بینه، زلزال و نصر مکی است. نمونه ای از موضوعات این جزء عبارتند از:
نبا: «یَوْمَ الْفَصْلِ» وعده گاه همگان (۱۷)، جهنم کمینگاهی برای سرکشان (۲۱)، پیروزی بزرگ برای پرهیزکاران (۳۱)، روزی که می بینی هر آنچه را که در دنیا انجام داده ای (۴۰).

نازعات: سرانجام دنیا طلبی (۳۸)، نتیجه مدیریت خواهش های نفسانی (۴۰).
عبس: باید در غذای خود به دقت بنگری (۲۴)، روزی که انسان از عزیزترین کسانش می گریزد! (۳۴)، چهره های نورانی و چهره های غبارآلود (۳۸ به بعد).
تکویر: به کدامین گناه کشته شد؟ (۹)، آنگاه که هر آنچه که انجام داده ای حاضر می بینی! (۱۴).

انفطار: آیا از کرم خدا پلی برای نافرمانیش ساخته ایم؟ (۶)، روزی که دیگر هیچ اختیاری در کار نیست! (۱۹).

مطففین: وای بر کم فروشان! (۱)، آیا اینان گمان نمی کنند قبر و قیامت در کار است؟ (۴)، چرک گناه روی دل ها را گرفته، پس حق را... (۱۴)، رقابت در دست یافتن به این نعمت ها شایسته است (۲۶)، روزی، مجرمان به مؤمنان می خندیدند و مسخره می کردند، اما روزی خواهد آمد که مؤمنان به آنان می خندند (۲۹ به بعد).
انشقاق: نامهات را به دست راست خواهند داد یا از پشت سر؟! (۷ به بعد)،

پاداشی بی‌پایان (۲۵).

بروج: مرگ بر شکنجه‌گران مؤمنان (۴)، او بسیار آمرزنده و دوستدار بندگانش است (۱۴).

طارق: خوب بنگر از چه آفریده شده‌ای؟ (۵)، روزی که نهان‌ها آشکار گردند (۹)، هرگز شوخی نیست! (۱۴).

اعلی: بر خود بیال با پروردگاری بلند مرتبه (۱)، قطعاً کسی که به تزکیه خود پرداخت، رستگار است (۱۴)، شما راهی را می‌روید غیر از آنچه که باید بروید! (۱۶).
غاشیبه: خسته و کوفته! تازه اول کار است (۳)، چهره‌هایی در ناز و نعمت (۸)، آیا در آفرینش شتر، کوه‌ها و زمین دقت کرده‌ای؟ (۱۷ به بعد).

فجر: قسم به سپیده دم و شب‌های دهگانه و تاق و جفت و قسم به شب، آنگاه که پایان می‌پذیرد... (۱ به بعد)، نه از نعمتش مغرور باش و نه از سلب نعمت مایوس! (۱۵ و ۱۶)، آن روز انسان همه چیز را می‌فهمد اما دیگر... (۲۳)، کاش برای حیات و زندگی چیزی فرستاده بودم (۲۴)، ای صاحب نفس مطمئنه! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است (۲۷ به بعد).

بلد: ما انسان را در رنج آفریدیم^۱ (۴)، آیا می‌پندارد کسی او را نمی‌بیند؟ (۷)، چقدر قدرشناس نعمت‌های الهی هستیم؟ (۸ به بعد)، چگونه می‌توان از گردنه‌های سخت و صعب‌العبور قیامت گذشت؟ (۱۱ به بعد).

شمس: بیش از ده قسم برای... (۱ به بعد).

لیل: عاقبت بخل و خود برتر بینی (۸)، شما را از آتشی که زبانه می‌کشد، بیم می‌دهم (۱۴)، تقوا، لباس امان (۱۷).

۱. دنیا زمینه رشد و شکوفایی انسان است همانند بذر که زیر خاک قرار داده می‌شود تا زمینه رشد آن آماده گردد.

جزء سی‌ام ۱۸۳

ضحی: خداوند هرگز تو را وانگذاشته! (۳)، مبدا یتیمی را تحقیر یا نیازمندی را از خود برانی! (۹ و ۱۰).

انشراح: قطعاً در پی سختی، آسانی است (۵)، از کار مهمی فارغ شدی، به مهم دیگری پرداز و به سوی پروردگارت توجه کن (۷ و ۸).

تین: ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم (۴)، دنیا خط شروع رشد و تکامل با دو بال ایمان و عمل صالح (۵ و ۶).

علق: چه زود خود را گم می‌کنی! (۶)، آیا نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟ (۱۴)، سجده، پلکان عروج (۱۹).

قدر: شبی برتر از هزار ماه (۳)، نزول هیأتی بلندپایه از سوی پروردگار عالمیان در شب قدر (۴).

بینه: اتمام حجت با دلایل روشن (۱)، بدترین و بهترین مخلوقات چه کسانی هستند؟ (۶ و ۷).

زلزال: روزی که زمین خبرهایش را بازگو می‌کند (۴)، گروه گروه می‌آیند تا اعمال خود را ببینند (۶)، اگر به اندازه ذره‌ای کار خوب یا بد انجام داده باشی آن را می‌بینی! (۷ و ۸).

عادیات: ارزش جهاد در راه خدا (۱ به بعد)، ریشه همه گرفتاری‌ها! (۹).

قارعه: آنچه که داری در ترازوی سنجش اعمال، وزنی دارد یا... (۶ به بعد).

تکاثر: مسابقه رفاه و تجمل! تکاثر یا کوثر؟ (۱)، روزی که از نعمت‌ها بازخواست خواهد شد (۸).

عصر: همه در خسرانند مگر گروهی که چهار ویژگی داشته باشند.

همزه: وای بر آنان که تمام هم و غمشان جمع آوری مال است.

فیل: جلوه ای از قهر و غضب الهی.

قریش: اگر همه چیز از اوست، پس چرا...؟

مَاعُون: آنکه نه به فکر یتیمان باشد و نه به فکر درماندگان... (۲ به بعد)، وای بر

کاهل نمازان! (۴ به بعد).

کوثر: سه پیشگویی بزرگ در کوتاه‌ترین سوره قرآن.

کافرون: سازش با دشمنان حق، معنی ندارد.

نصر: سپاس به درگاه الهی به دلیل تحقق وعده‌هایش.

مسد: زن و شوهر نگون‌بخت!

توحید (اخلاص): شناسنامه خداوند.

فلق: پیام مهم «پناه بردن به پروردگار سپیده‌دم».

ناس: اگر رسول خدا ﷺ این چنین به خدا پناه می‌برد، پس ما... .

برخی از آیات مهدویت در این جزء

موضوع	آیه	سوره	ردیف
رجعت	۱۲-۱۴	نازعات	۹۳
حکمت غیبت امام مهدی <small>عج</small>	۱۹	انشقاق	۹۴
ظهور، پایان مهلت دشمنان	۱۵-۱۷	طارق	۹۵
ظهور	۳	شمس	۹۶
ظهور	۲	لیل	۹۷
صاحب شب قدر	۴	قدر	۹۸
ظهور خورشید هدایت	۵	=	۹۹
دوران غیبت و زمان ظهور		عصر	۱۰۰

آیه منتخب

صاحب و میزبان شب قدر

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ﴾ فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در این شب نازل می شود و برای این امر پس از رسول خدا والیانی وجود دارد. ابن عباس پرسید اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده نفر از صلب من.^۱

امام جواد (علیه السلام) می فرماید: «فضیلت کسی که ایمان به «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و تفسیر آن دارد، بر کسی که چنین ایمانی ندارد همانند برتری انسان بر بهائم است».^۲

نکته‌ها

الف) همه امت اسلام بر ادامه شب قدر تا قیامت اتفاق نظر دارند^۳ و تعبیر «تَنْزَلُ» نیز که فعل مضارع است، بیانگر ادامه این حقیقت است.

ب) مشهور میان مفسران شیعه و اهل سنت این است که مراد از «الرُّوحُ» جبریل امین است که به دلیل سعه وجودی و مقام رفیعش هر کسی ظرفیت پذیرش و

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ النَّانِي أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزَلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةً مُخَدَّثُونَ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۲، کتاب الحجّة، ابواب التاریخ، باب ما جاء فی الائمه، ح ۱۱).

۲. «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: فَضَّلَ إِيمَانَ الْمُؤْمِنِ بِجُمْلَةٍ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ بَتَفْسِيرِهَا عَلَيَّ مَنْ لَيْسَ مِثْلَهُ فِي الْإِيمَانِ بِهَا كَفَضْلِ الْإِنْسَانِ عَلَيَّ الْبَهَائِمِ» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۱، کتاب الحجّة، باب فی شأن انا انزلناه، ح ۷).

یعنی کسی که شب قدر و صاحب آن را نشناسد، در واقع امام زمان خود را و «حجّت حی» را نشناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. مرگ عصاره حیات است و کسی که مرگش جاهلی باشد؛ یعنی حیاتش جاهلی بوده و بهره‌ای از اسلام و ندارد.

۳. «قال الإمام أحمد بن حنبل: حدثنا يحيى بن سعيد عن عكرمة بن عمار، حدثني أبو زميل سماك الحنفي، حدثني مالك بن مرثد بن عبد الله، حدثني مرثد قال: سألت أبا ذر قلت: كيف سألت رسول الله عن ليلة القدر؟ قال: أنا كنت أسأل الناس عنها قلت: يا رسول الله، أخبرني عن ليلة القدر أ في رمضان هي أو في غيره؟ قال: «بل هي في رمضان» قلت: تكون مع الأنبياء ما كانوا فإذا قبضوا رفعت أم هي إلى يوم القيامة؟ قال: «بل هي إلى يوم القيامة» (ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ۸، ص ۴۲۹؛ جلال الدين سيوطي، تفسير الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳ ذيل آيه ۴ سورة قدر).

نزولش را ندارد.

ج) یک هیأت بلندپایه به محوریت جبرئیل از سوی خداوند متعال در شب قدر هر سال، برای ابلاغ مقدرات عالم، در همهٔ امور نازل می‌شوند. طبعاً این میهمانان الهی میزبان الهی را می‌طلبند که خلیفه‌الله در روی زمین و واسطهٔ فیض الهی باشد.

د) این مطلب که نزول فرشتگان در شب قدر به جهت ابلاغ درود و سلام خدا به بندگان صالح خدا یا به دلیل استغفار برای آنان در این شب بسیار با عظمت است و مانند این سخنان، هرگز با تعبیر «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» سازگاری ندارد، افزون بر اینکه قرآن ما را به تبیین معصومان ارجاع می‌دهد^۱ و بیش از یک صد روایت در تفاسیر روایی مانند نور الثقلین، البرهان، صافی و...ذیل این سوره آمده و جزئیات آن را روشن کرده است.

بر اساس آیاتی که در این مجموعه گذشت، می‌توان گفت:

امام زمان علیه السلام؛ صاحبِ شب قدر، واسطهٔ فیض الهی^۲، هادی امت^۳، اولی الامر^۴، نعمت الهی^۵ ماء معین و بقیة الله^۶ است.

۱. نحل(۱۶)، ۴۴.

۲. فاطر(۳۵)، ۴۱.

۳. یونس(۱۰)، ۳۵؛ رعد(۱۳)، ۷.

۴. نساء(۴)، ۵۹.

۵. لقمان(۳۱)، ۲۰.

۶. ملک(۶۷)، ۳۰؛ هود(۱۱)، ۸۶.

نمایه موضوعی آیات مطرح شده^۱

ردیف	موضوع	سوره و آیه
۱	ولایت و امامت حجت حی وساطت در فیض	نساء: ۵۹، یونس: ۳۵، رعد: ۷، اسراء: ۷۱، فاطر: ۴۱ قدر: ۴
۲	معرفتِ امام زمان <small>علیه السلام</small>	بقره: ۲۶۹
۳	القاب و ویژگی های امام زمان <small>علیه السلام</small>	هود: ۸۶، لقمان: ۲۰، ملک: ۳۰
۴	غائب بودن امام، علل غیبتِ امام، آثار وجودی امام	بقره: ۳، یوسف: ۸۸ تا ۹۲، کهف: ۸۲، لقمان: ۲۰، یس: ۳۰، ملک: ۳۰
۵	انتظار، وظایف، پاداش بزرگ منتظران	آل عمران: ۲۰۰، حدید: ۱۶، حدید: ۱۹، طلاق: ۲ و ۳
۶	نشانه های ظهور، رابطه آن با نشانه های قیامت	بقره: ۱۵۵ و ۱۵۶، شعراء: ۴، محمد: ۱۸
۷	اصحاب، ویژگی ها، آزمون ها و ابتلائات، وظایف	بقره: ۱۴۸، بقره: ۲۴۹، مائده: ۵۴، طه: ۱۳۵، کهف: ۸۲
۸	قطعیتِ ظهور، امدادهای غیبی، حکومت واحد جهانی اسلام، وضعیت عالم پس از ظهور و...	بقره: ۳، آل عمران: ۱۲۵، انعام: ۴۴ و ۴۵، انعام: ۱۵۸، اعراف: ۹۶، انفال: ۳۹، توبه: ۳۲ و ۳۳، حجر: ۳۶، انبیاء: ۱۰۵، حج: ۴۱، نور: ۵۵، نمل: ۶۲، قصص: ۵، زمر: ۶۹، حدید: ۱۷
۹	رجعت	نمل: ۸۳
۱۰	نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>	زخرف: ۶۱

۱. با مراجعه به فهرست آغاز کتاب می توانید توضیحات لازم را درباره موضوعات مطرح شده ببینید.

فهرست برخی از منابع آیات مهدویت برای مطالعه بیشتر

۱. **معجم احادیث امام مهدی**، جلد ۵ از چاپ پنج جلدی و جلد ۷ از چاپ هشت جلدی، نشر مؤسسه معارف اسلامی قم.
۲. **سیمای حضرت مهدی در قرآن**، ترجمه المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، سید مهدی حائری قزوینی.
۳. بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی در دیدگاه فریقین، فتح‌اله نجارزادگان، نشر سمت.
۴. **امام مهدی در قرآن**، مهدی یوسفیان، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۵. **پرتوی از آیه های مهدوی**، حجه الاسلام قرائتی، به کوشش حسن ملائی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی.
۶. **امام مهدی و نماد های قرآنی**، حسن دهشیری و رحمت جعفری، قم، نشر روح.
۷. **قافله سالار**، محمود اباذری، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود. همچنین می‌توانید با تهیه نرم افزار «مهدویت» از مجموعه نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری نور و استفاده از گزینه «آیات در کُتب» و انتخاب آیه مورد نظر، از شرح و توضیحی که در بیش از ۳۰۰ کتاب مهدوی موجود در این نرم افزار، در اختیار شما قرار می‌گیرد، اطلاعات لازم را به دست آورید.

کتاب نامه

قرآن مجید

نهج البلاغه

مفاتیح الجنان

- ابن ابی زینب نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ *الغیبة*، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله؛ *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی؛ محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن منصور؛ *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
- اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمہ فی معرفة الائمة*، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- افندی آلوسی، محمود؛ *تفسیر روح المعانی*، لبنان، دارالکتب العلمیہ، بی تا.
- باقلانی مالکی، ابوبکر؛ *تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل*، لبنان، مؤسس الکتب الثقافیہ، ۱۹۸۷.
- بحرانی، سید هاشم؛ *تفسیر البرهان*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
- بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم؛ *صحیح بخاری*، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
- بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت؛ *فصل نامه تخصصی انتظار*، قم.
- بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم؛ *منتخب الانوار المضيئه*، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۶۰ش.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره؛ *سنن الترمذی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ *الإیقاظ من الہجعة بالبرهان علی الرجعة*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ش.

۱۹۰ سیمای ماه دوازدهم

- حسکانی، عبیدالله بن احمد؛ *شواهد التنزیل*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی؛ *تأویل الایات الظاهرة*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد؛ *کفاية الاثر في النص على الائمة الاثنى عشر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- سید بن قطب بن ابراهیم؛ *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی، جلال الدین؛ *تفسیر الدر المنثور*، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی؛ *کمال الدین و تمام النعمة*، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.
- _____؛ *من لا یحضره الفقیه*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
- طباطبائی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
- طبری، محمد بن جریر؛ *دلایل الامامة*، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ *کتاب الغیبة للحجة*، دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
- عبد الرزاق بن همام الصنعانی ابو بکر؛ *المصنف*، المجلس العلمی، جنوب افریقا، ۱۳۹ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر عیاشی*، علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
- فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*، تحقیق: موسوی جزائری، قم، طیب، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

كتابنامه ۱۹۱

- كوراني و همكاران، علي؛ معجم احاديث الامام المهدي، المعارف الاسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
- مجلسي، محمدباقر؛ بحار الانوار، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق.
- المدني، ضامن بن شدم بن علي؛ وقعة الجمل، نشر محمد، قم، ۱۴۲۰ق.
- مفيد، محمد بن محمد؛ اوائل المقالات، كنگرة شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
-؛ الارشاد في معرفة حجج الله على العباد،
- مكارم شيرازي ناصر و ديگران؛ تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۴ش.
- نافع الحميري يمى صنعاني، ابوبكر عبدالرزاق؛ مصنف عبدالرزاق، هند، المجلس العلمي، ۱۴۰۳.